

شناسنامه همایش ملی «مسئله تورم در ایران؛ ریشه‌ها، آثار و سیاست‌ها»

اعضای کمیته علمی

- شمس‌الدین حسینی، استاد دانشکده اقتصاد دانشگاه علامه طباطبایی
- زهرا (میلا) علمی، استاد دانشکده علوم اقتصادی و اداری دانشگاه مازندران
- سیدحسین میرجلیلی، استاد پژوهشکده اقتصاد پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
- تیمور رحمانی، دانشیار دانشکده اقتصاد دانشگاه تهران
- کامران ندری، دانشیار دانشکده معارف اسلامی و اقتصاد دانشگاه امام صادق (ع)
- ابراهیم التجائی، دانشیار پژوهشکده اقتصاد پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
- علی نصیری‌اقدام، استادیار دانشگاه علامه طباطبایی
- حسین صمصامی مزرعه‌آخوند، استادیار دانشکده اقتصاد و علوم سیاسی دانشگاه شهید بهشتی
- مهدی قائمی‌اصل، استادیار دانشکده اقتصاد دانشگاه خوارزمی
- لیلاسادات زعفرانچی، استادیار پژوهشکده اقتصاد پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
- جلال منتظری شورکچالی، استادیار پژوهشکده اقتصاد پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
- نرگس اکبرپورروشن، استادیار پژوهشکده اقتصاد پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

دبیران علمی:

لیلاسادات زعفرانچی - جلال منتظری شورکچالی

دبیر اجرایی:

نرگس اکبرپورروشن

آدرس سایت: <http://www.ihcs.ac.ir/inflationconf>





آیین گشایش همایش

در ابتدای همایش پس از تلاوت قرآن کریم و پخش سرود ملی، تیزر معرفی پیش‌نشست‌های همایش پخش شد. سپس مجری برنامه با اشاره به اهمیت موضوع این نشست یک‌روزه، از دبیر علمی همایش خانم دکتر لیلاسادات زعفرانچی دعوت کرد تا سخنانی را در خصوص معرفی این همایش ملی داشته باشند.

آیین گشایش همایش ساعت ۹:۴۵-۹:۰۰	
۹:۰۰-۹:۰۵	تلاوت آیاتی چند از قرآن مجید
۹:۰۵-۹:۱۰	سرود جمهوری اسلامی ایران
۹:۱۰-۹:۱۵	خوشامدگویی، مجری
۹:۱۵-۹:۲۵	گشایش همایش، لیلاسادات زعفرانچی (رئیس پژوهشکده اقتصاد و دبیر علمی همایش)
۹:۲۵-۹:۳۵	اهداف همایش، یحیی فوزی (معاون پژوهشی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی و رئیس همایش)
۹:۳۵-۹:۴۵	ارائه گزارش همایش، نرگس اکبری‌پورروشن (عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی و دبیر اجرایی همایش)

پدیده تورم همچنان مسئله اصلی کشور محسوب می شود

دکتر لیلاسادات زعفرانچی - رئیس پژوهشکده اقتصاد پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی و دبیر علمی همایش

دکتر زعفرانچی، دبیر علمی همایش «مسئله تورم در ایران، ریشه‌ها، آثار و سیاست‌ها»، ضمن خوش آمدگویی به حضار در سالن و برخط، از تعاملات علمی و همکاری‌های مؤثری که در طول بیشتر از نه ماه از آغاز به کار دبیرخانه همایش ملی «مسئله تورم در ایران، ریشه‌ها، آثار و سیاست‌ها» با تعداد زیادی از مجموعه‌های ذی‌ربط برقرار بوده و موجبات بهره‌مندی همایش را فراهم نموده، قدردانی نمود. وی عنوان کرد مسئله تورم در ایران در ۵۰ سال گذشته با میانگینی فراتر از معمول جهانی از طرفی و رکورد زدن این پدیده مزمن در دهه اخیر از طرف دیگر، حساسیت و اهمیت مواجهه با این معضل اقتصادی را روشن می‌کند. پدیده‌ای که در دولت‌های مختلف با سیاست‌های مقطعی و معمولاً با تعجیل در دستور کار قرار گرفته اما بدون تصحیح ساختار مناسب و جلوگیری از مشی نادرست سیاست‌گذاری، فقدان پشتوانه تولید و به‌خصوص حذف ذینفعان از این بازی باخت-باخت بین ملت و دولت همچنان مشکل اصلی کشور محسوب می‌شود.

این عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی اشاره کرد که امروز تورم نه تنها معضلی اقتصادی که دارای نتایج منفی و وسیعی در ابعاد سیاسی و فرهنگی است. افزایش سطح عمومی قیمت‌ها که باعث نا اطمینانی، کاهش سرمایه‌گذاری، تخصیص نامناسب منابع، افزایش شکاف درآمدی، کاهش رشد جمعیت و افزایش مهاجرت و از همه مهم‌تر اُفت امید اجتماعی و کیفیت زندگی است، از مهم‌ترین اولویت‌های امروز از منظر جامعه علمی کشور به شمار می‌رود. وی در ادامه بیان کرد که اگر قائل به ۵ نظریه کلی در تاریخ اندیشه اقتصادی در حوزه تورم باشیم، از نظریه پولی تورمی فریدمن که تورم را همیشه و همه‌جا یک پدیده پولی تفسیر می‌کند تا نظریه تورم ناشی از فشار تقاضا که حاصل از نگرش کینز که علت تورم را فزونی تقاضای کل نسبت به عرضه کل برمی‌شمرد و نظریه تورم ناشی از فشار هزینه که قائل به افزایش هزینه‌های تولید در ایجاد و ظهور و تورم است و یا نظریه ساختارگرایی تورم که تورم را محصول فرعی ساختارهای نامتوازن کشورهای در حال توسعه می‌داند و حتی نظریه انتظارات تورمی که معتقد است که انتظارات نقش تعیین‌کننده‌ای در تئوری‌های اقتصادی از جمله تورم دارند، به نظر می‌رسد اقتصاد ایران در افق کوتاه و بلند نیازمند اصلاح اقتصادی در ابعاد مختلف ذکر شده است.

دکتر زعفرانچی بیان کرد که نام‌گذاری سال جاری با عنوان «مهار تورم و رشد تولید» که دو روی یک سکه از اساسی‌ترین مسائل اقتصادی کشور به شمار می‌رود، توسط مقام معظم رهبری، تأکیدی است بر این که کلید موفقیت سیاست‌های مربوطه نیازمند و متوقف بر دستیابی به یک اجماع و راهبرد ملی است.

نظر به این که کاهش تورم و ایجاد فضای با ثبات اقتصادی خود می‌تواند محرک رشد اقتصادی باشد، هر درمان پایداری برای تورم به احتمال زیاد در افزایش متوسط رشد اقتصادی نیز مفید فایده خواهد بود. بر این اساس در اوایل سال جاری پژوهشکده اقتصاد در پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی مبتنی بر رسالت ذاتی خود، پیشنهاد برگزاری یک رویداد علمی در پرداختن به وجوه مختلف پدیده تورم در کشور را مبتنی بر همفکری با صاحب‌نظران امر طرح نمود. این پیشنهاد به‌عنوان طرحی گروهی در ۲۵ اردیبهشت سال جاری در شورای محترم پژوهشی پژوهشگاه به تصویب رسید و فعالیت دبیرخانه همایش ملی «مسئله تورم در ایران؛ ریشه‌ها، آثار و سیاست‌ها» آغاز شد. با تشکیل کمیته علمی، محورهای این رویداد ملی در سه زیرمجموعه علل و ریشه‌های ظهور تورم، آثار و سیاست‌های مرتبط با تورم در کشور مقرر و تعیین گردید. نظر به وجود تشتت در آراء نخبگانی در خصوص شناخت مسأله تورم به نظر می‌رسد که یکی از وظایف این همایش گردآوری ایده‌ها به‌عنوان لازمه اصلی رسیدن به راه‌حلهایی اجماعی و ملی باشد. اصلی که با برگزاری هشت پیش‌نشست تخصصی و مشارکت‌بست و چهار نفر از صاحب‌نظران علمی و اجرایی کشور تعقیب و در قالب گزارش پیش‌نشست‌های همایش به‌صورت فیزیکی و الکترونیکی تقدیم علاقه‌مندان شده است.

در فراخوان دریافت مقالات علمی به‌عنوان محور فعال دیگر دبیرخانه، مفتخر به دریافت ۹۲ چکیده مقاله با تنوع مناسب استانی در سراسر کشور و مشارکت اعضاء محترم هیئت علمی و پژوهشگران علمی و اجرایی بوده‌ایم. دریافت ۵۵ مقاله کامل و ارزیابی کلیه مقالات و چاپ مجموعه چکیده مقالات تأییدشده جهت ارسال مقالات کامل، تصویری از نویسندگان خدمت بزرگواران ارائه کرده و در اختیار علاقه‌مندان قرار داده است.

وی ادامه داد آنچه امروز و در روز نهایی همایش دنبال کرده‌ایم، سخنرانی اساتید گرامی دانشگاهی-پژوهشی و مدیران اجرایی در حوزه‌های مختلف است، تا بتواند در روشنگری ابعاد مسأله تورم در کشور راهنما باشد. در سه پنل علمی پیش‌بینی‌شده در ذیل محورهای همایش، بر آنیم تا با ارائه مقالات منتخب، شنونده جمع‌بندی اساتید مربوطه در زمینه علل، آثار و سیاست‌های تورمی باشیم. در خاتمه دکتر زعفرانچی ضمن تشکر از کلیه اعضاء محترم کمیته علمی و اجرایی همایش، از جناب آقای دکتر موسی نجفی، ریاست محترم پژوهشگاه علوم

انسانی و مطالعات فرهنگی و نیز آقای دکتر یحیی فوزی معاونت محترم پژوهشی جهت راهنمایی، همراهی و پشتیبانی لازم کمال قدردانی نمود و اشاره کرد که بی شک دسترسی به این مهم به جز در سایه تلاش بی وقفه و خالصانه همکاران گرامی در پژوهشکده اقتصاد و پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی به ثمر نمی‌نشست. در پایان دبیر علمی همایش آرزو نمود که در روز همایش و در کنار اساتید گرامی و صاحب‌نظران امر، اوقات پربراری را جهت ریشه‌یابی و طرح سیاست‌های رفع این معضل اساسی در کشور داشته و بتوان گامی هرچند کوچک در مسیر دشوار و پیچیده سیاست‌گذاری در شرایط کنونی اقتصادی و در جهت اعتلای این سرزمین عزیز برداشت.

لذت دستاوردها در غبار تورم پنهان شده است

یحیی فوزی - معاون پژوهشی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی و رئیس همایش

دومین سخنران مراسم افتتاحیه همایش «مسئله تورم در ایران؛ ریشه‌ها، آثار و سیاست‌ها» توسط آقای دکتر یحیی فوزی، معاون پژوهشی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی ارائه شد. دکتر فوزی ضمن اشاره به اینکه پژوهشگاه علوم انسانی به‌عنوان بزرگ‌ترین پژوهشگاه علوم انسانی در کشور پژوهش‌های گسترده‌ای را در حوزه‌های مختلف علوم انسانی انجام داده است، اشاره نمود که نتایج این مجموعه پژوهش‌ها در قالب کتاب، مقاله، کارگاه، نشست و همایش‌های علمی منتشر و دیگر اقدامات ترویجی مطرح می‌شود. در سال جاری پنج همایش ملی برگزار و یا در حال برگزاری است که عمدتاً مرتبط با اولویت‌های پژوهشی و مسائل مبتلابه کشور است و در این ارتباط محققان مختلف در قالب ده‌ها نشست و پیش همایش مباحث خود را مطرح کرده‌اند.

دکتر فوزی با عنوان اینکه اصولاً یکی از دستاوردهای همایش‌ها جمع‌آوری آخرین یافته‌های پژوهشی و تبادل اندیشه‌ها در حول یک مسئله خاص است و همایش‌ها ویتیرینی از دستاوردهای محققان است، بیان کرد که در این راستا این همایش توسط پژوهشگاه اقتصاد پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی مطرح و در شورای پژوهشی به تصویب رسید و مقدمات اجرایی آن با کمک کمیته علمی و با مشارکت جمعی از متخصصان در این حوزه پیگیری شد و امید است بتواند به نتایج مفیدی برای کشور در نگاه به ابر مسئله تورم و ارائه توصیه‌های سیاستی کمک‌کننده مفید باشد.

معاون پژوهشی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی گفت: مسئله تورم یک ابر مسئله مهم ملی است و موجب شده تا لذت بسیاری از دستاوردهای مهم اقتصادی - سیاسی، در غبار تورم گم شود و پیشرفت‌های مختلف در اذهان مردم به حاشیه رود. اقتصاد ما بیش از پنج دهه است که درگیر نرخ بالا و دورقمی تورم است و طبق آمار بانک مرکزی طی سال‌های بعد از انقلاب تنها ۴ سال تورم تک‌رقمی را تجربه کرده است.

ایران در منطقه خاورمیانه سومین تورم بالا را دارد و بعد از لبنان و سوریه در رده سوم قرار دارد و در بین کشورهای جهان جایگاه هشتم را در بیشترین نرخ سالانه تورم دارد، به طوری که بعد از ونزوئلا، لبنان، زیمبابوه سوریه، آرژانتین و سورینام و سودان جایگاه تورمی ایران قرار دارد. طبق اعلام بانک جهانی ایران در تورم قیمت مواد غذایی رتبه پنجم را در جهان دارد و این در حالی است که ۱۳۲ کشور در جهان تورم تک‌رقمی را شاهد هستند.

وی ادامه داد که هرچند به دلیل زیست طولانی در وضعیت تورمی، این آمارها تا حدی عادی شده است اما برای هر ایرانی و نیروهای انقلابی تکان‌دهنده است و برای انقلابی که به دنبال آرمان‌های والایی بود به هیچ‌وجه قابل‌پذیرش نیست.

دکتر فوزی با اشاره به آثار سیاسی، اجتماعی و فرهنگی تورم عنوان نمود که تورم تنها یک پدیده اقتصادی صرف نیست بلکه پیامدهای گسترده سیاسی اجتماعی اقتصادی فرهنگی و امنیتی بسیاری را در بر دارد، در حوزه سیاسی تورم موجب کاهش انسجام و سرمایه اجتماعی می‌شود. هویت و همبستگی ملی را به شدت مخدوش می‌کند. احساس تعلق به سرزمین را تضعیف می‌کند و همچنین بر مشارکت و حمایت از نظام سیاسی و تقویت پایگاه مردمی حکومت و تداوم امنیت نظام سیاسی می‌تواند بسیار مؤثر باشد. در حوزه اجتماعی نیز تورم بر مسائل مهمی همچون پیگیری سیاست‌های جمعیتی، تقویت نهاد خانواده و پیشبرد ازدواج و امید به آینده و احساس نگرانی و ده‌ها مشکل دیگر اجتماعی در بین اقشار مختلف اجتماعی تأثیر مهمی دارد و به شدت زمینه‌ساز ناهنجاری‌ها و چالش‌های اجتماعی را فراهم کرده و زمینه‌ساز بحران‌های مختلف است. در حوزه فرهنگی نیز می‌تواند دین‌داری، فرهنگ دینی را تضعیف کند و گسیختگی اخلاقی را در جامعه شکل دهد. و معنویت و سبک زندگی تحت تأثیر فشارهای تورمی قرار گیرد و حتی استفاده از محصولات فرهنگی در سبک خانوار را به شدت تحت تأثیر قرار می‌دهد.

این عضو هیئت‌علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی اشاره داشت که رهبری معظم انقلاب همواره بر اهمیت مسئله تورم و ارائه راه‌حل برای آن تأکید کردند و نام‌گذاری سال‌های مختلفی را معطوف به این مسئله انجام دادند و دولت‌های مختلف با رویکرد اصلاح‌طلبانه، اصول‌گرایانه و چپ و راست و اعتدالی در ابتدای امر همواره از این امر به‌عنوان چالش مهم یاد کرده‌اند، اما اقدامات آن‌ها در بسیاری از ادوار تغییری در وضعیت تورم ایجاد نکرد. در اسناد بالادستی نیز این مسئله و ضرورت اصلاح ساختاری برای حل آن همواره مطرح شده است و در عرصه گفت‌وگویی نیز می‌توان گفت بسیاری از متخصصین در شیوه‌های حل تورم به یکدیگر نزدیک شده‌اند اما تورم همچنان مشکل‌ساز بوده و فرازوفرودهای آن زندگی و آینده مردم را به بازی گرفته است. وی سپس با طرح این سؤال که واقعاً مشکل کجاست، کارگزاران، ساختارها و یا گفتمان‌ها، دولت‌های خارجی و تحریم و نظام سلطه و یا عناصر پنهانی همچون گروه‌های ذی‌نفوذ، مافیا و عوامل دیگر؟ عنوان نمود که به‌رحال این همایش با هدف پاسخ به این سؤالات با رویکردی دوباره به علل تورم متمرکز شده است و سه محور مهم را به‌عنوان اولویت مورد بحث قرار خواهد داد.

اولین بحث علل و ریشه‌های تورم در ایران است و در این ارتباط به مباحث مختلفی همچون: ریشه‌های اصلی کوتاه‌مدت و بلندمدت تورم در ایران، روابط سیاسی-اقتصادی بین‌المللی و اثر تحریم‌ها بر تورم در ایران، نظام پرداخت‌های بین‌المللی و اثرات آن بر تورم و شوک‌های تورمی در ایران خواهد پرداخت.

محور دوم آثار تورم در ایران است و آثار و پیامدهای اقتصادی اجتماعی و سیاسی تورم در ایران و همچنین بحث از برندگان و بازندگان تورم در ایران، ارزیابی سیاست‌ها در کنترل تورم و حفظ ارزش پول ملی و مسئله رابطه کوتاه‌مدت و بلندمدت تورم با رشد اقتصادی و تولید در ایران بحث می‌شود.

و در نهایت در سومین محور ارزیابی سیاست‌های ضد تورمی است و در این ارتباط سیاست‌گذاری مالی و بودجه‌ای و پولی و ارزی و عملکرد نظام بانکی در مقابله با تورم در ایران و همچنین نقش فناوری‌های نوین مالی بر تورم در ایران مطرح خواهد شد و سیاست‌ها و ابزارهای مقابله با تورم در سایر کشورها و تجربیات موفق و ناموفق سایر کشورها در مقابله با تورم بحث خواهد شد.

دکتر فوزی به‌عنوان رئیس محترم همایش در پایان اشاره کرد که امید است نتایج همایش بتواند کمک‌کننده برای همه دولتمردان، به‌خصوص دولت سیزدهم که دغدغه عدالت‌گرایی، فقر ستیزی و ارتقا رفاه اقتصادی و افزایش قدرت پول ملی را سرلوحه کار خود دانسته است، قرار گیرد و در خاتمه از همه اساتید، محققان، دانشجویان و مسئولان محترمی که در این همایش شرکت کرده و به‌صورت خاص از زحمات دبیر علمی و اجرایی و اعضای کمیته علمی و همه سخنرانان محترم تشکر و قدردانی نمود.

روند و دستاوردهای همایش ملی مسئله تورم در ایران؛ ریشه‌ها، آثار و سیاست‌ها

نرگس اکبرپورروشن، عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی و دبیر اجرایی همایش

خانم دکتر نرگس اکبرپورروشن، عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی و دبیر اجرایی همایش به‌عنوان آخرین سخنران مراسم افتتاحیه این همایش ملی، ضمن خوشامدگویی به شرکت‌کنندگان در همایش، به ارائه گزارشی از روند و دستاوردهای برگزاری همایش ملی «مسئله تورم در ایران؛ ریشه‌ها، آثار و سیاست‌ها» پرداخت. در گزارش ایشان، بعد از معرفی اعضای کمیته علمی و محورهای اصلی موردنظر همایش، فرایند اجرایی در سه جنبه اصلی فراخوان دریافت مقاله، برگزاری پیش‌نشست‌ها، و رایزنی برای گسترش همکاری‌ها تشریح شد. در جنبه نخست، فراخوان دریافت مقالات، ضمن توصیف فرایند و شیوه‌های اطلاع‌رسانی گسترده همایش به تمامی مراکز آموزشی، پژوهشی و دستگاه‌های مرتبط استان‌های کشور، توزیع مقالات دریافتی دبیرخانه از نظر جغرافیایی، نهادی و موضوعی نمایش داده شد. براساس گزارش دبیر اجرایی همایش، در مجموع، ۹۲ چکیده از ۱۸ استان کشور دریافت شد. در شکل ۱ استان‌های مشارکت‌کننده در همایش از طریق ارسال چکیده مقالات مشخص شده‌اند. با این حال، باتوجه به تمرکز نهادهای آموزشی، پژوهشی و اجرایی در استان تهران، تعداد مقالات دریافتی از این استان به طرز معناداری از سایر استان‌ها بیشتر بوده است.



شکل ۱. توزیع جغرافیایی مقالات رسیده به دبیرخانه همایش «مسئله تورم در ایران؛ ریشه‌ها، آثار و سیاست‌ها»

به گزارش دبیر اجرایی همایش «مسئله تورم در ایران؛ ریشه‌ها، آثار و سیاست‌ها»، چکیده‌های مقالات دریافتی به‌طور مشخص با وابستگی سازمانی ۴۰ نهاد آموزشی، پژوهشی و اجرایی در کشور ارائه شده‌اند که در جدول ۱ فهرست این نهادها ارائه شده است.

جدول ۱. نهادهای مشارکت‌کننده با همایش «مسئله تورم در ایران؛ ریشه‌ها، آثار و سیاست‌ها» از طریق ارسال

چکیده مقاله

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی	دانشگاه تهران	دانشگاه علامه طباطبایی	مرکز پژوهش‌های مجلس	مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی
دانشگاه مازندران	دانشگاه امام صادق (ع)	دانشگاه تبریز	دانشگاه آزاد بندرعباس	دانشگاه اراک
دانشگاه خوارزمی	دانشگاه فردوسی	دانشگاه تربیت مدرس	دانشگاه آزاد تهران مرکز	مرکز آمار ایران
دانشگاه باهنر	دانشگاه رازی	دانشگاه ارومیه	دانشگاه پیام نور	سازمان امور مالیاتی
دانشگاه اصفهان	دانشگاه زنجان	دانشگاه بین‌المللی امام خمینی	دانشگاه گنبد کاووس	وزارت صنعت، معدن و تجارت
پژوهشکده پولی و بانکی	پژوهشکده امور اقتصادی	پژوهشکده بیمه	دانشگاه بجنورد	وزارت امور اقتصادی و دارایی
پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات اجتماعی جهاد دانشگاهی	دانشگاه مفید	دانشگاه گلستان	دانشگاه آزاد بندر کنگان	بانک شهر
پژوهشکده اسناد سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران	مؤسسه پژوهش‌های برنامه‌ریزی، اقتصاد کشاورزی و توسعه روستایی	دانشگاه علوم و فنون دریایی خرمشهر	مؤسسه آموزش عالی ارشاد دماوند	انجمن شرکت‌های پژوهشی و دانش‌بنیان نفت، گاز

دکتر اکبر پورروشن، با اشاره به اینکه از ۹۲ چکیده دریافتی، ۷۳ مورد برای دریافت مقاله کامل تأیید شدند و ۵۵ مقاله کامل از بین آن‌ها دریافت شد، تأکید کرد که داوری مقالات کامل به‌صورت دوسو ناس و توسط حداقل دو داور انجام شد. در این راستا و برای بهره‌مندی از ظرفیت پژوهشگران و اساتید دانشگاهی متخصص در کشور، از ۴۸ نفر از اساتید دانشگاه‌ها و پژوهشگاه‌های سرتاسر کشور، از جمله اعضای هیئت علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، جلب همکاری شد. در نهایت، بر اساس نظرات داوران و همچنین اعضای کمیته علمی همایش، ۲۵ مقاله از مجموع ۵۵ مقاله دریافتی برای ارائه یا چاپ در مجموعه مقالات مورد پذیرش قرار گرفتند. دبیر اجرایی همایش تأکید کرد که نه مقاله پذیرفته‌شده برای ارائه در روز همایش ارائه خواهند شد.

دکتر اکبرپور، سپس باتوجه به محورهای همایش، یک طبقه‌بندی موضوعی از مقالات پذیرفته شده ارائه کردند. بر اساس این گزارش، ۱۰ مقاله در محور علل تورم در ایران، ۹ مقاله در محور آثار تورم در ایران، و ۶ مقاله در محور سیاست‌گذاری در حوزه تورم پذیرفته شدند.

جدول ۲. سخنرانی‌های پیش‌نشست‌های همایش «مسئله تورم در ایران؛ ریشه‌ها، آثار و سیاست‌ها»

سخنرانان	عنوان سخنرانی	سخنرانان	عنوان سخنرانی
دکتر تیمور رحمانی	تورم ماندگار و جهش‌های تورمی در اقتصاد ایران	دکتر عباس شاکری	علل و پویایی‌های تورم در ایران
دکتر داود دانش‌جعفری	ناترازی بودجه دولت و تورم در ایران	دکتر کامران ندری	تجربه مبارزه با تورم در کشورهای دارای تورم بالا
دکتر علی نصیری‌اقدم	بررسی علل تورم و اثر تغییرات دستمزد	دکتر احمدرضا جلالی نائینی	تکانه‌های خارجی، فشار هزینه، و رکود تورمی در اقتصاد ایران
دکتر ابراهیم صیامی	عملیات بودجه‌ای و فرابودجه‌ای دولت و اثر آن بر پایداری تورم در ایران	دکتر مجید کریمی	عملکرد دولت ایران در مهار تورم
دکتر مهدی قاسمی	جنبه‌های دیده‌نشده بروز تورم در اقتصاد ایران و مروری بر تجارب بین‌المللی در این خصوص	دکتر موسی شهبازی	ناترازی بانکی و تورم در ایران
دکتر مرتضی عزتی	نظریه مقدار پول؛ تولید و تورم در ایران	دکتر سیدمحمدرضا امیری طهرانی‌زاده	احکام تورم از دیدگاه فقه اقتصادی
دکتر جلال منتظری شورکچالی	نفرین منابع، بیماری هلندی و تورم در ایران	دکتر نرگس اکبرپورروشن	ناترازی صندوق‌های بازنشستگی و تورم در ایران
دکتر سیده‌زهره اجاق	رسانه‌ها و شکل‌گیری تورم انتظاری: مروری بر عوامل و راه‌حل‌ها	دکتر شروین مقیمی	تأملی از منظر الهیئت سیاسی تجدد
دکتر مصطفی سمیعی‌نسب	تحلیلی بر پیامدهای تحریم بر تورم در اقتصاد ایران	دکتر سپیده میرمجیدی	تأملی پیرامون آثار حقوقی تورم از منظر نرخ جرم
دکتر محمدحسین معماریان	ارزیابی سیاست‌گذاری مالی و بودجه‌ای در مقابله با تورم در ایران	دکتر حسین درودیان	علل تورم در دوران بی‌ثبات و با ثبات اقتصادی در ایران
دکتر اعظم احمدیان	آسیب‌پذیری رشد اقتصادی از تورم	دکتر مصطفی فرخ‌فال	اندازه‌گیری تورم در مرکز آمار ایران
دکتر الناز باقرپور اسکویی	تحلیل تورم در ایران و راهکارهای مهار آن	دکتر زهرا مشفق	دیپلماسی اقتصادی و تورم در ایران

در جنبه دوم، برگزاری پیش‌نشست‌ها، دبیر اجرایی همایش به این نکته اشاره کردند که مسئله تورم در ایران یک دغدغه مبتلابه کشور است که نیازمند تبادل نظر جدی و مؤثر در میان صاحب‌نظران دانشگاهی و اجرایی برای رسیدن به اجماع به منظور ارائه راهکار در این زمینه است. وی افزود برای تأمین این مهم و ایجاد پیوند بین حوزه نظر و عمل، ۸ پیش‌نشست با دعوت از ۲۴ صاحب‌نظر علمی و اجرایی کشور در زمینه تورم برگزار شد. در جدول ۲ فهرست صاحب‌نظران سخنران در پیش‌نشست‌ها به همراه عناوین سخنرانی ارائه شده است.

وی بیان کرد که خروجی‌های منتشر شده همایش تاکنون، علاوه بر گزارش‌های منعکس شده از پیش‌نشست‌ها در سایت همایش، مجموعه چکیده مقالات پذیرفته شده برای دریافت مقاله کامل و گزارش پیش‌نشست‌های همایش مشتمل بر اهم نکته‌های مطرح شده توسط سخنرانان بوده است که برای بهره‌مندی علاقمندان هم به صورت فیزیکی منتشر شده و هم به صورت الکترونیکی در سایت همایش بارگذاری شده است. وی افزود که تلاش بر این است پس از برگزاری همایش، علاوه بر انتشار مجموعه مقالات پذیرفته شده در همایش، گزارش سیاستی برای انتقال یافته‌های حاصل از همایش به سیاست‌گذاران مرتبط تدوین شود.

دکتر اکبرپورروشن در توضیح جنبه سوم، رایزنی برای گسترش همکاری‌ها، توضیح داد که تمام تلاش دست‌اندرکاران همایش این بود که همایش برای همایش برگزار نشود، و از قبل همایش، دستاوردهای ملموسی هم در زمینه سیاست‌گذاری تورم در کشور و هم در زمینه گسترش تعاملات پژوهشکده اقتصاد پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی با سایر نهادهای آموزشی، پژوهشی و اجرایی مرتبط حاصل شود. در این راستا، و طی رایزنی‌های انجام شده، همایش از حمایت معنوی و مادی نهادهای زیادی شامل دانشگاه تهران، دانشگاه شهید بهشتی، دانشگاه علامه طباطبایی، دانشگاه مازندران، پژوهشکده امور اقتصادی، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی، دانشگاه آزاد واحد علوم و تحقیقات، پژوهشکده پولی و بانکی، مرکز پژوهش‌های مجلس، پژوهشکده امنیت اقتصادی تدبیر، وزارت امور اقتصادی و دارایی، بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، سازمان امور مالیاتی، اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی تهران، و بانک صنعت و معدن برخوردار شد. دبیر اجرایی همایش ضمن تشکر از تمامی این نهادها، حضور پرشور شرکت‌کنندگان در همایش را از دستاوردهای این تعامل دانست.

در نهایت، دکتر اکبرپورروشن، به‌عنوان نماینده بخش اجرای همایش، ضمن تشکر از تمامی فرهیختگان که از طریق ارسال مقاله، داوری، سخنرانی، معرفی و اطلاع‌رسانی همایش، و حضور در سالن با دبیرخانه همکاری

کردند، مراتب قدردانی و سپاسگزاری خود را از تمامی دست‌اندرکاران اجرایی اعم از همکاران حوزه ریاست، همکاران حوزه معاونت پژوهشی، همکاران حوزه معاونت اداری و مالی، همکاران واحد انتشارات و روابط عمومی، همکاران پشتیبانی و حراست، و به‌ویژه همکاران پژوهشکده اقتصاد پژوهشگاه اعلام کرد.

نشست نخست همایش

اولین نشست تخصصی همایش با حضور سخنرانان کلیدی، آقای دکتر بابک نگاهداری، رئیس محترم مرکز پژوهش‌های مجلس و آقای دکتر سیدعلی روحانی، معاون محترم سیاست‌گذاری اقتصادی وزارت امور اقتصادی و دارایی برگزار شد.

ساعت ۱۰:۱۵-۱۲:۰۰	نشست نخست: سخنرانان کلیدی
۱۰:۱۵-۱۰:۲۰	پخش کلیپ همایش
۱۰:۲۵-۱۱:۰۰	بابک نگاهداری، رئیس مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی
۱۱:۰۵-۱۲:۱۰	سیدعلی روحانی، معاونت سیاست‌گذاری اقتصادی وزارت امور اقتصادی و دارایی

ایجاد و ترویج تصویر مثبت اقتصادی لازمه مهار تورم است

دکتر بابک نگاهداری، رئیس مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی

دکتر بابک نگاهداری، رئیس مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، اولین سخنران کلیدی مراسم افتتاحیه این همایش ملی بود. وی با بیان اینکه در سال‌های اخیر تورم‌های بالا و پرنوسانی را تجربه کرده‌ایم، ادامه داد: به همین دلیل مهار تورم از اهداف شعار سال ۱۴۰۲ قرار گرفت تا اهمیت آن بیش‌ازپیش به سیاست‌گذاران تذکر داده شود. نگاهداری با بیان اینکه تداوم تورم‌های بالا در نیم‌قرن گذشته، مهم‌ترین مسئله مشهود در این زمینه است، افزود: سطح تورم با توجه به شرایط اقتصادی کشور، به‌ویژه وضعیت صادرات نفتی، نوساناتی در دوره‌های مختلف داشته است، اما به‌طورکلی باید گفت که همواره تورم در سطوح بالایی قرار داشته است. وی با اشاره به اینکه ریشه اصلی تداوم تورم‌های بالا، ناترازی در مقیاس کلان اقتصادی است، گفت: این امر را می‌توان در ناترازی مالی بخش عمومی، نظام بانکی، صندوق‌های بازنشستگی، حوزه انرژی و موازنه پرداخت‌های خارجی مشاهده کرد.

رئیس مرکز پژوهش‌های مجلس با بیان اینکه ناترازی به معنای تقاضای اضافه خرج کردن نسبت به تولید و درآمد است، افزود: یکی از زمان‌هایی که تورم رخ می‌دهد، وقتی است که هزینه‌های صندوق‌های بازنشستگی نسبت به عواید آن‌ها، با تقاضای اضافه خرج کردن متناظر است. وی ادامه داد: همچنین تورم وقتی افزایش می‌یابد که شرکت‌های دولتی و خصوصی با وجود زیان انباشته، همچنان فعالیت خود را ادامه دهند. این رفتار شرکت‌ها معنایی جز تقاضای اضافه خرج کردن ندارد.

وی با اشاره به اینکه صادرات نفتی در بازه‌های زمانی مختلف رو به افزایش بوده، گفت: در دوره‌هایی این مازاد تقاضای خرج کردن با واردات کالاهای خارجی تأمین شده تا آثار تورمی آن کمتر در جامعه بروز و ظهور پیدا کند. وی ادامه داد: در دوره‌هایی که ارزهای نفتی، قدرت کمتری برای پوشش این تقاضا داشته‌اند، آثار تورمی تقاضای اضافه خرج کردن هویدا شده است. هرکدام از این ناترازی‌ها، ریشه در اقدامات و تصمیمات سیاست‌گذاران در چند دهه گذشته دارد، انباشت این ناترازی‌ها طی دهه‌های متمادی موجب شده تا مسئله تورم و راهکارهای رفع آن شکل پیچیده و بلندمدتی به خود بگیرد.

دکتر نگاهداری افزود: در چنین شرایطی نباید انتظار داشت که با راه‌حل‌های ساده و کوتاه‌مدت بتوان بر سطح بالای تورم در ایران فائق آمد. البته پیچیدگی و دشواری مسیر نباید موجب تأخیر در هرگونه برنامه‌ریزی و اقدام برای رفع ناترازی‌ها شود، چراکه هرگونه تأخیر، صرفاً موجب پیچیده‌تر شدن مسئله خواهد شد. وی در ادامه

سخنان خود به اقدامات انجام شده در راستای رفع ناترازی‌ها اشاره کرد و گفت: اقداماتی مانند اصلاح قوانین مرتبط با بانک مرکزی، اصلاح ساختاری بودجه، اصلاح پارامتریک نظام بازنشستگی، حدگذاری ترازنامه شبکه بانکی، حل و فصل برخی مؤسسات اعتباری ناسالم، بهبود حکمرانی ریال با تصویب قانون مالیات بر عایدی سرمایه و تهیه لایحه مالیات بر مجموع درآمد اشخاص و... در این حوزه انجام شده است.

رئیس مرکز پژوهش‌های مجلس ادامه داد: در کنار اقدامات انجام شده، آنچه ضرورت دارد و به نوعی شرط کافی برای اثرگذاری بر کاهش سطح تورم محسوب می‌شود، ساختن تصویری مثبت و واقع‌گرایانه از آینده اقتصاد کشور است تا با ارائه به آحاد جامعه، بتوان انتظارات تورمی شکل گرفته نزد مردم را کاهش داد.

وی با بیان اینکه درباره ناترازی‌های کلان اقتصادی و آثار تورمی آن مباحث زیادی مطرح شده، گفت: باین حال موضوع اهمیت انتظارات بر تورم، کمتر مورد بحث قرار گرفته است. اغلب مباحث شکل گرفته حول انتظارات بر تورم، به اثرات روانی کوتاه‌مدت تقلیل یافته است، درحالی‌که انتظارات کارگزاران اقتصادی نسبت به متغیرهای کلان اقتصادی نقش حیاتی در شکل‌دهی انتظارات تورمی دارد. وی ادامه داد: در واقع، انتظار آحاد جامعه در خصوص اینکه وضعیت آتی متغیرهای کلان اقتصادی چه خواهد بود، در تورم بالفعل خواهد شد.

رئیس مرکز پژوهش‌های مجلس گفت: تا زمانی که تصویر روشنی از برنامه و اراده سیاست‌گذار برای رفع ناترازی‌ها و بهبود وضعیت اقتصادی به جامعه و فعالین اقتصادی ارائه نشود، نباید انتظار داشت که تورم و رشد نقدینگی روند کاهشی به خود بگیرند. وی تأکید کرد: تا زمانی که این تصویر ارائه نشود، سرمایه‌گذاری‌ها به سمت تولید سوق داده نخواهد شد و در نبود رشد بالای اقتصادی، نباید انتظار رفع ناترازی‌های کلان اقتصادی فعلی را در افق میان و بلندمدت داشت.

دکتر نگاهداری گفت: یکی از اقدامات اساسی در راستای شکل‌دهی انتظارات کارگزاران اقتصادی در جهت کاهش انتظارات تورمی، اراده عملی سیاست‌گذار برای رفع ناترازی‌های اقتصادی فعلی است. اگر اقدامات سیاست‌گذار در جهت حل و فصل بانک‌های ناسالم، وجود اراده برای رفع ناترازی بانکی را به جامعه مخابره نکند، انتظارات تورمی ناشی از ناترازی بانکی تعدیل نخواهد شد.

رئیس مرکز پژوهش‌های مجلس توضیح داد: اگر اصلاحات اساسی در ساختار بودجه ادامه‌دار نباشد، این باور در فعالین اقتصادی ایجاد نمی‌شود که روند بلندمدت تورم ناشی از کسری بودجه بخش عمومی رو به نزول خواهد بود. اگر سیاست‌های ارزی به‌مانند چند دهه گذشته باشد، انتظار کاهش تورم ناشی از ناترازی موازنه

پرداخت‌های خارجی شکل نخواهد گرفت و در نتیجه، اقدامات اساسی در راستای کاهش ناترازی‌ها، نه تنها موجب کاهش فشار تورمی نمی‌شود، بلکه می‌تواند انتظارات تورمی را در جهت کاهش تورم شکل دهد. او بیان کرد: یکی دیگر از عوامل مهم در شکل‌دهی انتظارات تورمی جامعه، میزان اولویت قرار گرفتن امر توسعه در قالب برنامه هفتم توسعه (پیشرفت) است. وی در خاتمه با تأکید بر اینکه برنامه توسعه و اقدامات ناظر بر آن، نقش کلیدی در ترسیم آینده اقتصادی کشور دارد، توضیح داد: اگر تدوین برنامه هفتم توسعه و اقدامات ناظر بر اجرای آن، روند روبه‌رشد سرمایه‌گذاری، رشد تولید و به‌طور کلی پیشرفت کشور را به جامعه مخابره نکند، انتظارات تورمی کاهش نمی‌یابد و منابع به‌جای تشکیل سرمایه فیزیکی، انسانی و اجتماعی برای رشد تولید، مسیر استهلاک و خروج سرمایه را در پیش خواهد گرفت که به معنای تشدید یا حداقل عدم رفع ناترازی‌ها خواهد بود.

ریشه‌های رشد نقدینگی در ایران؛ ذی‌نفعان و دلالت‌ها

دکتر سیدعلی روحانی، معاون سیاست‌گذاری اقتصادی وزارت امور اقتصادی و دارایی

دومین سخنرانی کلیدی این همایش توسط دکتر سیدعلی روحانی، معاون سیاست‌گذاری اقتصادی وزارت امور اقتصادی و دارایی، ارائه شد. دکتر روحانی مستند و مستدل به آمار و داده‌ها، به بررسی ریشه‌های رشد نقدینگی در ایران پرداختند که دلالت‌های مهمی برای مهار تورم در ایران دارد. وی با اشاره به اینکه ایران جزو شش کشور با تورم بالا در جهان است، بیان کرد بر اساس تجارب بین‌المللی، روش‌های مهار تورم تقریباً شناخته شده است و معضل علمی و دانشی در این حوزه وجود ندارد. ایشان با اشاره به مقدمه‌ای از اینکه چرا تورم آسیب‌زاست، توضیح داد که تورم با تغییر قیمت‌های نسبی، توزیع را بر هم می‌زند و نابرابری را تشدید می‌کند و همچنین پیش‌بینی‌پذیری اقتصادی را از بین می‌برد. دکتر روحانی در این باره افزود اگر با همه قیمت‌ها با روندی پیش‌بینی شده افزایش پیدا می‌کرد، مشکلی برای اقتصاد و نظام انگیزشی فعالان اقتصادی پیش نمی‌آمد؛ آنچه تورم را مشکل‌ساز می‌کند، اولاً پیش‌بینی‌ناپذیر بودن آن و ثانیاً ناهمگنی این رشد قیمت‌ها در کالاها و خدمات و دارایی‌های مختلف است که عملاً منجر به تشدید نابرابری می‌شود. عموماً صاحبان دارایی در برابر تورم محافظت می‌شوند، اما صاحبان نیروی کار بار تورم را متحمل می‌شوند. با این توضیح، دکتر روحانی تأکید کرد که تورم هم از جهت عدالت و هم از جهت رشد اقتصادی مشکل‌ساز و یک معضل است.

معاون سیاست‌گذاری اقتصادی وزارت امور اقتصادی و دارایی، با مقایسه میانگین سود خالص گروه‌های مختلف شرکت‌های بورسی در دوره ۱۳۹۷ تا ۱۴۰۰ نسبت به ۱۳۹۴ تا ۱۳۹۶- که در دوره اول تورم بالا و در دوره دوم تورم پایین وجود داشته است- استدلال کرد که در حوزه‌های فعالیت شرکت‌های مختلف ناهمگنی شدیدی وجود داشته است؛ در گروه خودرو، میانگین سود دوره ۱۳۹۷-۱۴۰۰ نسبت به دوره ۱۳۹۴-۱۳۹۶ حدود ۴۰۰ درصد کاهش داشته است، اما در گروه‌هایی مانند کاشی و سرامیک میانگین نرخ سود حدود ۲۰۰ درصد رشد کرده است. این امر نشان می‌دهد که در شرایط تورمی پیش‌بینی‌پذیری اقتصاد از بین می‌رود و بسته به اینکه چه سیاست‌هایی در این رابطه اعمال می‌شود، ناهمگنی شدیدی بین تولید در بخش‌های مختلف ایجاد می‌شود. برای مثال، اگر مقابله با تورم از مسیر قیمت‌گذاری برخی از کالاها انجام شود، چنین ناهمگنی در بخش‌های مختلف اقتصادی ایجاد خواهد شد.

دکتر روحانی سپس افزود: اثر دیگر تورم آسیب به اقشار ضعیف و تشدید نابرابری است. در شرایط تورمی، وقتی نرخ سود بانکی کمتر از نرخ تورم است، گروه‌هایی که دسترسی به تسهیلات دارند، منتفع می‌شوند. بر اساس اطلاعات پایگاه اطلاعات رفاه ایرانیان در سال ۱۴۰۰، حدود ۴۰ درصد دهک دهم و کمتر از ۵ درصد دهک اول دسترسی به تسهیلات بانکی دارند (یعنی سابقه یک بار اخذ تسهیلات در یک دهه گذشته). به‌طور میانگین، حدود ۲۵ درصد مردم در سال ۱۴۰۰ دسترسی به تسهیلات بانکی داشته‌اند. بنابراین، در شرایط تورمی، دهک‌های بالای درآمدی، علاوه‌براینکه صاحبان دارایی هستند و با دارایی از خود در برابر تورم محافظت می‌کنند، دسترسی بهتری هم به تسهیلات بانکی دارند و از این جهت هم منتفع می‌شوند و لذا تورم نابرابری را تشدید می‌کند. دکتر روحانی با اشاره به اطلاعات کل وام‌های اخذ شده توسط خانوارهای هر صدک درآمدی، توضیح داد که در سال ۱۴۰۰، صدک صدم به‌اندازه مجموع ۳۲ صدک ابتدایی (یعنی ۳۰ درصد یا ۳ دهک اول جامعه) وام دریافت کرده است. این امر علاوه بر اینکه نشان از یک نابرابری کلی دارد، تصدیق می‌کند که در شرایط تورمی صدک صدم دسترسی بیشتری به ابزارهایی به‌عنوان سپر تورمی دارد.

معاون سیاست‌گذاری اقتصادی وزارت امور اقتصادی و دارایی سپس به دینامیک تورم و اتفاقی که در دهه ۱۳۹۰ برای اقتصاد کشور افتاد- که آن را به دهه از دست‌رفته اقتصاد ایران با نرخ رشد تقریباً صفر درصد و افت سرمایه‌گذاری معروف کرد- پرداخت. ایشان در این رابطه توضیح داد بخش مهمی از افت سرمایه‌گذاری در این دهه به سیاست‌های پولی سال‌های ۱۳۹۳ تا ۱۳۹۶، یعنی سال‌هایی که تورم پایین بود، بازمی‌گردد. در واقع، با بالا بردن نرخ‌های سود بانکی، تورم به سال‌های بعد منتقل شد؛ چون در شرایط تورم‌های پایین، نرخ سود بالای حقیقی ۸ تا ۱۰ درصد منجر به تشویق سپرده‌گذاری پول در بانک و تضعیف شدید سرمایه‌گذاری می‌شود. در کل، آنچه در دهه ۱۳۹۰ اتفاق افتاد این بود که کاهش سرمایه‌گذاری و کاهش رشد اقتصادی را داشتیم و درآمد سرانه حقیقی کاهش پیدا کرد (درآمد سرانه به قیمت‌های ثابت سال ۱۳۹۵، در پایان دهه ۱۳۹۰ حدود ۳۰ درصد کمتر از درآمد در ابتدای این دهه بود). این امر باعث شد تا به‌طور هم‌زمان با دو پدیده مواجه شویم: نخست اینکه خانوارها نیازمند حمایت و پوشش رفاهی شدند که مستلزم افزایش هزینه‌های رفاهی دولت برای توسعه نظام رفاهی است. دوم اینکه وقتی که درآمد سرانه کاهش می‌یابد، مصرف که هسته سخت کل درآمد خانوار است، کمتر با شوک مواجه می‌شود، اما پس‌انداز به شدت کاهش پیدا می‌کند. نتیجه افت نرخ پس‌انداز کاهش توان تأمین مالی در اقتصاد است و از طرف دیگر، بار تأمین مالی نیاز به توسعه نظام رفاهی، در شرایطی که رشد اقتصادی وجود ندارد (یعنی تأمین مالی دولت برای نظام رفاهی از مسیر مالیات ممکن نیست) و درآمد نفتی هم

کاهش یافته است، به نظام بانکی منتقل می‌شود؛ یعنی ناترازی بودجه خانوار و ناترازی بودجه دولت به نظام بانکی منتقل می‌شود و این ناترازی با خلق پول جبران می‌شود که منجر به رشد نقدینگی و تورم می‌شود.

دکتر روحانی با استناد به روند رشد اقتصادی و تورم در ترکیه استدلال کرد که در اقتصادهایی مانند ترکیه، در دوره‌ای که نرخ‌های تورم کنترل می‌شود، نرخ‌های رشد افزایش کاملاً معنی‌داری پیدا می‌کند. چنین روندی در اقتصادهای دیگر هم مشاهده می‌شود. ایشان سپس مروری بر نظریه‌های تورم داشتند و در این راستا به نظریه‌های فشار تقاضا، فشار هزینه و تورم ساختاری پرداختند. در نظریه فشار تقاضا، افزایش هزینه‌های دولت مانند هزینه‌های رفاهی، منجر به کسری بودجه و افزایش نقدینگی می‌شود که فشار تقاضا را ایجاد می‌کند که تورم را به وجود می‌آورد. در نظریه فشار هزینه، افزایش هزینه‌های بنگاه‌ها از مسیر مارک‌آپ تولیدکننده، افزایش نرخ ارز، افزایش قیمت حامل‌های انرژی و مانند آن باعث می‌شود تولیدکننده قیمت‌ها را افزایش دهد. انتظارات تورمی در هر دوی این نظریه‌ها ایفای نقش می‌کند؛ هم قیمت‌گذاری تولیدکننده متناسب با انتظارات قیمت آتی کالایی است که می‌خواهد در آینده به فروش برساند و هم میزان تقاضا در بازار کاملاً متناسب و متأثر از انتظارات تورمی است. نظریه دیگر در حوزه تورم به عوامل ساختاری و تورم ساختاری مربوط می‌شود. مطالعه اقتصاد ایران نشان می‌دهد که هرکدام از این نظریات را مبنا قرار دهیم، رشد نقدینگی اثر جدی بر تورم دارد. چه در نظریه فشار تقاضا که رشد نقدینگی را پیش از تورم و علت آن می‌داند و چه در نظریه فشار هزینه که رشد نقدینگی را به‌صورت درون‌زا و متعاقب افزایش هزینه‌های تولید در نظر می‌گیرد، بین رشد نقدینگی و تورم رابطه روشنی وجود دارد. بررسی روند این دو متغیر در کشورهای مختلف جهان نیز چنین رابطه‌ای را نشان می‌دهد. بنابراین، برای کنترل تورم باید علل و ریشه‌های رشد نقدینگی شناسایی شود.

معاون سیاست‌گذاری اقتصادی وزارت امور اقتصادی و دارایی سپس به تشریح سهم ذینفعان رشد نقدینگی در کشور پرداخت. وی با بیان اینکه هر نوع تحصیل دارایی توسط بانک با قدرت خلق پول انجام می‌شود، تصریح کرد تحلیل دارایی‌های نظام بانکی و ذی‌نفعان ایجاد دارایی‌های مختلف بیانگر علل و ریشه‌های رشد نقدینگی است. نظام بانکی هر پرداختی انجام می‌دهد (پرداخت تسهیلات، یا حقوق کارمندان) پول خلق می‌کند و از طرف دیگر، هر دریافتی بانک (مانند دریافت اقساط تسهیلات، یا کارمزد) پول را از بین می‌برد، چون پول بدهی بانک است. وقتی بانک دارایی می‌خرد یا تسهیلات می‌دهد، فرد بدهکار به بانک می‌شود که برای بانک یک دارایی است. بنابراین، اینکه این دارایی‌ها برای چه کسانی ایجاد می‌شود، نشان می‌دهد رشد نقدینگی یا خلق

پول به نفع چه کسانی است. لذا وقتی می‌خواهیم ریشه‌های رشد نقدینگی را بررسی کنیم باید سمت دارایی ترازنامه بانک را ارزیابی کنیم.

به بیان دکتر روحانی، بر اساس نقشه دارایی‌های کل شبکه بانکی در پایان ۱۴۰۰، از حدود ۵۸۰۰ هزار میلیارد تومان کل ارزش دارایی شبکه بانکی، حدود ۱۶۱۵ هزار میلیارد تومان مربوط به بدهی دولت و بخش‌های حاکمیتی بوده است، یعنی دارایی‌ای که شبکه بانکی برای دولت ایجاد کرده است. برای مثال تسهیلاتی که شرکت بازرگانی دولتی برای واردات یا خرید کالای اساسی از بانک‌ها دریافت می‌کند و سپس آن را به قیمتی که بر او تکلیف شده می‌فروشد، به‌مثابه یارانه است که قرار نیست به بانک بازگرداند. حدود ۹۲۳ هزار میلیارد تومان مربوط به تسهیلات کمتر از یک میلیارد تومان است که می‌توان آن‌ها را در گروه تسهیلات خرد قرار داد که کسب‌وکارهای خرد یا خانوارها دریافت می‌کنند. حدود ۸۳۷ هزار میلیارد تومان دارایی‌های غیرتسهیلاتی بانک‌ها (مانند سهام، شرکت یا ملک) است. حدود ۷۰۰ هزار میلیارد تومان تسهیلات بین ۱ تا ۱۰۰ میلیارد تومان است که می‌توان گفت مربوط به بنگاه‌های کوچک و متوسط (SMEها) است و حدود ۶۰۰ هزار میلیارد تومان مربوط به تسهیلات کسب‌وکارهای بزرگ است. سپرده بانک‌ها نزد بانک مرکزی، موجودی نقد بانک‌ها، تسهیلات شرکت‌های عمومی (نهادهای عمومی غیردولتی) و تسهیلات به کسب‌وکارهای بانک‌ها از دیگر اجزای نقشه دارایی‌های شبکه بانکی است.

دکتر روحانی سپس با بررسی اجزای ریز هرکدام از دارایی‌های شبکه بانکی، تصریح کرد بدهی حاکمیت حدود ۲۴ درصد دارایی شبکه بانکی را تشکیل می‌دهد که حدود ۴۸۵ هزار میلیارد تومان آن مانده تسهیلات شرکت‌های دولتی حوزه انرژی است که به‌منظور سرمایه‌گذاری برای توسعه میدان و مانند آن دریافت می‌شود و به دلیل فروش نفت یا گاز به قیمت پایین، عملاً بازپرداخت نمی‌شوند. لذا با این تسهیلات برای یارانه‌دادن در نظام رفاهی خلق پول می‌شود، یعنی این بخش از بدهی حاکمیت خلق پول توسط بانک‌ها برای نظام رفاهی است که البته هدفمند نیست. مورد دیگر صندوق‌های بازنشستگی است که ۱۱۰ هزار میلیارد تومان از بدهی حاکمیت را به خود اختصاص داده است. صندوق‌های بازنشستگی از بانک‌ها تسهیلات می‌گیرند تا مستمری بازنشسته‌ها را پرداخت کنند. این در حالی است که صندوق‌های بازنشستگی منبعی برای بازپرداخت آن ندارند و درواقع، ناترازی صندوق‌ها از طریق بانک‌ها جبران می‌شود. بنابراین، بازم پول برای حوزه رفاهی خلق می‌شود. بخشی از پول نیز برای سرمایه‌گذاری توسط خود بانک‌ها خلق می‌شود؛ بانک‌هایی که خودشان دسترسی به رانت خلق پول دارند، در شرایط تورمی به‌جای اینکه ارائه تسهیلات با نرخ ۲۰ درصد، ترجیح

می‌دهد دارایی‌هایی خریداری کند که با تورم رشد کنند. لذا سهم قابل توجهی از دارایی‌ها به تسهیلات به کسب‌وکارهای بانک‌ها و ایجاد دارایی‌ها توسط آن‌ها اختصاص دارد.

با این تو ضیحات، دکتر روحانی چند دلالت را بر شمردند. دلالت اول اینکه ناترازی بودجه عمومی عمدتاً بابت هزینه نظام رفاهی دولت (تقبل مطالبات اجتماعی) ایجاد می‌شود که این ناترازی از سیستم بانکی تأمین می‌شود. نحوه عمل به‌گونه‌ای است که گویی این تصمیم را گرفته‌ایم که عمده حمایت‌های رفاهی از مردم را در حوزه قیمت حامل‌های انرژی در نظر گرفته‌ایم، نه برای مثال، در حوزه هزینه‌های آموزشی. مجموعاً حدود ۱۵۵۰ هزار میلیارد تومان از خلق پولی که انجام می‌شود به صورت مستقیم خرج تأمین مالی نظام رفاهی دولت شده است. یک نکته مهم روندی است که وجود داشته؛ در سال ۱۳۹۹، ۴۴ درصد رشد نقدینگی یا خلق پول جدید در اقتصاد مربوط به تقبل مطالبات سیاسی اجتماعی (یا همان نظام رفاهی) شامل مثلاً تسهیلات شرکت‌های حوزه انرژی یا شرکت‌های دولتی حوزه کشاورزی بوده و ۵۶ درصد باقیمانده به سایر موارد نظیر تسهیلات بنگاه‌های کوچک و متوسط یا شرکت‌های بزرگ اختصاص داده شده است. در سال ۱۴۰۰، سهم نظام رفاهی بیشتر شده و به ۵۲ درصد رسیده است. براین اساس، دکتر روحانی تأکید کرد که رشد نقدینگی در چند سال پایانی دهه ۹۰ به صورت فزاینده ریشه در نظام رفاهی داشته است، این در حالی است که در سال‌های میانی و ابتدایی دهه ۹۰، عمده رشد نقدینگی متأثر از نظام بانکی و ناترازی آن (پرداخت بهره) بوده است. این امر نشان می‌دهد که انتقال ناترازی بودجه به بانک سال‌به‌سال تا سال ۱۴۰۰ افزایش پیدا کرده و رشد نقدینگی برای نظام رفاه انجام می‌شده است.

معاون سیاست‌گذاری اقتصادی وزارت امور اقتصادی و دارایی در ادامه به آسیب‌شناسی نظام رفاهی در ایران پرداخت و توضیح داد که دو نوع خطا در این نظام ممکن است رخ دهد؛ در خطای نوع یک فرد نیازمند حمایت است ولی از او حمایت نمی‌شود که منجر به این می‌شود که سرمایه اجتماعی متناسب با هزینه رفاهی افزایش نیابد. علاوه‌براین، در نظام رفاهی خطای نوع دو هم رخ می‌دهد، شرایطی که فرد نیازمند حمایت نیست ولی با این ساختار رفاهی از او حمایت می‌شود. این خطا باعث افزایش جدی هزینه‌های رفاهی می‌شود. به‌عنوان مثال، در حوزه قیمت برخی از حامل‌های انرژی یارانه ضمنی پرداخت می‌شود که افرادی که خودروی بیشتر دارند بیشتر از آن متفع می‌شوند، اما کسی که ما شینی ندارد، نفعی نمی‌برد. بنابراین، نظام رفاهی کشور به صورت ناکارایی مدیریت می‌شود که بارش در نیمه پایانی دهه ۹۰ به نظام بانکی منتقل می‌شود. دکتر روحانی در تبیین نحوه توزیع حمایت‌ها در نظام رفاهی، توزیع مشترکین پرمصرف تهران را مثال زدند. بر اساس اطلاعات، ۹۰

درصد است کل مشترکین بسیار پرمصرف (یعنی پله‌های ۸ تا ۱۲) در مصرف گاز در نیمه بالای شهر هستند که از این ۹۰ درصد، ۶۶ درصد فقط در سه منطقه گران‌قیمت تهران هستند. این نشان می‌دهد که ۶۶ درصد از کل مصرف گاز، که به دلیل یارانه با قیمت ارزانی ارائه می‌شود، متعلق به ساکنین مناطقی است که در دهک‌های بالای درآمدی قرار دارند. معاون سیاست‌گذاری وزارت اقتصاد و دارایی بر اساس خطاهای نوع اول و دوم نظام رفاهی کشور استدلال کردند که برای کنترل رشد نقدینگی باید نظام رفاهی اصلاح شود.

ایشان در ادامه به دلالت دوم نقشه رشد نقدینگی کشور اشاره کردند مبنی بر اینکه در شرایط تورم بالا، همه عوامل اقتصادی انگیزه جدی برای دریافت رانت خلق پول دارند و این پدیده باعث ایجاد صف دریافت تسهیلات می‌شود. نتیجه این وضعیت این است که بنگاه‌های کشور از سرمایه در گردش خود ناراضی هستند؛ این در حالی است که در یک کشور تورمی، سرمایه در گردش ابزار پوشش و سپر تورم است (نه گردش چرخ تولید کسب‌وکار) و با مفهوم سرمایه در گردش در کشورهای با تورم پایین متفاوت است. دکتر روحانی با اشاره به اطلاعات دوره متوسط گردش سرمایه در کشورهای مختلف، بیان کرد دوره گردش سرمایه در ایران نسبت به کشورهای دیگر بسیار بالاست. علاوه بر این، سطح موجودی کالا در انبار بنگاه‌ها در ایران نسبت به کشورهای دیگر بالاست و وصول مطالبات از بنگاه‌ها هم سخت‌تر است. نکته دیگر اینکه بخش قابل توجهی از دارایی‌های بانک‌ها دارایی‌های زیرمجموعه‌های خودشان یا تسهیلاتی است که شرکت‌های بانک‌ها می‌گیرند که دچار مازاد تقاضا هستند؛ یعنی اگر تورم پایین بود، اساساً بخش قابل توجهی از این دارایی‌ها ایجاد نمی‌شد، چون بانک و شرکت‌های آن‌ها انگیزه‌ای برای خرید ملک و اموال جهت پوشش ریسک نداشتند. دکتر روحانی تصریح کرد که دلالت دوم این است که در شرایط تورمی بخشی از دارایی‌های شبکه بانکی برای پوشش تورم با مازاد تقاضا مواجه می‌شود.

دکتر روحانی با تأکید بر اینکه بخش قابل توجهی از رشد نقدینگی در نیمه دوم دهه ۹۰ ریشه در نظام رفاهی معیوب داشته است، بیان کرد مهم‌ترین سیاست برای کنترل تورم کنترل رشد نقدینگی است. وی ادامه داد که در نرخ‌های تورم ۴۰ درصدی، با ابزار نرخ بهره نمی‌توان کنترل تورم را انجام داد، بلکه باید هدف‌گذاری را روی کمیت‌های پولی قرار داد که سرجمع در رشد نقدینگی خلاصه می‌شود. اما این سیاست با یک معضل مواجه است: نقدینگی با نرخ کمتری از تورم رشد پیدا می‌کند و لذا مقدار واقعی نقدینگی در اقتصاد کاهش پیدا می‌کند، این در حالی است که بنگاه‌ها باید دسترس کافی به اعتبار داشته باشند و لذا نباید فرایند تأمین مالی مختل شود. برای کنترل رشد نقدینگی باید نرخ رشد ترازنامه هدف‌گذاری شود، حال اگر نرخ رشد

هدف‌گذاری شده ترازنامه ۲۵ در صد و نرخ سود مؤثر سپرده‌های بانکی به‌طور میانگین ۱۰ در صد باشد، ۱۰ در صد از خلق پول صرف پرداخت بهره به سپرده می‌شود و ۱۵ در صد فاصله تا ۲۵ در صد ظرفیتی است که برای اعطای تسهیلات یا سرمایه‌گذاری باقی می‌ماند. لذا آنچه می‌توان تنظیم کرد نرخ سود مؤثر سپرده‌هاست؛ هرچه این نرخ بالاتر باشد، ظرفیت تأمین مالی از طریق بانک کمتر می‌شود. بنابراین، یک دلالت مهم کنترل رشد نقدینگی در شرایط فعلی این است که نرخ بهره باید به‌گونه‌ای تعیین شود که تأمین مالی در اقتصاد مختل نشود.

دکتر روحانی در جمع‌بندی بیان کردند که بخش قابل‌توجهی از خلق پول اقتصاد ایران در سال‌های اخیر صرف پوشش هزینه‌های رفاهی و تأمین مالی مرتب‌ترین به بانک‌ها شده است. خلق پول در بانک دولتی صرف پوشش هزینه‌های رفاهی می‌شود، اما بانک خصوصی خلق پول می‌کند تا بهترین استفاده را از رانت خلق پول خود در شرایط تورمی کند. پس نظام بانکی کشور در سال‌های اخیر به منبع تأمین مالی ناترازی‌ها (اعم از ناترازی‌های نظام بانکی، ناترازی نظام رفاهی و ناترازی انرژی) تبدیل شده است. در واقع، بار ناترازی بودجه خانوار، ناترازی بودجه دولت و ناترازی صندوق‌های بازنشستگی از طریق خلق پول تحمل می‌شود و لذا رشد نقدینگی و در نتیجه تورم افزایش می‌یابد. باید توجه کرد که حل این ناترازی‌ها اولاً میان‌مدت است؛ برای مثال، ناترازی صندوق‌های بازنشستگی در طول حدود ۳۰ سال ایجاد شده و طبیعتاً طی یک یا دو سال حل نخواهد شد. در این رابطه مهم این است که آیا جهت‌گیری سیاست‌ها به سمت اصلاح تغییر یافته است یا خیر؛ مثلاً جهت‌گیری این است که سن بازنشستگی را کاهش دهیم یا افزایش. دوماً پوشش همه این ناترازی‌ها هزینه اجتماعی دارد. برای مثال، به‌منظور اصلاح ناترازی بودجه دولت باید نظام مالیاتی اصلاح شود و جلوی فرار مالیاتی گرفته شود که این خود به معنی مقابله با منافع عده‌ای از ذی‌نفعانی است که فرار مالیاتی دارند که ممکن است به اعتراض اجتماعی منجر شود. یا برای اصلاح ناترازی صندوق‌های بازنشستگی، باید اصلاحات پارامتریک مانند افزایش سن بازنشستگی یا تغییر نحوه محاسبه مستمری‌ها انجام شود که ممکن است اعتراض اجتماعی را در پی داشته باشد. در مورد ناترازی حوزه انرژی هم باز به همین شکل است.

در نهایت، دکتر روحانی با تأکید بر اینکه ناترازی‌ها ریشه میان‌مدت و بلندمدت تورم در کشور است، بیان کرد برای مقابله با تورم باید این ناترازی‌ها را اصلاح کرد و بهبود روابط بین‌الملل و تزریق ارز به بازار نمی‌تواند راه‌حل بلندمدت مقابله با تورم در کشور باشد. اصلاح روابط بین‌الملل گرچه ضروری است، اما فقط فرصتی است که می‌توان از آن برای انجام اصلاحات زیربنایی استفاده کرد، فرصتی که در دهه ۱۳۹۰ رخ داد و استفاده چندانی از آن نشد. معاون سیاست‌گذاری اقتصادی وزارت امور اقتصادی و دارایی تأکید کرد که مهار تورم از

طریق پرداختن به ریشه‌های تورم در کشور ممکن است و اگر در حال حاضر به آن‌ها بپردازیم، می‌توانیم امیدوار باشیم تا ۵ سال آینده وضعیت تورم در کشور بسیار بهتر شده باشد. در این راستا، وظیفه ما این است که آگاه‌سازی عمومی انجام دهیم تا حس مردم نسبت به اصلاحات بهبود پیدا کند و با آن همراه شوند.

نشست دوم همایش

دومین پنل تخصصی با حضور جناب آقای دکتر تیمور رحمانی، عضو محترم هیئت علمی دانشگاه تهران و عضو کمیته علمی همایش؛ جناب آقای دکتر کامران ندری، عضو محترم هیئت علمی دانشگاه امام صادق (ع) و عضو کمیته علمی همایش؛ جناب آقای دکتر ابراهیم صیامی، مدیرکل آینده پژوهشی، مدل سازی و مدیریت اطلاعات اقتصادی وزارت امور اقتصادی و دارایی؛ و جناب آقای دکتر جلال منتظری شورکچالی، عضو محترم هیئت علمی پژوهشکده اقتصاد پژوهشگاه و دبیر علمی همایش (به عنوان دبیر پنل) میزبان سه ارائه در خصوص «ریشه ها و علل تورم در ایران» بود. در این پنل، مقالات «اقتصادسیاسی تورم؛ شواهدی از رابطه حکمرانی - تورم در ایران» توسط دکتر مریم حیدریان، عضو محترم هیئت علمی پژوهشکده امور اقتصادی، و آقای شعیب مرادی ده چراغی، کارشناس ارشد توسعه اقتصادی و برنامه ریزی دانشگاه علامه طباطبایی؛ «بررسی عوامل مؤثر تورم در ایران با تأکید بر نقش ناترازی شبکه بانکی» توسط دکتر الهام غلامی، دکتری علوم اقتصادی و مشاور بانک شهر، و دکتر سید محمدمهدی احمدی، عضو محترم هیئت علمی گروه اقتصاد واحد علوم و تحقیقات تهران و مدیرعامل بانک شهر؛ و «برآورد شاخص انتظارات تورمی مبتنی بر نظر سنجی کیفی» توسط دکتر محمدرضا عبداللهی، عضو هیئت علمی مرکز پژوهش های مجلس و خانم شیما نمازی، کارشناسی ارشد اقتصاد دانشگاه علامه طباطبایی ارائه شد.

نشست دوم: ریشه ها و علل تورم در ایران ساعت ۱۴:۳۰-۱۳:۰۰	
دبیر نشست: جلال منتظری شورکچالی، عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی	اعضای پنل: تیمور رحمانی، عضو هیئت علمی دانشگاه تهران و عضو کمیته علمی همایش کامران ندری، عضو هیئت علمی دانشگاه امام صادق (ع) و عضو کمیته علمی همایش ابراهیم صیامی، مدیرکل آینده پژوهشی، مدل سازی و مدیریت اطلاعات اقتصادی وزارت امور اقتصادی و دارایی
۱۳:۰۰-۱۴:۱۵	اقتصادسیاسی تورم؛ شواهدی از رابطه حکمرانی - تورم در ایران مریم حیدریان و شعیب مرادی ده چراغی
۱۳:۱۵-۱۴:۳۰	بررسی عوامل مؤثر تورم در ایران با تأکید بر نقش ناترازی شبکه بانکی الهام غلامی و سید محمدمهدی احمدی
۱۳:۳۰-۱۴:۴۵	برآورد شاخص انتظارات تورمی مبتنی بر نظر سنجی کیفی محمدرضا عبداللهی و شیما نمازی
۱۳:۴۵-۱۴:۳۰	سخنرانی اعضای پنل و جمع بندی

در ابتدای این نشست دکتر جلال منتظری دبیر این پنل ضمن قدردانی از حاضران در همایش و نیز اساتید حاضر در پنل، شیوه برگزاری پنل‌های همایش را تشریح کرد. وی با اشاره به اینکه در هر پنل، ۳ مقاله طی سازوکارهایی که برای داوری مقالات انتخاب شده بود، به‌عنوان مقالهٔ منتخب، برگزیده شده‌اند، عنوان کرد که در هر نشست تخصصی از اساتید حاضر در هر پنل درخواست می‌شود بعد از ارائه نویسندگان مقالات در خصوص مقالات و نیز عنوان نشست به بحث و گفتگو پردازند.

اقتصاد سیاسی تورم؛ شواهدی از رابطه حکمرانی - تورم در ایران

دکتر مریم حیدریان، عضو هیئت علمی پژوهشکده امور اقتصادی

دکتر مریم حیدریان، عضو هیئت علمی پژوهشکده امور اقتصادی و اولین ارائه کننده مقاله در این پنل، مباحث خود را به شرح حاضر ارائه نمود. در سال‌های اخیر حکمرانی خوب به سرعت رشد کرده است ولی در کشورهای در حال توسعه به یک عنصر گمنام و کمیاب تبدیل شده است. حکمرانی خوب با ظرفیت ایجاد رشد، کاهش فقر و ایجاد دموکراسی مؤثر برای مردم کشورهای فقیر در ارتباط است. محققان باید درک معقولی از آنچه حکمرانی خوب می‌تواند ارائه دهد و چه چیزی نمی‌تواند ایجاد کند، داشته باشند. آن‌ها همچنین باید انتظارات واقع بینانه تری از میزان حکمرانی در کشورهای فقیری که با انبوهی از تقاضاها دست و پنجه نرم می‌کنند، داشته باشند. لذا چگونگی و چرایی ظهور و رشد مفهوم حکمرانی خوب بایستی به صورت علمی مورد بررسی قرار گیرد و گرایش‌های آن نسبت به مهار تورم مشخص شود.

در نیم قرن گذشته، ایران تغییرات ماهوی سیاسی بسیاری را ناشی از دخالت کشورهای بیگانه پیش از انقلاب، وقوع انقلاب اسلامی، جنگ تحمیلی و تجربه شکل‌گیری بنیان‌های دموکراسی تجربه کرده است. چنین ناپایداری‌های سیاسی به‌طور جدی به اجرا و استمرار سیاست‌ها آسیب رسانده و همچنین صلاحیت دولت را تحلیل می‌برد و توانایی دولت را جهت انطباق با شوک‌هایی که نهایتاً منجر به عدم تعادل در اقتصاد کلان می‌شوند، مانند تورم کاهش می‌دهد. جای تردید اندکی وجود دارد که این ناپایداری‌ها مانع از اثرگذاری، اجرایی شدن و قاعده‌مند نمودن سیاست‌های کشور، همچون تلاش‌ها در جهت تثبیت اقتصاد کلان شده است. در ایران و در غالب موارد، در مطالعات مربوط به چرایی تورم تاریخی، آن را پدیده‌ای پولی یافته‌اند. مسئله تورم از دهه ۱۳۵۰ بر اقتصاد کشور سایه افکنده و همچنان به شکل‌های متنوع در تصمیم‌گیری‌های کلان گنجانده می‌گردد. از آنجایی که کنترل تورم نیازمند بهبود شرایط کلی جامعه است و تنها به سیاست‌های پول و مالی مربوط نمی‌شود. لذا بررسی متغیرهای حکمرانی می‌تواند در این راه مؤثر باشد. در این مطالعه تلاش بر آن است که به بررسی تأثیر شاخص حکمرانی بر تورم در اقتصاد ایران با رویکرد خودرگرسیون برداری با وقفه‌های توزیعی برای دوره زمانی ۱۳۷۹-۱۴۰۱ حکمرانی پرداخته شود.

باتوجه به تبیین رابطه شاخص حکمرانی و تورم، مدل در نظر گرفته شده در این بخش به صورت زیر است:

$$INF_t = C + \beta_1 INF_{t-1} + \beta_2 GG_t + \beta_3 (M - G)_t + \beta_4 RES_t + \varepsilon_t$$

INF_t : نرخ تورم که به صورت تغییرات شاخص قیمت مصرف‌کننده در هر سال نسبت به سال گذشته سنجیده می‌شود و بر حسب درصد است.

INF_{t-1} : نرخ تورم انتظاری یا نرخ تورم در سال گذشته

$(M - G)_t$: تفاوت رشد نقدینگی با نرخ رشد اقتصادی

RES_t : مجموع مبالغ حاصل از فروش نفت، گاز، زغال سنگ، مواد معدنی و جنگلی به صورت درصدی از تولید ناخالص داخلی

GG_t : شاخص حکمرانی. همان گونه که در مقدمه ذکر شد، برای نشان دادن این متغیر از شاخص های حکمرانی که توسط بانک جهانی ارائه گردیده است، استفاده می شود. بدین صورت که شاخص کلی به صورت میانگین حسابی از سه شاخص حاصل می شود. در ادامه برای بررسی دقیق تر، شش شاخص در سه گروه به صورت زیر طبقه بندی می شوند:

الف) میانگین حسابی دو شاخص شفافیت و پاسخگویی و ثبات سیاسی، به گونه ای که ترکیب این دو شاخص گویای وظایف قوه مجریه است (VP).

ب) میانگین حسابی دو شاخص اثربخشی دولت و کیفیت مقررات، به گونه ای که ترکیب این دو شاخص گویای وظایف قوه مقننه است (ER).

ج) میانگین حسابی دو شاخص تأمین قضایی و کنترل فساد که نشان دهنده وظایف قوه قضاییه است (RC). نتایج آزمون های مانایی نشان می دهد که در هر دو روش ADF و PP ، متغیرهای مورد بررسی در این پژوهش به غیر از میانگین تأمین قضایی و کنترل فساد، تفاوت نرخ رشد نقدینگی و نرخ رشد اقتصادی، در سطح مانا نشده و با یک دوره تفاضل مانا بودن آنها تأیید شده است. به عبارتی مقدار آماره محاسبه شده برای آنها با یک دوره تفاضل از مقادیر بحرانی بزرگ تر شده و بنابراین مانا بودن آنها را به اثبات می رساند و دارای میانگین، واریانس و ساختار خود کوواریانس ثابت هستند. میانگین تأمین قضایی و کنترل فساد، تفاوت نرخ رشد نقدینگی و نرخ رشد اقتصادی در سطح مانا شده اند.

نتایج حاصل از برآورد روابط کوتاه مدت نشان داد، در هر چهار مدل شاخص حکمرانی (میانگین کلی، میانگین شفافیت و ثبات سیاسی، میانگین اثربخشی و کیفیت مقررات، میانگین تأمین قضایی و کنترل فساد) دارای اثرات مثبت و معناداری بر شاخص تورم هستند. به عبارتی در کوتاه مدت، شاخص های نهادی حکمرانی باعث افزایش نرخ تورم در اقتصاد ایران خواهند شد. نرخ تورم انتظاری نیز دارای اثرات مثبت و معنی داری بر تورم است، تفاوت نرخ نقدینگی و نرخ رشد اقتصادی و همچنین وفور منابع طبیعی نیز دارای اثرات مثبت و معنی داری بر نرخ تورم در کوتاه مدت هستند. نتایج آماره های F و ضریب تعیین نیز دال بر معنادار بودن کل رگرسیون و درجه بالای توضیح دهندگی متغیرهای توضیحی است. با توجه به نتایج حاصل از آزمون های تشخیصی مدل، در سطح اطمینان ۹۵ درصد مدل به درستی تصریح شده و در آن مشکل خود همبستگی و ناهمسانی واریانس وجود ندارد. به علاوه نرمال بودن توزیع جملات خطا نیز با توجه به مقدار احتمال LM مورد تأیید است.

نتایج به دست آمده از روابط بلندمدت نیز نشان می‌دهد، عملکرد شاخص‌های حکمرانی در بلندمدت می‌تواند در کاهش تورم اثرگذار باشد، در کوتاه‌مدت نمی‌توان انتظار کاهش تورم را داشت، چراکه هرکدام از متغیرهای حکمرانی نیاز به یک دوره اثرگذاری هستند تا بتوانند متمر ثمر واقع شوند. لذا شفافیت و پاسخگویی در مقابل مردم، کاهش بی‌ثباتی سیاسی در جامعه، بهبود کیفیت قوانین و مقررات و مقابله با فساد در جامعه می‌تواند در بلندمدت منجر به کاهش تورم شود.

باتوجه به نتایج به دست آمده در این مطالعه و در راستای بهبود فضای رقابت‌پذیری اقتصاد، تحقق رشد اقتصادی مستمر و باثبات و مهار نرخ تورم، پیشنهادات زیر ارائه می‌شود:

- باتوجه به تأثیر مورد انتظار متغیر شاخص حکمرانی بر تورم، پیشنهاد می‌شود شاخص‌های شش‌گانه حکمرانی (شفافیت و پاسخگویی، ثبات سیاسی بدون حضور خشونت، اثربخشی دولت، کیفیت تنظیم‌گری مقررات، تأمین قضایی و کنترل فساد) بهبود و ارتقاء یابند. این کار می‌تواند با عدم تغییر راهبرد اقتصادی در مواقع تغییر رهبران سیاسی، زمینه را برای هرچه بیشتر رقابتی شدن اقتصاد و مهار تورم فراهم نماید.
 - مبارزه با فساد برای رشد و ثبات اقتصادی یک کشور مهم است. در واقع، کنترل فساد به‌طور مستقیم و سریع بر سطح عمومی قیمت‌ها تأثیر می‌گذارد، تخصیص نادرست هزینه‌های دولت را کاهش، کل درآمدهای مالیاتی را افزایش و بدهی‌ها را کاهش می‌دهد. علاوه بر این، رابطه جهت‌دار بین تورم و فساد ممکن است توضیح دهد که چرا تله فقر در برخی اقتصادها علیرغم رشد اقتصادی قابل توجه باقی می‌ماند. مقامات می‌توانند با بیرون آمدن از دایره باطل پیوند فساد و تورم، از تله فساد پرهیز کنند. برای دستیابی به این هدف، ایجاد سیاست‌های مؤثر بر اساس شفافیت، انتشار فناوری اطلاعات و ارتباطات و نظارت توسط انجمن‌ها و آژانس‌های حسابرسی مناسب ضروری است. با توجه به دشواری شدید مبارزه با فساد، باید به اثرات اجتماعی چندبعدی و ارتباط آن با عملکرد اقتصادی، به‌ویژه اثرات تورمی آن توجه شود.
 - شواهد تجربی ارائه شده در این مطالعه بر اهمیت ارتقای ثبات سیاسی در ایران تأکید دارد. سیاست‌گذاران باید در هنگام تدوین سیاست‌ها، ارتباط مشاهده شده بین ثبات سیاسی بیشتر و تورم کمتر را در نظر بگیرند. علاوه بر این، تقویت باز بودن تجارت و تحریک رشد اقتصادی و درعین حال مهار مخارج ملی و اعتبارات داخلی می‌تواند راهبردهای مؤثری برای کاهش تورم باشد.
 - همچنین پیشنهاد می‌شود، رابطه دوسویه از شاخص‌های حکمرانی و تورم مورد مطالعه قرار گیرد. چراکه نتایج آن می‌تواند در ارائه راهبردهای کنترل تورم اثرگذار باشد.
- متغیر دیگر، نرخ تورم انتظاری است، که اثرات این متغیر بر نرخ تورم در بلندمدت و در هر چهار مدل، مثبت و معنی‌دار است. طبق نظریات اقتصادی عقلایی و تطبیقی می‌توان انتظار این اثرگذاری از تورم‌های سال

گذشته بر تورم سال جاری داشت، لذا در شرایط تورمی، عملکرد فعالین اقتصادی در جهت افزایش قیمت کالاها و خدمات خواهد بود.

متغیر بعدی، شاخص ترکیبی از تفاوت نرخ رشد نقدینگی و نرخ رشد اقتصادی است که اثر آن بر نرخ تورم در هر چهار مدل، مثبت و معنی دار شده است. به دلیل کسری بودجه زیاد در کشورهای درحال توسعه، و نقدینگی که به سبب آن ایجاد می شود، می توانند زمینه ساز ایجاد تورم در جامعه باشد.

دیگر متغیر اثرگذار بر تورم، ثروت های طبیعی است که در هر چهار مدل دارای اثرگذاری مثبت و معنی داری بر نرخ تورم است. در کشورهای درحال توسعه ای همچون ایران با تکیه بر منابع مالی ناشی از ثروت های طبیعی می تواند در افزایش تقاضا و مصرف داخلی تأثیر بگذارد و در نتیجه نرخ تورم نیز متأثر خواهد شد.

بررسی عوامل مؤثر تورم در ایران با تأکید بر نقش ناترازی شبکه بانکی

دکتر الهام غلامی، دکتری علوم اقتصادی و مشاور بانک شهر

مقاله دوم این پنل توسط دکتر الهام غلامی، دکتری علوم اقتصادی و مشاور بانک شهر، ارائه شد. وی اشاره داشت: بررسی روند رشد نقدینگی و تقابل آن با روند تورم طی سال‌های ۱۳۹۰ الی ۱۴۰۱ نشان می‌دهد که این دو متغیر در سال‌های اولیه و پایانی دهه ۱۳۹۰ تقریباً روندی مشابه داشته‌اند. روند صعودی هر دو متغیر مذکور طی سه سال پیاپی ۱۳۹۰ الی ۱۳۹۲ در نهایت در سال ۱۳۹۳ با کاهش قابل توجه روبرو شده است. به‌طور مشابه در انتهای دهه ۱۳۹۰ البته طی چهار سال پیاپی (۱۳۹۶ الی ۱۳۹۹)، دو متغیر مذکور روند صعودی را طی کردند. به‌علاوه، در سال‌های ۱۳۹۳ الی ۱۳۹۶ نیز علیرغم اینکه نرخ رشد نقدینگی بالا و به‌طور متوسط ۲۵ درصد بود، نرخ تورم پایین و تکریمی تجربه شده است. بنابراین در نگاه اول می‌توان گفت با اینکه نرخ رشد نقدینگی بالا بوده اما تورمزایی پایینی داشته است. اما بررسی سهم بخش‌های اقتصادی از نقدینگی طی سال‌های مذکور نشان می‌دهد که این حجم نقدینگی از کیفیت بالایی برخوردار نبوده و رشد پایه پولی از مسیر مطالبات از بانک‌ها دلیل عمده افزایش نقدینگی بوده است. لذا در سال‌های بعد اگرچه نرخ سود بانکی به صورت دستوری ثابت باقی ماند اما نرخ رشد نقدینگی به دلیل تشدید ناترازی شبکه بانکی و خلق نقدینگی از محل پرداخت سود به سپرده‌های جدید تداوم یافت و همگام با آن نرخ تورم نیز روندی صعودی در پیش گرفت و در سال ۱۳۹۷ به یک‌باره با افزایش ۲۰ واحد درصدی روبرو شد. شایان‌ذکر است، اگرچه جهش‌های ابتدا و انتهای دهه ۱۳۹۰ یکسان بوده است اما در انتهای این دهه از سال ۱۳۹۹ یک واگرایی بین رشد نقدینگی و تورم مشاهده می‌شود، یعنی علیرغم کاهش روند نزولی رشد نقدینگی، نرخ تورم همچنان روند صعودی خود را ادامه داده است. به‌طوری‌که در سال ۱۴۰۱ نرخ تورم حدود ۱۷ واحد درصد بیش از نرخ رشد نقدینگی بوده است. این واگرایی در کنار واگرایی سال‌های ۱۳۹۳ الی ۱۳۹۶ می‌تواند بیانگر این نکته باشد که لزوماً عامل تحریک یا کنترل تورم نقدینگی نیست.

در سال ۱۳۹۰ در ایران نیز با تشدید تحریم‌ها به‌ویژه تحریم بانک مرکزی، عملاً استفاده از لنگر اسمی نرخ ارز برای کنترل تورم غیرممکن شد، افزایش نرخ سود بانکی در کنار انضباط پولی و کنترل رشد پایه پولی در دستور قرار گرفت. لذا با اولویت‌دهی به کنترل تورم سعی شد با مهار تورم از طریق ابزار پولی و در نتیجه ایجاد ثبات بیشتر در فضای اقتصادی کشور شرایط مساعدتری برای پیگیری سیاست‌های ارتقاء رشد اقتصادی فراهم کند. بررسی ارتباط بین نرخ تورم و نرخ سود بانکی نشان می‌دهد از سال ۱۳۹۱ با شروع افزایش نرخ سود بانکی،

تورم روند نزولی در پیش گرفت و این روند نزولی تا سال ۱۳۹۴ تداوم یافت. در واقع تا زمانی که نرخ بهره افزایشی بود، واکنش تورم با یک سال وقفه نسبت به نرخ بهره نزولی بوده است. به طوری که، بالاترین نرخ بهره در سال ۱۳۹۳ و پایین ترین نرخ تورم در سال ۱۳۹۴ محقق شد و به حدود ۶ درصد در سال ۱۳۹۴ رسید. با لغو امکان افتتاح حساب های پس انداز بیش از یک سال و کاهش حداکثر نرخ سود سپرده های بانکی کوتاه مدت و یک ساله از سال ۱۳۹۳، نرخ تورم مجدداً شروع به افزایش پیدا کرد تا اینکه از سال ۱۳۹۵ به بعد واگرایی بین نرخ بهره و نرخ تورم افزایش یافت و به بالاترین حد خود در سال ۱۴۰۱ رسید.

با توجه به یافته های حاصل از ارتباط بین نرخ سود بانکی و نرخ تورم این سؤال قابل طرح است که آیا کاهش و تثبیت نرخ سود بانکی عامل ایجاد تورم و عدم پایداری نرخ های تک رقمی در سال های بعدی بوده است؟ یا دلیل دیگری به غیر از کاهش نرخ سود بانکی دلیل رشد تورم سال های ۱۳۹۵ به بعد است؟ برای پاسخ به این سؤال شکاف بین نرخ سود بانکی (اسمی) و نرخ رشد نقدینگی مورد بررسی قرار گرفت. یافته ها نشان می دهد از سال ۱۳۹۳ به بعد با اعمال سیاست کاهش نرخ سود اسمی توسط بانک مرکزی (البته با رعایت سود حقیقی مثبت) عملاً نرخ رشد نقدینگی تقریباً به روند افزایشی خود ادامه داده است. در نگاه اول این گونه استنباط می شود که با کاهش نرخ سود به عنوان قیمت پول عملاً کنترل سیاست گذار پولی بر رشد نقدینگی کاهش یافته و با خروج پول از سیستم بانکی، پول های سرگردان امکان التهاب در بازارهای دیگر را پیدا کردند. این در حالی است که طی سال های مذکور سهم شبه پول از نقدینگی افزایش یافته و نرخ رشد نقدینگی در سال های ۱۳۹۴ الی ۱۳۹۷ تقریباً در حول همان حداکثر نرخ سود کوتاه مدت سال ۱۳۹۳ باقی مانده است. بر این اساس می توان گفت علیرغم اعلام بانک مرکزی مبنی بر کاهش نرخ سود بانکی، در عمل این سیاست توسط بانک ها رعایت نشده است و همچنان نرخ بهره و رقابت بانک ها برای جذب سپرده باقی ماند. لذا نرخ سود بانکی حدود ۲۰ الی ۲۲ درصد به یک مؤلفه ثابت در شبکه بانکی تبدیل شده و بخش قابل توجهی از نقدینگی سال های ۱۳۹۸ و ۱۳۹۹ را نیز می توان به افزایش نرخ سود بانکی بدون رعایت انضباط پایه پولی و اصلاح نظام بانکی نسبت داد. ضمن اینکه کاهش روند نقدینگی در سال های ۱۴۰۰ و ۱۴۰۱ را علاوه بر افزایش جزئی نرخ بهره می توان به تقویت نظارت بانک مرکزی بر بانک ها مبنی بر رعایت نرخ های ابلاغی و همچنین سایر اقدامات احتیاطی بانک مرکزی دانست، چراکه نرخ بهره در این سال ها نسبت به نرخ تورم افزایش قابل توجهی نداشته است.

در سال ۱۳۹۰ با تشدید تحریم ها به ویژه تحریم بانک مرکزی، نرخ ارز با جهشی تا مرز نزدیک به ۲۰ هزار ریال در پایان سال ۱۳۹۰ مواجه شد که بلافاصله جهش های بعدی آن در پایان سال ۹۱ و بهار ۹۲ اتفاق افتاد. در این

سال‌ها نرخ تورم روند صعودی در پیش گرفت. در این شرایط سهم خالص دارایی‌های خارجی از رشد پایه پولی کاهش یافته و در عوض سهم مطالبات از بانک‌ها و خالص مطالبات از دولت افزایش داشت که خود می‌تواند بیانگر تأمین مالی کسری بودجه دولت از طریق استقراض مستقیم و غیرمستقیم از بانک‌ها به دلیل کاهش دلارهای نفتی باشد. اما در پایان سال ۱۳۹۲ بخشی از دلارهای نفتی ایران آزاد شد و بهبود روابط خارجی و کاهش انتظارات تورمی، موجبات کاهش نرخ تورم را در سال‌های ۱۳۹۳ الی ۱۳۹۶ به دنبال داشت تا اینکه در سال ۱۳۹۶ نرخ ارز با روندی ملایم شروع به افزایش کرد. در سال ۱۳۹۶ نرخ ارز با روندی ملایم از حدود ۳۷۰۰۰ ریال در اردیبهشت به ۴۵۰۰۰ ریال در اسفندماه رسید و این روند افزایشی در فروردین ۱۳۹۷ نیز تداوم یافت و نرخ ارز را وارد دالان ۵۰۰۰۰ ریال نمود. در این دوره متوسط نرخ تورم سالانه تکریمی و حدود ۸ درصد بوده است. ر طول سال ۱۳۹۷ خیزش ارزی که از اواخر سال ۱۳۹۶ شروع شده بود، با شدت بیشتری ادامه یافت و در مهرماه به نقطه اوج خود رسید. سال ۱۳۹۷ از حیث قیمت ارز و سیاست‌گذاری حوزه ارزی یکی از پُرچالش‌ترین سال‌ها در دهه‌های گذشته بوده است. تورم در طول سال ۱۳۹۷ همگام با رشد نرخ ارز، روند صعودی فزاینده را در پیش گرفت، به طوری که از حدود ۷ درصد در فرودین ماه به ۴۸ درصد (تقریباً ۷ برابر) در اسفندماه رسید. سال ۱۳۹۸ را در مقایسه با سال ۱۳۹۷ در حوزه ارز می‌توان سال بازگشت آرامش و ثبات نسبی به بازار ارز و سال حاکم شدن مجدد بانک مرکزی در این بازار دانست. نرخ دلار با حدود ۱۳۰ هزار ریال آغاز شد و در اردیبهشت با افزایشی موقتی به روند کاهشی خود بازگشت تا اینکه کمترین نرخ خود را در اوایل شهریورماه در حدود ۱۱۰ هزار ریال ثبت کرد. در این ماه‌ها اگرچه نرخ تورم مقادیر بالایی داشته است اما همگام با روند کاهش نرخ ارز، روندی کاهشی در پیش گرفت و در شهریورماه به حدود ۳۵ درصد کاهش یافت. در ماه‌های بعد علیرغم اینکه در پی افزایش قیمت بنزین و حوادث بعدازآن و شروع تسویه حساب‌های تجار با خارجی‌ان در پایان سال میلادی نرخ ارز افزایش یافت اما از آنجاکه این عوامل موقتی و نوسان نرخ ارز در محدوده ۱۱۰ الی ۱۴۰ هزار ریال مورد انتظار بود، تقاضای سفته‌بازی کنترل شد و تغییرات نرخ ارز قادر به تغییر روند کاهشی تورم نشد. در شروع سال ۱۳۹۹ با تصویب قطعنامه ضد ایرانی تروئیکای اروپایی در شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، فعال شدن مکانیسم ماشه علیه ایران توسط آمریکا و مخالفت تروئیکای اروپایی، تحریم ۱۸ بانک ایرانی توسط دولت ترامپ و ... همگی منجر به بازگشت انتظارات تورمی و تقاضای سفته‌بازی به بازار ارز شد، به طوری که نرخ ارز با حدود ۱۶۰ هزار ریال در فرودین ماه به ۲۸۰ هزار ریال در آبان ماه افزایش یافت و در همین دوره نرخ تورم نیز روند افزایشی در پیش گرفت. شایان‌ذکر است از آبان ماه ۱۳۹۹ با

وقوع وقایع سیاسی مثبت خارجی، بازار ارز و به دنبال آن نرخ تورم (انحراف معیار ۱,۵) از یک ثبات نسبی برخوردار شدند. با این وجود، نااطمینانی به ماندگاری نتایج مثبت این وقایع با توجه به چشم‌انداز کمبود ارز در بازار به دلیل مسدود ماندن دلارهای نفتی و کاهش صادرات غیرنفتی ناشی از محدودیت‌های شیوع ویروس کرونا، نرخ ارز و به دنبال آن نرخ تورم به ترتیب در مقادیر بالا حول ۲۴۰ هزار ریال و ۴۲ درصد در نوسان هستند.

بنابراین با توجه به تحلیل مذکور و از آنجاکه یکی از اقدامات بانک مرکزی برای حصول به نتایج مثبت در ثبات بازار ارز از کانال مدیریت انتظارات با خنثی کردن شایعات و تحریکات رسانه‌ای و شبکه‌های اجتماعی بوده است، می‌توان گفت چنانچه انتظارات تورمی افراد جامعه مجدداً تحریک شود، نرخ ارز و به تبع آن نرخ تورم می‌تواند با جهش جدیدی مواجه شود. با توجه به تحلیل شواهد آماری می‌توان گفت اگرچه نقدینگی عاملی تأثیرگذار بر رشد تورم در کشور است، اما خود می‌تواند به‌عنوان معلول و تحت تأثیر متغیرهای دیگر به‌خصوص شوک‌های ارزی باشد. از این رو، در بخش بعدی با تصریح مدل به بررسی این فرضیه پرداخته می‌شود.

در الگوی موردنظر متغیر وابسته تغییرات تورم و سه گروه عوامل به‌عنوان متغیرهای تأثیرگذار بر آن در نظر گرفته شده است:

- ✓ عوامل کلان اقتصادی: رشد نقدینگی، نرخ ارز، رشد اقتصادی، تورم و نااطمینانی تورم
- ✓ عوامل ساختاری: ناترازی عملیاتی بودجه دولت مندرج در قوانین بودجه سنواتی و ناترازی شبکه بانکی (انحراف معیار بازگشتی نسبت دارایی‌های نقد به کل دارایی‌ها)
- ✓ شوک‌های خارجی: نااطمینانی نرخ ارز

با بررسی پایایی متغیرها با استفاده از آزمون دیکی فولر تعمیم‌یافته مشخص شد که برخی از متغیرها پایا و برخی از متغیرها پایا از مرتبه (۱) هستند، از این رو، برآورد مدل می‌تواند با روش خودتوضیح برداری با وقفه‌ها گسترده انتخاب مقتضی باشد، چراکه این روش به درجه جمع بستگی متغیرها حساسیت ندارد. تصریح مدل مدنظر در این مقاله با توجه به سه گروه عوامل توضیحی به شرح زیر است:

$$\Pi_t = c + \sum_{j=1}^n \beta_j ME_t + \sum_{j=1}^n \beta_j SF_t + \sum_{m=1}^k \alpha_m EF_t + \varepsilon_t$$

به طوری که در مدل فوق، Π_t نرخ تورم در زمان t است، ME_t برداری از متغیرهای کلان اقتصادی در زمان t ، SF_t برداری از عوامل ساختاری در زمان t ، EF_t در زمان t و ε_t جمله اختلال هستند. روش برآورد در این مقاله ARDL مبتنی بر آزمون کرانه‌ها با استفاده از اطلاعات سالانه طی بازه زمانی ۱۳۷۰ الی ۱۴۰۱ است. نتایج برآورد نشان می‌دهد:

- با توجه به شدت تأثیرگذاری مستقیم و غیرمستقیم عوامل ساختاری و شوک‌های خارجی مشخص شده است که شوک‌های نرخ ارز، حاصل ضرب تراز عملیاتی بودجه دولت بانکی و رشد نقدینگی، رشد نقدینگی و اثر متقابل ناترازی شبکه بانکی و رشد نقدینگی به ترتیب بیشترین تأثیر را بر تورم در کشور داشته‌اند.

- از بین متغیرهای کلان اقتصادی رشد نقدینگی بالاترین تأثیرگذاری را بر تورم دارد.

- عوامل ساختاری (ناترازی بودجه دولت) و شوک‌های خارجی حتی در شرایط کارآمدی نظام بانکی (سناریوی چهارم بدون لحاظ ناترازی شبکه بانکی) می‌توانند زمینه ساز تورم در کشور باشند و چنانچه در کنار عملکرد ضعیف شبکه بانکی قرار گیرند، شدت تأثیرگذاری این عوامل را نیز تشدید می‌کنند. به علاوه شدت تأثیرگذاری نااطمینانی ارزی بر تورم بیش از کسری تراز عملیاتی و ناترازی شبکه بانکی است. لذا این موضوع باید در اولویت‌بندی سیاست‌های اصلاحی مدنظر قرار گیرد.

بنابراین ریشه‌کنی معضلات تورم در کشور در درجه اول در گروه خنثی سازی شوک‌های ارزی و در درجه دوم مستلزم اصلاح ارتباط دولت و بانک مرکزی و بانک‌هاست، چراکه هرگونه شوک ارزی از کانال کسری بودجه دولت و کسری بودجه دولت نیز از مسیر فشار بر ناترازی بانک‌ها، موجبات رشد نقدینگی و زمینه‌سازی تورم را در کشور به دنبال خواهد داشت. از این رو، مجموعه اقدامات پیشنهادی برای کنترل تورم و کاهش پایداری آن به شرح زیر قابل بیان است:

پیش‌بینی‌پذیری نرخ ارز و کنترل نوسان نرخ ارز از طریق: (۱) ایجاد بازار عمیق ارز با نرخ آزاد در کنار مداخله ارزی هوشمند بانک مرکزی و تأسیس بازار مشتقات ارزی برای پوشش ریسک و سفته‌بازی کنترل شده؛ (۲) بهبود ذخایر ارزی کشور از طریق بهبود شرایط تراز تجاری و ایجاد انگیزه برای بازگشت ارزهای حاصل از صادرات؛ (۳) صیانت از ذخایر ارزی از طریق توقف برداشت‌های مکرر از صندوق توسعه ملی برای مصارف بودجه‌ای؛ (۴) پیگیری برای آزادسازی منابع ارزی کشور؛ (۵) اولویت‌دهی به کنترل نوسان نرخ ارز به جای

سرکوب نرخ ارز و افزایش قدرت مداخله بانک مرکزی بر کنترل نوسانات ارزی نه تغییر روند؛ ۶) اجرای جدی‌تر پیمان‌سپاری با کمک ابزارهای مالی و بانکی (ممنوعیت صدور ضمانت‌نامه یا اعطای تسهیلات و ...)؛ و کنترل بر مبادلات ریالی و امکان ایجاد ثبات در بازار ارز با کاهش تقاضای سفته‌بازی.

اصلاح ناترازی بودجه دولت (انضباط مالی دولت) از طریق: ۱) ممنوعیت امکان تهاتر بدهی‌های دولت از طریق منابع صندوق توسعه ملی و ...؛ ۲) اجرای سیستم مالیات بر درآمد اشخاص حقیقی با رویکرد افزایش درآمد از طریق حذف تبعیض بین انواع درآمدهای مالیاتی و امکان کاهش نرخ مالیات بر شرکت‌ها؛ ۳) وصول حداکثری معوقات و فرارهای مالیاتی با استفاده از اطلاعات اقتصادی؛ ۴) مولدسازی اموال و دارایی‌های دولت؛ ۵) ساماندهی درآمد و هزینه شرکت‌های دولتی؛ و ۶) اعمال سقف (به میزان کمتر از تورم هدف‌گذاری شده) بر رشد اسمی هزینه‌های دولت در بودجه‌های سنواتی.

۱ اصلاح ناترازی شبکه بانکی از طریق: ۱) واگذاری املاک مزاد، مولدسازی دارایی‌ها و مدیریت بهینه سرمایه‌گذاری‌ها؛ ۲) پیشگیری از ایجاد مطالبات غیرجاری و تسهیل در وصول؛ ۳) تسویه بدهی دولت به بانک‌ها؛ ۴) کاهش نرخ سپرده قانونی و جلوگیری از اضافه برداشت بانک‌ها؛ ۵) استفاده از ظرفیت عملیات بازار باز، بازار بین‌بانکی و قاعده‌مند نمودن استفاده از منابع بانک مرکزی؛ ۶) افزایش سرمایه بانک‌ها و بهبود نسبت کفایت سرمایه؛ ۷) نظام‌مندی رابطه بین دولت و بانک‌ها و ساماندهی بازپرداخت بدهی‌های ایجاد شده در کمترین زمان ممکن، ۸) محدود کردن عملکرد بانک مرکزی به بازار ثانویه اوراق بهادار و عدم تحمیل اوراق اسلامی به بانک مرکزی و سیستم بانکی و تداوم واگذاری بنگاه‌ها و عدم سرمایه‌گذاری جدید در بنگاه‌های غیربانکی.

برآورد انتظارات تورمی مبتنی بر افکارسنجی کیفی

دکتر محمد رضا عبداللهی عضو هیئت علمی مرکز پژوهش‌های مجلس

سومین مقاله این پنل توسط دکتر محمد رضا عبداللهی، عضو هیئت علمی مرکز پژوهش‌های مجلس، به شرح حاضر ارائه شد. اندازه‌گیری انتظارات تورمی از اهمیت بسیاری چه در شناسایی مکانیسم شکل‌گیری و درک تعامل آن با متغیرهای اقتصاد کلان و چه در ارزیابی اعتبار بانک مرکزی در دستیابی به هدف تورمی برخوردار خواهد بود. با این وجود در حال حاضر این شاخص در ایران یا محاسبه نمی‌شود و یا در صورت محاسبه، اعلام عمومی نمی‌شود. این در حالی است که سیاست‌گذار باید با اعلام عمومی شاخص انتظارات تورمی و هدف‌گذاری آن، سیاست پولی را در جهت شکل‌دهی انتظارات تورمی تنظیم کند. به همین علت برآورد انتظارات تورمی در ایران می‌تواند کمک شایانی در جهت بهبود سیاست‌گذاری‌ها باشد.

به‌طور کلی برآورد انتظارات تورمی با چالش‌های جدی روبروست زیرا انتظارات افراد از رفتار آتی قیمت‌ها متغیری عینی نیست و برآورد آن با چالش‌های زیادی همراه است. روش‌های مختلفی برای برآورد انتظارات تورمی وجود دارد که مهم‌ترین آن‌ها اندازه‌گیری انتظارات تورمی از طریق سؤال مستقیم از مردم در مورد انتظاراتشان از قیمت‌ها است. نظرسنجی‌های مربوط به انتظارات تورمی در کشورهای مختلف توسط بانک‌های مرکزی، آژانس‌های آمار دولتی، مؤسسات تحقیقاتی یا شرکت‌های خصوصی انجام می‌شوند. این نظرسنجی‌ها هم از منظر نوع سؤالات و هم از منظر نوع پاسخ‌ها قابل بررسی و دسته‌بندی می‌باشند. سؤالات در این نظرسنجی‌ها می‌تواند کیفی، کمی یا ترکیبی از سؤالات کیفی و کمی باشد. سؤالات کیفی معمولاً در مورد جهت (افزایش، کاهش یا ثابت ماندن) تورم در یک بازه زمانی معین سؤال می‌کنند و نحوه طرح این سؤالات از کشوری به کشور دیگر متفاوت است. از سوی دیگر، سؤالات کمی یک بازه از تورم مورد انتظار در آینده و یا برآوردهای نقطه‌ای از درصد تغییر در تورم را مورد پرسش قرار می‌دهند. در سؤالات ترکیبی، ابتدا در خصوص جهت آتی تورم سؤال می‌شود، اگر پاسخ، مربوط به افزایش یا کاهش این متغیر باشد، یک تخمین نقطه‌ای درخواست و یا یک محدوده در صدی انتخاب می‌گردد. از منظر نوع پاسخ‌ها، نظرسنجی‌های کیفی به دو گروه نظرسنجی‌های سه‌گانه و نظرسنجی‌های چندگانه تقسیم می‌شوند. نظرسنجی‌های سه‌گانه سه دسته پاسخ ممکن دارند که با تمرکز بر انتظارات قیمتی عبارت‌اند از: قیمت‌ها «افزایش خواهد یافت»، «کاهش خواهد یافت» و «تغییری نخواهد کرد». نظرسنجی‌های چندگانه دارای پنج دسته پاسخ زیر هستند: قیمت‌ها «کاهش می‌یابند»، «ثابت می‌مانند»، «با سرعت کمتری افزایش می‌یابند»، «با همان نرخ افزایش می‌یابند» یا «با سرعت بیشتری

افزایش می‌یابند». به‌طورکلی در اکثر نظرسنجی‌های کیفی از پاسخ‌های چندگانه استفاده می‌شود. در ادبیات روش‌های مختلفی برای برآورد انتظارات تورمی بر اساس نظر سنجی‌های کیفی و نظر سنجی‌های کمی پیشنهاد شده است که هر یک ویژگی‌های خاص خود را دارا می‌باشند. روش‌های مبتنی بر نظر سنجی‌های کیفی شامل روش‌های آمار متوازن، روش احتمال، روش رگرسیون و روش تابع لجستیک است. همچنین برای محاسبه شاخص انتظارات تورمی مبتنی بر نظر سنجی‌های کمی از روش میانگین پیراسته استفاده می‌گردد. نتایج مقایسه انتظارات تورمی محاسبه‌شده از روش‌های مذکور و نرخ تورم محقق شده در سه ماه بعد نشان داد روش احتمال با توزیع یکنواخت عملکرد بهتری در پیش‌بینی نرخ تورم آتی داشته است. همچنین بررسی روند شاخص انتظارات تورمی در نه فصل اخیر نشان داد شدت افزایش انتظارات تورمی در دوره نوسانات ارزی بسیار بیشتر از دوره حذف ارز ترجیحی بوده است. این نتایج نشان می‌دهد بانک مرکزی بایستی با مدیریت صحیح بازار ارز و اجازه افزایش تدریجی نرخ ارز و کاهش نوسانات آن حول نرخ ارز تعادلی تا حد توان از وقوع شوک‌های ارزی جلوگیری نموده تا از افزایش قابل توجه انتظارات تورمی جلوگیری نماید.

تورم ناشی از قدرت خرج کردنی فراتر از قدرت تولید در کشور است

دکتر تیمور رحمانی، دانشیار اقتصاد دانشگاه تهران و عضو کمیته علمی همایش

دکتر تیمور رحمانی، دانشیار اقتصاد دانشگاه تهران و عضو کمیته علمی همایش، اولین سخنران این بخش، با اشاره به نتایج یکی از مقالات ارائه شده عنوان کرد، ما در اقتصاد نباید ادعایی که مبنای دیتا و داده ندارد، انجام دهیم. فکر نکنید که مسئله حکمرانی از کانال دیگری غیر از رشد نقدینگی خودش را در ظهور تورم نشان می‌دهد. یعنی اگر در آن حکمرانی، اشکال و نقصی به صورت اختلال وجود داشته باشد، این اختلال به چه معناست؟ یعنی شما نظام قیمت‌ها را مختل کردید، و رانت‌جویی در اقتصاد شیوع پیدا نموده و بعد همه این‌ها به چه شکل خودش را نشان می‌دهد؟ به شکل اینکه رشد نقدینگی فراتر از آن چیزی که توانایی آن اقتصاد حکم می‌کند باشد و قیمت پول، پایین‌تر از آن چیزی است که توانایی‌های آن اقتصاد حکم می‌کند. این‌ها در اقتصاد، قدرت خرج کردن درست می‌کنند، قدرت خرج کردنی که با توانایی‌های تولید آن اقتصاد هماهنگی ندارد، پس بنابراین در تورم خود را نشان می‌دهد.

دکتر رحمانی بیان کرد تورم انتظاری، ریشه تورم نیست. این حرف خیلی بی‌اساسی است که در اقتصاد در بین برخی صاحب‌نظران جا افتاده است. انتظارات از جایی نمی‌آید، انتظارات درون‌زا است. یعنی در واقع عملکرد ما، انتظارات را شکل می‌دهد، بنابراین این مسئله مهمی است که بدانیم که انتظارات، فقط گاهی اوقات باعث فروکش کردن نیروی تورمی می‌شود و یا آن را تشدید می‌کند؛ نه اینکه چیز متفاوت ایجاد نماید.

وی با اظهار اینکه در دهه پنجاه و چند سالی با رشدهای سرسام‌آور نقدینگی کشور جلو رفت، اما در آن زمان هنوز تورم خیلی شدید نبود و بعد شروع به شدت گرفتن کرد، اضافه کرد بحث ناترازی‌ها هم چیزی جدا از رشد نقدینگی نیست. ناترازی چه می‌کند؟ ناترازی، یا نیروی خلق نقدینگی را ایجاد می‌کند یا نیروی خلق نقدینگی را نابود و یا از کار می‌اندازد و در نتیجه رشد نقدینگی تشدید می‌شود و بنابراین تورم ایجاد می‌شود. دیده می‌شود در ایران بعضی از عزیزان عنوان می‌کنند که اگر نقدینگی به این دلایل رشد کند، تورم‌زا نیست، اگر به آن دلایل رشد کند، تورم‌زا است. خیر، واقعاً نقدینگی از هر کانالی که رشد کند و نامناسب وضع و حال اقتصاد و توانایی اقتصاد باشد، حتماً تورم ایجاد می‌کند. مصداق آن دهه ۵۰ است. ما هر آنچه واردات می‌خواستیم می‌توانستیم انجام دهیم، ولی فقط توانستند ۲، ۳ سال تورم را کنترل کنند و بعد تورم به ۲۵٪ رسید.

پس نقدینگی تأثیر دارد و فقط ممکن است کوتاه مدت متأثر از عوامل دیگری، نیرویش تشدید یا تخفیف پیدا کند.

این عضو هیئت علمی دانشگاه تهران اضافه کرد برخی عزیزان می‌فرمایند که در سال ۱۴۰۲ رشد نقدینگی کم شده اما تورم کم نشده است. اصلاً این طور نیست. رشد نقدینگی شما، اول سال ۳۲ یا ۳۳ درصد بود، الآن ۲۶ و خرده‌ای درصد است و فقط چند واحد درصد کم شده و نرخ تورم شما پنجاه و چند درصد بود و الآن در حدود ۴۰ درصد است. بسیار کنترل شده است. زمانی که شما تورم را با رشد نقدینگی مقایسه می‌کنید، تورم نقطه به نقطه را باید مقایسه کنید بعد می‌بینید که افت آن خیلی هم کم اهمیت نبوده ولی روند این دو در بلندمدت کاملاً مشاهده می‌شود.

وی در خصوص نرخ دستوری بهره نیز گفت، آیا واقعاً دستوری نرخ بهره را افزایش داده‌ایم؟ من فکر نمی‌کنم ما خیلی دستوری نرخ بهره را افزایش داده باشیم چون برعکس آن را انجام داده‌ایم. واقع قضیه این است که من مطمئن نیستم که عموم مردم درکشان از ما اقتصاددانان راجع به تورم بدتر باشد، مخصوصاً فعالان اقتصادی و اگر از آن‌ها بخواهید احتمالاً خیلی دقیق‌تر از ما اقتصاددانان پیش‌بینی می‌کنند.

در پایان این استاد اقتصاد در پاسخ به سؤالی که افزایش نرخ ارز را از دلایل اصلی تورم عنوان کرده بود، پاسخ داد: باید گفت که علت اصلی افزایش تورم، نرخ ارز نیست، بلکه علت شوک‌ها و یا مختصر جهش‌های تورمی را می‌تواند ایجاد نماید.

دستمزد واقعی به شدت تنزل پیدا کرده، فشار زیادی روی خانوارها است

دکتر کامران ندری، عضو هیئت علمی دانشگاه امام صادق (ع) و عضو کمیته علمی همایش

دکتر کامران ندری، عضو هیئت علمی دانشگاه امام صادق (ع) و عضو کمیته علمی همایش، سخنرانی دوم این پنل را به عهد داشت. وی با اشاره به اینکه در تحلیل های اقتصادی باید داده محور حرکت کنیم، این ملاحظه را مطرح نمود که در کشورهای با حکمرانی بد اقتصادی، اولاً داده های خیلی با کیفیتی تولید نمی شود و نکته بعدی اینکه خیلی از داده هایی که برای تحلیل ها نیاز است، اصلاً تولید نمی شود.

وی با اظهار اینکه در مورد مسئله تحریم ها، بالاخره شما می توانید با یک داده و پروکسی هایی تأثیر آن را در شدت گرفتن تورم جستجو کنید، عنوان کرد مثلاً فرض کنید به احتمال خیلی زیاد بعد از شدت گرفتن تحریم ها درجه انحصاری بودن اقتصاد ما، افزایش پیدا کرده است. بالاخره درجه باز بودن اقتصاد در به وجود آمدن تورم پایدار و مزمن تأثیر دارد. خوب این تحریم ها، درجه باز بودن اقتصاد ما را تحت تأثیر قرار داده است و طبیعتاً ما انتظار داریم که تورم یک سطح بالاتر رود. با توجه به اینکه بعد از تشدید تحریم ها، به تعاملات و ارتباطاتمان با دنیا چه در حوزه تجاری و چه در حوزه مالی و بانکی ضربه خورده است و باعث شده است که مداخلات دولت در اقتصاد، افزایش پیدا کند یا مجبور شده بعضی از مداخلاتی را که از قبل در اقتصاد داشته است را ادامه دهد، اظهار داشت در شرایط حاضر، وقتی که تورم وجود دارد یعنی شما از منابعتان خوب استفاده نمی کنید، منابع، خوب تخصیص پیدا نمی کند، حالا سؤال اینجا است که این مکانیسم تخصیص مناسب منابع در اقتصاد چیست؟ ما اقتصادی ها معتقدیم که مکانیسم بهینه تخصیص منابع، مکانیسم قیمت است. قیمت های کلیدی و اساسی ای که در اقتصادمان داریم، عمدتاً سرکوب می شود. مثلاً فرض کنید که شما دارید دستمزد را سرکوب می کنید و به بهانه مبارزه با تورم هم این امر صورت می گیرد. منتهی خوب می دانید به هر حال چندین سال پیاپی سرکوب کردن دستمزدها و تحمیل هزینه های افزایشی زیاد به خانوارها آن ها را تحت فشار قرار می دهد. یک جا شما مجبورید این شکافی که بین درآمد و هزینه بودجه خانوار ایجاد می شود و از لحاظ اجتماعی شکاف قابل ملاحظه ای هم هست، این شکاف را کم کنید. روند افزایش دستمزدها به مراتب کمتر از نرخ تورم است، روندی است که در واقع می شود گفت حداقل در پنج سال گذشته شدت گرفته و هنوز هم ادامه دارد، و دستمزد

واقعی به شدت تنزل پیدا کرده، فشار زیادی روی خانوارها است و این را در رابطه با بازنشسته‌ها با شدت بیشتری ملاحظه می‌کنید، کسانی که سالیان سال پس‌انداز کرده‌اند به امید اینکه در پایان عمر شان یک زندگی راحت و مناسبی داشته باشند اما خوب شما الان نمی‌توانید جواب آن‌ها را بدهید که این‌ها آن ناترازی مالی که در دولت هست را به مراتب تشدید می‌کند. وی در ادامه در خصوص مسئله قیمت حامل‌های انرژی گفت: ما تا کی می‌توانیم این وضعیت سرکوب قیمت حامل‌های انرژی را ادامه دهیم؟ وقتی که شما می‌خواهید آن را تعدیل کنید به چه شکلی می‌شود انجام داد؟ و این چه اثرات و تبعاتی دارد؟ مشابه این امر و البته مقداری ضعیف‌تر را در حذف ارز ۴۲۰۰ ای سال گذشته دیدیم. یک اصلاح قیمتی توانست نرخ تورم ماهانه را در خردادماه سال گذشته به بالاترین سطح خود برساند.

دکتر ندری اضافه کرد از دیگر مسائل اصلی کشور که حتی روی نظام پولی و بانکی ما تأثیر گذاشته است، مسائل مالی است. در کشورهای دیگر وقتی مالیات را در نظر می‌گیرند، آن را نسبت به GDP می‌سنجند، درست است اگر بپذیریم نسبت مالیات به GDP ما نسبتاً پایین است، ولی دولت از نظام بانکی، از نظام ارزی به عنوان ابزار مالی استفاده می‌کند. به طور مثال وقتی که به صادرکننده می‌گویید که ارز حاصل از صادرات را باید با نرخ کمیتر از نرخ بازار به دولت بدهد، یعنی دارید از صادرکننده مالیات می‌گیرید. از آن طرف به واردکننده‌ها سوبسید و یارانه داده می‌شود. یعنی به او واردکننده نیز ارز ارزان‌تر از بازار داده می‌شود. یا اگر دچار ناترازی در سیستم بانکی هستید، این ناترازی در سیستم بانکی به چه علت ایجاد شده است؟ به این خاطر ایجاد شده که دولت می‌خواهد مشکلات مالی خود را پوشش دهد. به نظر می‌رسد که اگر دو ستان بتوانند این موارد را از یکدیگر تفکیک کنند و اثرات آن‌ها را در به وجود آمدن این تورم بالا مشخص کنند، این تحقیقات می‌تواند به سیاست‌گذار کمک کند که ریشه‌های کلیدی و اصلی را ببیند. وی در پایان ضمن توجه به این مطلب که عامل تورم صرفاً پولی نیست، اشاره داشت که شما نمی‌توانید بگویید من نرخ رشد نقدینگی را پایین می‌آورم ولی توجه به این مسئله نداشته باشید که جایی شما ممکن است ایجاد یک ناترازی مالی را با همین نقدینگی پوشش دهید.

مشکل ناترازی انرژی کشور در سال‌های آتی جدی است

دکتر ابراهیم صیامی، مدیرکل آینده‌پژوهی، مدل‌سازی و مدیریت اطلاعات اقتصادی وزارت امور اقتصادی و دارایی

دکتر ابراهیم صیامی، مدیرکل آینده‌پژوهی، مدل‌سازی و مدیریت اطلاعات اقتصادی وزارت امور اقتصادی و دارایی به‌عنوان آخرین سخنران این نشست مباحث خود را با بیان این نکته که در ادامه یک حکمرانی خوب که در یک اقتصاد اتفاق بیفتد، سیاست‌گذار می‌تواند از قواعد اقتصادی مختلف از جمله قواعد مالی، پولی و ارزی مناسب برای مدیریت اقتصاد کلان استفاده کند، وی در خصوص مقاله ارائه شده اول اظهار کرد که صندوق بین‌المللی پول (IMF) معتقد است که برای اجرای یک سیاست مالی و پولی خوب، نیازمند این هستیم که سیاست‌گذار این سه وجهه را پیگیر باشد؛ اعتبار، پاسخگویی و مسئولیت‌پذیری. بنابراین اگر به این سه وجهه به‌درستی عمل شود، می‌توان از قواعد مختلف اقتصادی از جمله قواعد پولی و مالی و همچنین ارزی به‌خوبی برای ثبات اقتصاد کلان استفاده نمود. به نظر می‌رسد که باید این ۳ وجهه را در سیاست‌گذاری پولی و مالی مان تقویت کنیم که در حقیقت فعالین اقتصادی به این باور برسند که اگر یک قاعده مالی گذاشته می‌شود، واقعاً سیاست‌گذار نسبت به آن پایبند است و آن را ادامه می‌دهد. در اقتصاد ایران آنچه در سال‌های اخیر مغفول مانده است، داشتن یک قاعده مالی مناسب است.

مدیرکل آینده‌پژوهی، مدل‌سازی و مدیریت اطلاعات اقتصادی وزارت امور اقتصادی و دارایی گفت: اگر بخواهیم سیر تاریخی این قاعده مالی را در نظر بگیریم، از ۱۹۹۰ شروع شده و تقریباً هم‌اکنون ۱۱۰ کشور هستند که انواع قواعد مالی را برای مدیریت اقتصاد کلان انجام می‌دهند. از جمله در اقتصاد ما یک قاعده درآمدی بخصوص بر درآمدهای نفتی داریم، که هر ساله در بودجه می‌آییم و یک بخشی از درآمدهای نفتی را بین صندوق توسعه ملی، شرکت ملی نفت و دولت تقسیم می‌کنیم که خوب روند آن در برنامه ششم نشان می‌دهد که خیلی نتوانسته‌ایم به صورت موفقیت‌آمیزی آن را انجام بدهیم. چون هر ساله با کسری بودجه مواجه شده‌ایم و مجبور شدیم بخشی از منابعی که مربوط به صندوق توسعه ملی بوده است را بابت کسری بودجه و جبران کسری بودجه هزینه کنیم. وی ادامه داد که اگرچه که بحث نااطمینانی‌ها و انتظارات توری را به‌عنوان یک عامل اثرگذار نمی‌توان کنار گذاشت، اما نکته اساسی این است که همه این ناترازی‌هایی که در شبکه بانکی و

در دولت دیده می‌شود و روی سیاست‌های اقتصادی و تراز تجاری دیده می‌شود، در نهایت همه این‌ها اثر خود را بر نقدینگی نشان می‌دهند. یعنی در بلندمدت قطعاً عامل اثرگذار، نقدینگی است و نقدینگی توضیح دهنده‌ی یا توزیع دهنده‌ی بالایی بر تورم دارد و اخیراً هم یک عامل جدیدی بر ناترازی‌های کشور اضافه شده که ناترازی انرژی است. به نظر من این ناترازی انرژی را باید جدی گرفت. در نهایت روی قیمت‌های تمام‌شده خود را نشان می‌دهد و باعث افزایش قیمت تمام‌شده کالاها و محصولات می‌شود و فعالین اقتصادی بالاخره این ناترازی که در تابستان برای برق دارند و اتفاقاً در حال آسیب‌رساندن به فعالیت‌های اقتصادی، روند تولید و به تکنولوژی تولید آن‌ها است و در زمستان هم بخش دیگری از صنعت ما، بخش کشاورزی ما درگیر ماجرای ناترازی گاز است، در سال‌های آتی باید به‌گونه‌ای مدیریت کنیم که بتوانیم این منشأی که می‌تواند باعث افزایش قیمت‌ها بشود و باعث این بشود که تولیدکننده ما نتواند یک برنامه‌ریزی دقیقی برای مباحث مربوط به تولیدات خودش داشته باشد را مدیریت کنیم. در نظر داشته باشید که تولیدکنندگان زمانی که قراردادهای خارجی امضاء می‌کنند و متعهد هستند که یک سری کالاها و خدمات را در اختیار بخش خارج از کشور قرار دهند، نیازمندند که بتوانند یک برنامه‌ریزی دقیقی بر تولیدشان داشته باشند، فکر می‌کنم که این ناترازی انرژی در حال آسیب‌رساندن به این مسئله است و در بلندمدت روی تجارت خارجی کشور اثرگذار است.

دکتر صیامی اظهار داشت، به نظر می‌رسد که هم در ابتدای دهه ۹۰ و هم در انتهای دهه ۹۰، نرخ ارز نقشی اساسی بر تورم ایفا کرده است که در دهه‌های قبل ما آن را نمی‌بینیم و وجود نداشته است. به نظر می‌رسد که نرخ تورمی که الآن به‌خصوص در برخی از گروه‌ها مثل گروه خوراکی‌ها و آشامیدنی‌ها و مثل گروه مسکن، بالا هست، نشئت‌گرفته از این است که فعالین اقتصادی نرخ ارز فعلی را به‌گونه‌ای پیش‌بینی می‌کنند که انتظار افزایش آن را دارند و این انتظار افزایش باعث می‌شود که رفتارهایی را در سطح بازار و بنگاه‌های اقتصادی ببینیم که خیلی تمایلی به این نداشته باشند که بخواهند قیمت‌ها را نسبت به سال‌های گذشته تعدیل کنند و در حقیقت سرعت افزایش قیمت‌هایشان را بخواهند کنترل کنند. وی در پایان عنوان کرد که علاوه بر نقدینگی در یکی دو سال اخیر، بحث جهش‌های نرخ ارزی که فعالین اقتصادی در پیش‌بینی‌ها خود دارند به شدت بر تورم اثرگذار است. اگر این سیگنال از طرف سیاست‌گذار داده شود که این نرخ ارز می‌تواند پایدار باشد و به‌صورت کنترل‌شده‌ای برای سال آینده مدیریت شود، می‌توانیم در سال ۱۴۰۳ کاهش نرخ تورم را داشته باشیم و این تقریباً سه سالی که تورم‌های بالای ۴۰٪ را تجربه می‌کنیم را پشت سر بگذاریم و به‌حول و حوش همان میانگین ۲۵٪ دست پیدا کنیم.

نشست سوم همایش

سومین پنل تخصصی این همایش ملی تحت عنوان «آثار و پیامدهای تورم در ایران» با حضور جناب آقای دکتر علی نصیری‌اقدم، عضو هیئت‌علمی دانشگاه علامه طباطبایی و عضو کمیته علمی همایش؛ جناب آقای دکتر علی دینی ترکمانی، عضو هیئت‌علمی مرکز مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی؛ و جناب آقای دکتر سیدمحمدرضا امیری طهرانی‌زاده، عضو هیئت‌علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی (به‌عنوان دبیر پنل) برگزار شد. این پنل میزبان ارائه سه مقاله شامل «اثر تعاملی تورم و عدم تقارن اطلاعات بر کارایی سیستم مالی» توسط دکتر یوسف عیسی‌زاده روشن، عضو هیئت‌علمی دانشگاه مازندران و خانم درسا بابایی، کارشناسی ارشد علوم اقتصادی دانشگاه مازندران؛ «بررسی اثر متغیرهای سیاسی-اقتصادی بین‌المللی بر تورم مواد غذایی در ایران» توسط دکتر مهدی شعبان‌زاده خوشرویی، عضو هیئت‌علمی مؤسسه پژوهش‌های برنامه‌ریزی اقتصاد کشاورزی و توسعه روستایی و دکتر ابراهیم جاودان، عضو هیئت‌علمی مؤسسه پژوهش‌های برنامه‌ریزی اقتصاد کشاورزی و توسعه روستایی؛ و «حکمران و فریدمن، تورم و پول: از کدام تورم حرف می‌زنیم؟» توسط دکتر محمدعلی ابوترابی، عضو هیئت‌علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی و جناب آقای شهاب متین، دانشجوی دکتری دانشگاه آزاد واحد علوم و تحقیقات بود.

نشست سوم: آثار و پیامدهای تورم در ایران ساعت ۱۶:۰۰-۱۴:۳۰	
دبیر نشست:	اعضای پنل:
سیدمحمدرضا امیری طهرانی‌زاده، عضو هیئت‌علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی	علی نصیری‌اقدم، عضو هیئت‌علمی دانشگاه علامه طباطبایی و عضو کمیته علمی همایش محمدعلی مرادی، عضو هیئت‌علمی دانشکده کارآفرینی دانشگاه تهران احمد تشکینی، عضو هیئت‌علمی و رئیس مرکز مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی
اثر تعاملی تورم و عدم تقارن اطلاعات بر کارایی سیستم مالی یوسف عیسی‌زاده روشن و درسا بابایی	۱۴:۳۰-۱۴:۴۵
بررسی اثر متغیرهای سیاسی-اقتصادی بین‌المللی بر تورم مواد غذایی در ایران مهدی شعبان‌زاده خوشرویی و ابراهیم جاودان	۱۴:۴۵-۱۵:۰۰
حکمران و فریدمن، تورم و پول: از کدام تورم حرف می‌زنیم؟ محمدعلی ابوترابی و شهاب متین	۱۵:۰۰-۱۵:۱۵
اعضای پنل و جمع‌بندی	۱۵:۱۵-۱۶:۰۰

در ابتدای این نشست تخصصی دکتر امیری طهرانی‌زاده ضمن تبریک ایام ولادت حضرت علی (ع) و تشکر از مدیران پژوهشگاه و مدیران پژوهشکده برای برنامه‌ریزی و اجرای همایش علل و آثار تورم، عنوان نمود آثار و پیامدهای تورم قطعاً بسیار گسترده است، همچنان که خود موضوع تورم یک مسئله چندبعدی و گسترده است. وی با تشکر از اعضای پنل، اشاره داشت شاید مهم‌ترین آثار و پیامد تورم این است که ناعادلانه به توزیع درآمد و به ضرر دهک‌های پایین جامعه دامن می‌زند که خوب این پدیده بر همه عزیزان کاملاً معلوم است. دکتر امیری در ادامه از اولین ارائه‌دهنده مقاله منتخب این پنل دعوت نمود تا مباحث خود را آغاز نماید.

اثر تعاملی تورم و عدم تقارن اطلاعات بر کارایی سیستم مالی؛ شواهدی از کشورهای منتخب

دکتر یوسف عیسی‌زاده روشن، دانشیار گروه اقتصاد دانشگاه مازندران

دکتر یوسف عیسی‌زاده روشن، دانشیار گروه اقتصاد دانشگاه مازندران، اولین ارائه مقاله این بخش از همایش را به شرح زیر عهده‌دار بود.

پدیده عدم تقارن اطلاعاتی به وضعیتی اطلاق می‌شود، که در آن یکی از طرفین معامله نسبت به طرف مقابل دارای اطلاعات بیشتری است و این منجر به منفعت یک گروه در مقابل ضرر گروه دیگر می‌شود. در حالتی که اطلاعات یکسانی بین دو طرف بازار (قرض دهنده و قرض گیرنده) وجود ندارد، به گزینش نامطلوب (کژگزینی) و مخاطره اخلاقی (کژرفتاری) منجر شده و باعث عدم کارایی در نظام بازار می‌شود و نظام مالی از این امر مستثنی نیست. افزایش در نرخ تورم، نرخ بازده واقعی نه تنها پول، بلکه تمامی دارایی‌ها را به‌طور کلی پایین می‌آورد. کاهش ضمنی در بازده واقعی، اصطکاک بازار اعتبارات را تشدید می‌کند. از آنجایی که این اصطکاک منجر به سهمیه‌بندی می‌شود، سهمیه‌بندی اعتباری به همان اندازه افزایش تورم را تشدید می‌نماید. در نتیجه بخش مالی وام‌های کمتری می‌دهد، تخصیص منابع با کارایی کمتری همراه است و فعالیت واسطه‌های مالی در نتیجه پیامدهای منفی برای سرمایه‌گذاری کاهش می‌یابد (هیبنس و اسمیت، ۱۹۹۹؛ چویی، اسمیت و بوید، ۱۹۹۶). در چنین شرایطی عدم تقارن اطلاعات در نظام مالی افزایش خواهد یافت. پایه‌های ساختار بازار مالی تحت شرایط اطلاعات نامتقارن در دهه ۱۹۷۰ توسط محققان بزرگ اقتصادی مانند جورج آکرلوف و جوزف استیگلیتز بنا نهاده شد. به عقیده آن‌ها توسعه ساختار مالی در محیط شفاف اقتصادی با عنایت کامل به این فرض بازار رقابتی یعنی متقارن بودن اطلاعات رخ خواهد داد. این فرض بر این مبنا است که تمام شرکت‌کنندگان در بازار، از تمام قیمت‌ها و تمام اطلاعات کاملاً آگاه‌اند، اما اگر به علت عدم تقارن اطلاعات طرفین معامله، بازار از وظیفه اصلی خود عاجز بماند و در نتیجه ناکارا عمل کند، شکست بازار اتفاق خواهد افتاد (میری و هژبر کیانی، ۱۳۹۴). آکرلوف (۱۹۷۰) به کمک فرضیه علمی نشان داد که شکل اطلاعاتی ممکن است موجب توقف کل بازار شود یا به صورت انقباضی، بازار را به گزینش نامطلوب محصولات کم کیفیت سوق دهد. اسپنس (۱۹۷۴) نشان داد که تحت شرایطی معین، افراد مطلع‌تر در بازار می‌توانند با انتقال اطلاعات خود به افراد غیرمطلع، مشکلات ناشی از گزینش نامطلوب را برطرف نمایند. استیگلیتز (۱۹۹۴) نشان داد که گاه یک کارگزار غیرمطلع می‌تواند از طریق غربال اطلاعات، از یک کارگزار مطلع، اطلاعات کسب کند (خانی و قجاوند، ۱۳۹۱). پدیده عدم تقارن اطلاعات در تمام سطوح جامعه وجود دارد و اگر افراد یک جامعه از این پدیده

سوءاستفاده کنند، بازدهی جامعه در تمام سطوح کاهش می‌یابد. عدم تقارن اطلاعات، امکان رانت‌جویی را برای کارگزاران، کارمندان نظام اداری و اجرایی، تولیدکنندگان و فروشنندگان و ... فراهم می‌سازد و اگر تمامی اقشار به رانت‌جویی بپردازند، تخصیص غیر بهینه منابع و بی‌عدالتی در تمام جامعه حاکم خواهد شد. مسلماً چنین جامعه‌ای نمی‌تواند به سمت توسعه حرکت نماید (می‌دری، ۱۳۷۳).

علاوه بر این تریکی و گاجیگو (۲۰۱۴) دسترسی محدود به منابع مالی را ناشی از عدم تقارن اطلاعات بالاتر دانسته‌اند. در سال‌های اخیر، تمایل به افزایش دسترسی مالی و توسعه مالی منجر به ایجاد دفاتر اشتراک‌گذاری اطلاعات و دفاتر ثبت عمومی و همچنین دفاتر اعتباری خصوصی در سراسر جهان برای کاهش عدم تقارن اطلاعات بین وام‌گیرندگان و وام‌دهندگان در بازارهای مالی شده است. دفاتر اشتراک‌گذاری اطلاعات با این انگیزه ایجاد شده‌اند که بخش عمده‌ای از عدم دسترسی به تأمین مالی توسط فعالان اقتصادی و بنگاه‌ها که به دلیل وجود عدم تقارن اطلاعاتی بود را از بین ببرند (آلن و همکاران، ۲۰۱۱). برخی از پژوهشگران نظیر باتو و کوپوکیل (۲۰۱۰) و آلن و همکاران (۲۰۱۱) استدلال کرده‌اند که ایجاد دفاتر اشتراک اطلاعات بر این فرض استوار است که، محدودیت دسترسی وام‌گیرندگان به منابع مالی (و به‌طورکلی توسعه مالی) توسط عوامل موجود (یعنی دارا بودن شرایط لازم برای وام، دسترسی فیزیکی و قیمت) می‌تواند به سبب وجود عدم تقارن اطلاعات باشد (ابراهیم و القاعده، ۲۰۱۷).

از نظر تئوری، انتظار می‌رود دفاتر اشتراک اطلاعات با کاهش شکاف اطلاعاتی بین وام‌گیرندگان و وام‌دهندگان، به‌عنوان عوامل واسطه‌گری مالی عمل کنند. با توجه به یافته‌های جاپلی و پاگانو (۲۰۰۲)، با کاهش عدم تقارن اطلاعات، دفاتر به اشتراک‌گذاری اطلاعات قادر به افزایش رقابت و کاهش تنگناها در دسترسی به منابع مالی شده و در نتیجه به تخصیص سرمایه کارآمد کمک می‌نمایند. دیاموند (۱۹۸۴) و دیویگ (۱۹۸۳) معتقدند که هدف اصلی واسطه‌های مالی (دفاتر اشتراک‌گذاری اطلاعات) کاهش هزینه معاملات و هزینه اطلاعاتی است که به دلیل عدم تقارن اطلاعات بین وام‌گیرندگان و وام‌دهندگان به وجود می‌آید. بنابراین می‌توان گفت تأسیس دفاتر اشتراک‌گذاری اطلاعات یک کانال واقعی برای افزایش (کاهش) اشتراک اطلاعات (عدم تقارن اطلاعات) برای تقویت (کاهش) توسعه مالی (نوسانات رشد) است (ابراهیم و القاعده، ۲۰۱۷).

یکی از عوامل تأثیرگذار بر توسعه مالی کشورها تورم است. تورم علاوه بر تأثیری که بر توسعه بازارهای مالی دارد، بر تخصیص بهینه منابع نیز مؤثر است. بنابراین، به‌منظور دستیابی به توسعه بازارهای مالی می‌باید در

هدایت نرخ تورم دقت نمود. بین نرخ تورم و توسعه بازارهای مالی اندازه‌گیری شده به وسیله شاخص‌ها، یک رابطه غیرخطی وجود دارد، به این صورت که یک حد آستانه‌ای برای نرخ تورم وجود دارد که در نرخ‌های تورم بالاتر از آن حد آستانه‌ای، رابطه میان نرخ تورم و توسعه بازارهای مالی منفی و در نرخ‌های تورم پایین‌تر از حد آستانه‌ای، این رابطه مثبت است. برای توجیه این ارتباط معکوس بین نرخ تورم و توسعه بازارهای مالی استدلال‌هایی وجود دارد، از جمله این که نرخ تورم شدید به نرخ تورم شدیدتر و نوسان شدید در بازدهی سهام منجر می‌گردد. نرخ تورم شدید با ایجاد نوسان در بازدهی سهام و افزایش ریسک در بازار مالی، مانع توسعه مالی می‌شود (بوید، لوین و اسمیت ۲۰۰۱). آزاریادیس و اسمیت، ۱۹۹۶ و همچنین چویی و همکاران، ۱۹۹۶ اشاره کرده‌اند که وقتی تورم خیلی پایین است، ناسازگاری بازار اعتبار ممکن است الزام‌آور نباشد، طوری که تورم گردش اطلاعات را تحریف نکرده و مانع توسعه مالی نمی‌شود. افزایش در نرخ تورم، نرخ بازده واقعی نه تنها پول، بلکه تمامی دارایی‌ها را به‌طور کلی پایین می‌آورد. کاهش ضمنی در بازده واقعی، اصطکاک بازار اعتبارات را تشدید می‌کند. از آنجایی که این اصطکاک منجر به سهمیه‌بندی می‌شود، سهمیه‌بندی اعتباری به همان اندازه افزایش تورم تشدید می‌گردد. در نتیجه بخش مالی وام‌های کمتری می‌دهد، تخصیص منابع با کارایی کمتری همراه است و فعالیت واسطه‌های مالی در نتیجه پیامدهای منفی برای سرمایه‌گذاری کاهش می‌یابد. کاهش در تشکیل سرمایه به‌طور منفی بر عملکرد بلندمدت اقتصادی و فعالیت بازار سهام تأثیر می‌گذارد (هینس و اسمیت، ۱۹۹۹؛ چویی، اسمیت و بوید، ۱۹۹۶). مور (۱۹۸۶)، چویی و همکاران (۱۹۹۶)، و آزاریادیس و اسمیت (۱۹۹۶)، نشان دادند اگر تورم به اندازه کافی بالا باشد، بازده پس‌اندازها کاهش می‌یابد، در نتیجه منجر به کاهش در پس‌انداز می‌شود، اصطکاک اطلاعاتی شدیدتر شده و در نتیجه اعتبارات مالی در چنین اقتصادی کمیاب می‌شود.

در بعضی مطالعات اثر تورم و عدم تقارن اطلاعاتی بررسی شده است. هینس و اسمیت (۱۹۹۸ و ۱۹۹۹) تورم باعث بدتر شدن عدم تقارن اطلاعاتی در بازار اعتبار می‌شود و نرخ بازگشت واقعی و ارزش اعتبارات را کاهش می‌دهد. بوید و همکاران (۲۰۰۱)، دتراگیچ، گوپا و ترسل (۲۰۰۵) و دهسا، دروک و پلخانو (۲۰۰۷) نشان داده‌اند که تورم بر عمق مالی اثر منفی دارد.

آمار و داده‌های مورد استفاده در تحقیق حاضر، مربوط به سال‌های ۲۰۲۰-۲۰۰۴ برای کشورهای منتخب در حال توسعه با نرخ تورم متوسط و بالا (ایران، الجزیره، آذربایجان، بلاروس، برونندی، مصر، اردن، کویت، لبنان، موزامبیک، عمان، پاکستان، تونس و ترکیه)، با توجه به سطح دسترسی به داده‌های آماری است. تجزیه و

تحلیل هم‌انباشتگی و بررسی رابطه کوتاه‌مدت و بلندمدت، روشی مناسب برای بررسی رابطه بین تقارن اطلاعات و کارایی سیستم مالی محسوب می‌شود. تحلیل هم‌انباشتگی در پانل با بررسی آزمون ریشه واحد متغیرهای مورد بررسی شروع می‌شود. اگر متغیرهای پژوهش دارای ریشه واحد باشند آنگاه نتایج تخمین OLS می‌تواند به‌طور کلی اشتباه باشد و اصطلاحاً رگرسیون کاذب ایجاد شود. برای جلوگیری از رگرسیون کاذب از آزمون هم‌انباشتگی استفاده خواهد شد. اگر آزمون هم‌انباشتگی حاکی از وجود رابطه هم‌انباشتگی باشد، در این صورت مشکل رگرسیون کاذب حل می‌شود. برای بردار هم‌انباشتگی بلندمدت با استفاده از روش‌های حداقل مربعات پویا (DOLS) و مربعات کاملاً اصلاح شده (FMOLS) و میانگین گروه تلفیقی (PMG) می‌توان استفاده کرد. در این پژوهش برای تخمین رابطه بلندمدت از روش FMOLS و برای برآورد رابطه کوتاه‌مدت از روش گشتاورهای تعمیم‌یافته (GMM) استفاده خواهد شد.

در این تحقیق به این پرسش اصلی پرداختیم که اثر نرخ تورم در اثرگذاری عدم تقارن اطلاعات بر کارایی سیستم مالی چگونه خواهد بود. برای این منظور بر اساس نرخ تورم کشورهای مورد مطالعه با نرخ تورم متوسط و بالا در نظر گرفته شده‌اند و با استفاده از داده‌های ۲۰۲۰-۲۰۰۴ به روش گشتاور تعمیم‌یافته و حداقل مربعات کاملاً اصلاح شده مدل تحقیق برآورد شده است. نتایج تجربی مبین آن است که در کشورهای با نرخ تورم متوسط و بالا، با افزایش نرخ تورم، اثر منفی عدم تقارن اطلاعات بر کارایی سیستم مالی هم در کوتاه‌مدت و هم در بلندمدت افزایش می‌یابد.

بررسی اثر متغیرهای سیاسی-اقتصادی بین‌المللی بر تورم مواد غذایی در ایران

دکتر مهدی شعبان‌زاده خوشرودی، عضو هیئت‌علمی مؤسسه پژوهش‌های برنامه‌ریزی، اقتصاد کشاورزی و توسعه روستایی دومین مقاله منتخب در این بخش از همایش توسط دکتر مهدی شعبان‌زاده خوشرودی، استادیار مؤسسه پژوهش‌های برنامه‌ریزی، اقتصاد کشاورزی و توسعه روستایی، به شرح زیر ارائه شد. ایران در بین پنجاه کشور بزرگ واردکننده مواد غذایی جهان قرار دارد و بخش مهمی از نیازهای مصرفی به‌خصوص در رابطه با محصولات استراتژیک را از طریق واردات تأمین می‌کند (واردات ۱۴,۹ میلیارد دلار محصولات و نهاده‌های کشاورزی و رتبه سی‌ویکم در سال ۲۰۲۱). اگرچه درجه باز بودن اقتصاد ایران قابل توجه نیست، اما با توجه به این حجم از واردات طبیعی به نظر می‌رسد آثار تحولات سیاسی-اقتصادی بین‌المللی تأثیرگذار بر بازار جهانی مواد غذایی به بازار داخلی سرایت و با افزایش قیمت مواد غذایی، سطح رفاه مصرف‌کنندگان را تحت تأثیر قرار دهد. بر این اساس مطالعه حاضر به بررسی این موضوع پرداخته است که چه میزان از افزایش قیمت مواد غذایی در بازار جهانی به بازار داخلی سرایت می‌کند؟ چه گروه‌های کالایی بیشترین تأثیر را از افزایش قیمت‌های جهانی می‌پذیرند؟ از میان مؤلفه‌های داخلی و بین‌المللی کدام مؤلفه بیشترین اثرگذاری را بر تورم مواد غذایی دارد؟

جهت پاسخگویی به این پرسش‌ها، ابتدا شاخص ماهانه ناهنجاری قیمت مواد غذایی (IFPA) به تفکیک گروه‌های کالایی مواد غذایی برای دوره زمانی ۱۴۰۱:۱۲-۱۳۸۳:۱ محاسبه و تحلیل شد. سپس با استفاده از روش هم‌انباشتگی جوهانسون - جوسلیوس تأثیر قیمت جهانی مواد غذایی در کنار متغیرهای نرخ ارز و حجم پول بر شاخص IFPA مورد بررسی قرار گرفت.

نتایج نشان داد بیشترین ناهنجاری قیمت مواد غذایی در ایران مقارن با وقوع بی‌ثباتی در بازارهای جهانی و تشدید تحریم‌های بین‌المللی علیه ایران اتفاق افتاده است. ضمن آن‌که ناهنجاری قیمت در میوه و خشکبار و همچنین سبزیجات و حبوبات که به لحاظ تأمین عمدتاً وابستگی کمتری به واردات دارند، نسبتاً کمتر بوده است. در مقابل ناهنجاری بالای قیمت مواد غذایی در ایران عمدتاً مربوط به روغن‌ها و چربی‌ها، نان و غلات، گوشت و فرآورده‌های آن، قند، شکر و شیرینی و نوشیدنی‌ها و سایر محصولات خوراکی است که یا مستقیماً وارد کشور می‌شوند و یا تولید آن‌ها منوط به خرید و واردات نهاده از بازارهای جهانی است. در نهایت نیز بر اساس نتایج الگوی هم‌انباشتگی، اگرچه نرخ ارز و حجم پول بر ناهنجاری قیمت مواد غذایی اثر مثبت و

معنی دار دارند، با این حال شاخص قیمت جهانی غذا نسبت به سایر متغیرها بیشترین اثرگذاری را بر ناهنجاری قیمت مواد غذایی در ایران دارد.

با توجه به وابستگی ایران به واردات مواد غذایی، بحران‌های جهانی از هر منبعی که باشند می‌توانند به ناهنجاری قیمت مواد غذایی در ایران منجر شوند. با توجه به شرایط آب و هوایی کشور خودکفایی در تولید این محصولات امکان‌پذیر نیست؛ بنابراین برای حفظ امنیت غذایی در کشور تداوم واردات این محصولات امری اجتناب‌ناپذیر است. در این خصوص با توجه به شرایط تحریمی کشور، در کنار استفاده از ظرفیت شرکت‌های خصوصی، افزایش و تکمیل به‌موقع ذخایر استراتژیک به‌خصوص در زمینه نهاده‌ها، توسط شرکت‌های مباشر دولتی لازم است مورد توجه قرار گیرد. ضمن این‌که فرآیند تخصیص و تأمین ارز از سوی بانک مرکزی باید مستمر و به‌گونه‌ای باشد که واردکنندگان بتوانند کالاها را در پیک عرضه و کف قیمت جهانی خریداری نمایند.

افزایش نرخ ارز اثر قابل‌توجهی بر ناهنجاری قیمت مواد غذایی در ایران دارد. به‌عبارت‌دیگر این‌گونه استنباط می‌شود که سیاست یارانه ارزی در رسیدن به اهداف موردنظر خود ناموفق بوده است. بنابراین پیشنهاد می‌شود که سیستم چند نرخ فعلی متوقف و از سیستم ارز شناور مدیریت‌شده استفاده شود. برای کاهش نوسانات نرخ ارز در قالب این سیستم، تغییر نگرش نسبت به سایر متغیرهای کلان اقتصادی به‌خصوص نرخ بهره امری ضروری است. به‌عنوان مثال در شرایط حاضر با توجه به آن‌که نرخ وام و سپرده بسیار کمتر از نرخ تورم است این مسئله، ضمن زیان‌ده نمودن بانک‌ها، تورم را تقویت می‌نماید. لذا باید همگام با تک‌نرخ شدن نرخ ارز، نرخ وام و سپرده هم افزایش یابد. در سالیان اخیر به بهانه تخصیص ارز ارزان قیمت به نهاده‌ها و کالاهای کشاورزی، کنترل شدیدی در خصوص قیمت‌ها به‌خصوص قیمت مواد غذایی اساسی انجام شده است. این امر در برخی مواقع ممکن است ناهنجاری را به‌طور موقت مهار کند، اما تداوم اجرای آن در بلندمدت پیامدهای منفی فراوانی به همراه دارد. اولین پیامد این موضوع کاهش قدرت بانک مرکزی در جمع‌آوری نقدینگی است. زیرا نرخ ارز به قیمت به‌مراتب پایین‌تر از قیمت واقعی در اختیار واردکنندگان قرار می‌گیرد. از سوی دیگر ضمن هدر رفت منابع ارزی، با کاهش انگیزه تولید، سرمایه‌گذاری کاهش، تولید تضعیف و در نهایت فقر و نابرابری افزایش می‌یابد.

متغیر دیگری که در بلندمدت در جهت کنترل و کاهش ناهنجاری قیمت‌ها باید بر آن تأکید شود، حجم پول است. علت اصلی رشد حجم پول در ایران کسری بودجه دولت است. دولت به‌منظور جبران کسری همواره با

سیاست‌های پولی و مالی انبساطی و استقراض از بانک‌ها و صندوق توسعه ملی، عرضه پول را افزایش داده است. در این رابطه برای کاهش تورم، کسری بودجه باید کاهش یابد. کاهش یارانه‌های غیرهدفمند انرژی می‌تواند اقدامی مؤثر در این جهت باشد. اگرچه این امر در کوتاه‌مدت بر فشارهای تورمی می‌افزاید، اما بخش‌های فقیر جامعه را می‌توان از طریق اعطای کمک‌های نقدی و بسته‌های غذایی هدفمند حمایت نمود. کاهش وابستگی به درآمدهای نفتی و افزایش درآمدها از سایر منابع از طریق شناسایی مالیات‌دهندگان جدید، گسترش پایه مالیاتی، حذف معافیت‌های مالیاتی و مدیریت بهتر دارایی‌های عمومی، دیگر پیشنهادات در جهت کاهش کسری بودجه دولت می‌باشند.

حکمران و فریدمن، تورم و پول: از کدام تورم حرف می‌زنیم؟

دکتر محمدعلی ابوترابی، عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

سومین ارائه‌دهنده بحث در این بخش از پنل را دکتر محمدعلی ابوترابی، عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، بر عهده داشت و مباحث خود را به شرح زیر عنوان نمود.

تورم دورقمی مستمر مازمن پایدار برای چندین دهه در ایران، انگیزه اقتصاددانان ایرانی برای آزمودن رابطه پول و تورم، و در صورت رد آن، یافتن علت‌های جایگزین برای تورم بوده است. در برخی از این تلاش‌ها (به‌ویژه، در یک دهه اخیر)، رابطه علی از پول به تورم (آن‌چنان‌که نظریه مقداری پول ادعا می‌کند) به صورت پایدار تأیید نشده یا حداقل در مقاطعی علیت معکوس مشاهده شده است. بر این اساس، برخی اقتصاددانان ایرانی ادعا می‌کنند که در کوتاه‌مدت پول علت تورم نیست، و رابطه ادعا شده توسط فریدمن و پول‌گرایان تنها در بلندمدت برقرار است. برخی دیگر، ادعا می‌کنند که این رابطه علی دوسویه است. آزمون این ادعاها، که در تضاد با پولی‌بودن تورم هستند، دلالت‌های بسیار مهمی خواهد داشت. باین حال، نکته مهمی که کم‌تر مورد توجه قرار گرفته، آن است که حکمرانان ایران در طول حدود ۵۰ سال گذشته تلاش کرده‌اند با استفاده گسترده از انواع ابزارهای سرکوب مالی، و حتی با سرکوب مستقیم قیمت‌ها، تورم را پایین‌تر از آنچه باید باشد نگه دارند. بدیهی است که نرخ تورم رسمی اعلام شده، که برآیند علت (های) واقعی تورم و نیز انواع سرکوب‌ها است، علامت‌دهی مناسبی ندارد و نمی‌تواند رفتار عواملان اقتصادی در ایران را به‌خوبی تبیین کند. پیامد جانبی این استراتژی، آن است که هنگامی که امکانات سرکوب کردن فراهم باشد، پیوندهای مورد انتظار (به لحاظ تئوریک) میان متغیرهای اسمی (قیمت‌های کلیدی اقتصاد کلان و کل‌های پولی) مشاهده نشوند؛ اما هنگامی که «مرز امکانات سرکوب کردن» به‌طور ناگهانی محدود شود، قیمت‌ها در بازارهای گوناگون اقتصاد کلان با شوک‌های بزرگی مواجه شوند؛ بدون این‌که تغییر قابل توجهی در کل‌های پولی اتفاق افتاده باشد.

بنابراین، یک نرخ تورم غیرقابل مشاهده در اقتصادی مانند اقتصاد ایران که درجه سرکوب مالی در آن شدید است، وجود دارد. این نرخ که ما آن را «تورم سایه» می‌نامیم، هرچند غیرقابل مشاهده است، اما علامت‌دهی درستی داشته و رفتار عواملان اقتصادی در ایران را به‌خوبی تبیین می‌کند. برآورد این نرخ به سال پایه، بسیار حساس است. در این راستا، با انتخاب سال‌های مختلف به‌عنوان سال پایه، نشان دادیم که سال دقیق شروع سرکوب مالی در ایران ۱۳۵۱ (۱۹۷۲) است. با برآورد نرخ ارز سایه و سپس نرخ تورم سایه با استفاده از

رهیافت «قدرت برابری خرید»، نرخ ارز سایه ایران در سال ۱۴۰۰، برابر با ۸۴۴,۰۰۰ ریال و میزان تورم سرکوب شده انباشته شده (با گرفتن این که در مقاطعی بخشی از سرکوب‌های انباشته شده تخلیه شده‌اند) ۱۱۶۰ درصد برآورد گردید (سطح عمومی قیمت‌ها بدون در نظر گرفتن سرکوب برابر با ۵۸۹۷۵۲ و با لحاظ کردن سرکوب‌های انباشته شده برابر با ۷۴۳۳۲۳۱ شده است). به بیان دیگر، در صورت آزادسازی کامل یک‌شبه، ۱۱۶۰ درصد به تورم رسمی اعلام شده امروز اقتصاد ایران افزوده خواهد شد. در واقع، آنچه در اقتصاد ایران لجام‌گسیخته است، چاپ پول است؛ در حالی که تورم، ارز و سایر قیمت‌های کلیدی اقتصاد کلان، سرکوب شده هستند. در ادامه، با برآورد و لحاظ کردن درآمد دائمی برای ایران، آزمون علیت پول-تورم در چارچوب رهیافت خودبازگشت تصحیح خطای برداری انجام شد. یافته‌ها نشان می‌دهند که در کوتاه‌مدت و حتی در بلندمدت، پول علت تورم نشده و علیت معکوس قوی از تورم به پول وجود دارد. در مقابل، پول در کوتاه مدت و بلندمدت، علت قوی تورم سایه است و رابطه علی معکوس مشاهده نمی‌شود.

همان‌گونه که رایکلین، ترنر و وودفورد (۲۰۱۳) تبیین کرده‌اند، اگر شما یک محرک بودجه‌ای به اقتصاد تزریق کنید در شرایطی که بانک مرکزی برای چندین سال پایبند به پایین نگه‌داشتن نرخ بهره شده است؛ که این پایبندی با هدف‌گذاری یک سطح مشخص از قیمت‌ها یا یک سطح از تولید ناخالص داخلی تضمین می‌شود، و قبول داشته باشید که امکان افزایش پسینی پایه پولی به صورت دائمی وجود دارد؛ آن‌گاه شما یک استراتژی دارید که اساساً بسیار نزدیک به پول هلی کوپتری برنانکی است، اما بدون تابوی اقتصاد سیاسی استفاده از آن.

بر پایه این واقعیت‌ها، این رفتار سیاست‌مداران و سیاست‌گذاران اقتصادی در ایران، در واقع، در قالب یک استراتژی بقا محور (Survival-oriented strategy) قابل فهم است؛ در حالی که توسعه اقتصادی نیازمند یک استراتژی رشد محور (Growth-oriented strategy) است و لازمه یک استراتژی رشد محور، پرهیز از ایجاد هرگونه انحراف در قیمت‌های نسبی، به‌ویژه از طریق سرکوب کردن است.

در نهایت، به‌عنوان یک دلالت سیاستی کلیدی باید گفت که: این حکمران است که با چاپ پول بیش‌تر، ارزش آن را کاسته و تورم ایجاد می‌کند. در ادامه، برای پنهان کردن این پیامد نامطلوب، دست به انواع سرکوب‌ها می‌زند. سپس، برای رفع موقتی انواع نامتوازنی‌های ایجاد شده ناشی از این سرکوب‌ها، دوباره اقدام به چاپ پول بیش‌تر و بیش‌تر کرده و به تورم‌های بالاتری دامن می‌زند. هرچند با سرکوب کردن، تورم کم‌تر دیده

می شود، این سرکوب‌ها ناپدید نشده، بلکه انباشته می شوند؛ تا در زمانی که شاید برای حکمران، نامطلوب یا برنامه‌ریزی نشده باشد، آزاد شوند.

اقتصاد درگیر پدیده‌ای به اسم «تودرتوی نهادی» شده است که کارکرد آن ظرفیت‌سازی برای تولید نیست

دکتر علی ترکمانی، عضو هیئت علمی مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی

دکتر علی ترکمانی، عضو هیئت علمی مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی، که به جانشینی دکتر احمد تشکینی، رئیس مرکز مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی، در این نشست حضور داشتند به‌عنوان اولین سخنران، در خصوص مقالات ارائه شده و عنوان اصلی این نشست مباحث خود را عنوان کردند. در ابتدا ایشان با ابراز خوشحالی از اینکه به نمایندگی از رئیس مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی، دوست و همکار گرامی آقای دکتر تشکینی در این بخش از همایش حضور دارند، اظهار داشتند از بحث‌هایی که شد استفاده بردم، نکات خیلی خوبی دوستان مطرح کردند. در مقاله‌ای که آقای دکتر عیسی‌زاده ارائه کردند، رابطه تورم با عدم تقارن اطلاعات و کژمنشی و کژگزینی، به نظر می‌رسد که اصل بحث، مورد تأیید است. اصل بحث این است که متأسفانه در اقتصاد ما مسئله‌ای به نام مخاطرات اخلاقی افزایش پیدا کرده و این یک چیز کاملاً ملموسی است. از پزشکی که پول زیرمیزی می‌گیرد و پزشکی که تجویز نادرست ارائه می‌کند، تا قراردادهایی که در آن انواع و اقسام تخلفات وجود دارد. حالا حرفه پزشکی را عرض می‌کنم برای اینکه یک تقدسی دارد و انتظار خاصی از آن می‌رود. وقتی که این حرفه درگیر مسئله مهمی به نام مخاطرات اخلاقی شود و پزشک از جهل اطلاعاتی و ناتوانی اطلاعاتی پزشکی بیمار بخواهد سوءاستفاده کند، موارد دیگر جای خود دارد. دکتر ترکمانی در ادامه بیان کرد که مسئله این است که تورم بلندمدت ما تقریباً روی ۲۳، ۲۴ درصد است. تا قبل از تحریم اگر حول و حوش ۱۸، ۱۹ درصد بود، الآن میانگین سالیانه یک جهشی پیدا کرده و طبیعی است که روی یک مسئله بسیار مهم و اثرگذاری روی رفتارهای اجتماعی ما تأثیر می‌گذارد و این فقط تجربه ما نیست. همه‌جا در دنیا هست. وقتی تورم به یک پدیده ساختاری مزمن و بلندمدت تبدیل شود، روی اخلاق اجتماعی هم تأثیر می‌گذارد. سرمایه اجتماعی را هم تخریب می‌کند. سرمایه اجتماعی که تخریب شود، با بگروبیند هم، مسئله حل نمی‌شود، نه شرکت‌ها می‌توانند از طریق قراردادها مسئله ملاحظات و کژمنشی و کژگزینی را حل کنند، نه می‌توانند مثلاً برای هر نیروی کار یک نگهبان بگذارند که ببینند او چه کار می‌کند و چه کار نمی‌کند. به این ارتباط اساساً سلامت اجتماعی جامعه در معرض تهدید قرار می‌گیرد. پیشبرد پروژه‌های توسعه در سطوح مختلف، درگیر چالش‌های خیلی جدی می‌شود. در مقاله اول در حوزه بحث‌های مالی و بازار بورس و مصادیقش که خیلی زبانزد و معروف است، نکات ریزتری مطرح کردند که برای خود من جالب بود.

در زمینه مقاله دوم ارائه شده این عضو هیئت علمی مؤسسه مطالعات بازرگانی بیان کرد: برای توزیع تورم در ایران که قیمت کالاهای وارداتی بود، ارز و انتشار پول اشاره شد، عنوان مقاله با آن مباحث عنوان شده باهم متفاوت است. عنوان مقاله هست: بررسی اثر متغیرهای سیاسی - اقتصادی بین‌المللی بر تورم مواد غذایی در ایران. اگر این را یک دوره بلندمدت بگیریم، به طور مثال ۲۰ سال تا ۳۰ سال، کشورهای زیادی بودند که در همین دوره تورم‌های سه‌رقمی داشتند. ترکیه تا دهه ۱۹۸۰، تورم ۱۲۰، ۱۳۰ درصدی هم داشته، اگر این ماه‌های اخیر که دوباره درگیر تورم بالا شده را کنار بگذاریم، تقریباً از ۱۹۸۶، ۱۹۸۷ با یک شیب تند تورم را کنترل می‌کند. چین و مکزیک نیز به همین روال تورم را کنترل کرده‌اند. اکثر کشورها در دهه ۷۰ تا نیمه‌هایی از دهه ۸۰، یعنی دهه ۶۰، ۷۰ همان سال‌هایی که تورم در اروپا و آمریکا هم مطرح می‌شود، تورم را تجربه کرده‌اند. آن دوره، دوره تاریخی‌ای است که میانگین تورم اساساً در سطح جهانی بالا است. بعد آن دوره افت شدیدی می‌کند. دکتر ترکمانی با ذکر این سؤال که اگر مسائل بین‌المللی را بخواهیم مبنا قرار دهیم، اتفاقاً تجربه تاریخی متناسب با اقتصاد بین‌الملل نشان می‌دهد که ما هم باید مثل بقیه کشورها عمل می‌کردیم، بیان داشت: تقریباً قریب به قاطبه کشورها توانستند تورم‌شان را کنترل کنند. چین تا ۱۹۹۴ یک تورم ۲۵ درصدی دارد و این تورم را در عرض ۲، ۳ سال تا ۱۹۹۷، ۱۹۹۸، منفی می‌کند. جلوتر هم چین، در چند مقطع، تورم‌های منفی داشته است. همین مثال برای خیلی از کشورهای دیگر است. یک دلیلی اصلی و اساسی آن این است که درست همان زمانی که دنیا به سمت بین‌المللی شدن، حرکت می‌کند و زنجیره‌های ارزش تأمین کالاها و خدمات، وجه مشخصه مهم آن است، آن چیزی که به آن می‌گوییم ادغام‌های درون صنعت در آن رخ می‌دهد، ارتباط اقتصاد ما از زنجیره‌های ارزش جهانی گسسته می‌شود. بنابراین کشورهای دیگر نرخ‌های رشد واقعی‌شان، نرخ‌های رشد بلندمدت قابل قبولی است، سیاست‌های پولی و مالی هم در کنار رشد تکمیل شده و با ظرفیت‌سازی در زنجیره‌ها درگیر می‌شوند.

در خصوص مقاله سوم ارائه شده، دکتر ترکمانی بیان کرد یک نگاه انتقادی به نظریه مقداری پول و بحث فریدمن و تلاشی برای این که رابطه علی می‌تواند از تورم به انتشار پول و رشد نقدینگی باشد، را داشته‌اید. درآمد دائمی را وارد مدل شده و نتیجه گرفته شده که شواهد و آزمون نشان می‌دهد که بحث اصلی رابطه علی از پول به تورم درست است، ولی در ادامه وارد مبحثی شدید که این نکته را نقض می‌کند. وی ادامه داد که این کوتاه‌مدت و بلندمدت، بحث تقویم زمانی نیست. در این بحث معادله مقداری پول، منظور از بلندمدت یعنی این که اقتصاد در اشتغال کامل خودش قرار دارد و بنابراین مادامی که در اشتغال کامل قرار نداشته باشد، یعنی در کوتاه‌مدت است. حالا ممکن است این دوره ۲۰ سال طول بکشد، ممکن است ۶ ماه طول بکشد. اصل بحث این موضوع

است که اقتصاد در سطح امکانات مرزی خود و متناسب با شرایط تاریخی خود قرار دارد یا قرار ندارد؟ اگر قرار نداشته باشد، فرض بر این است که چون ظرفیت‌های خالی وجود دارد، سیاست پولی و مالی انبساطی می‌تواند اثر تورمی کمتری داشته باشد، در نتیجه وقتی به ظرفیت اشتغال کامل نزدیک می‌شویم و به اصطلاح منحنی فیلیپس در حال عمودی شدن است، آن رابطه‌ای که قبلاً وجود داشته نقض می‌شود و در نتیجه سیاست پولی و مالی انبساطی اثر تورمی خواهد داشت. این عضو هیئت علمی مؤسسه مطالعات بازرگانی عنوان نمود که اقتصاد ما به یک معنایی همیشه در کوتاه‌مدت بوده، به این معنی که هیچ‌وقت اقتصاد ما در سطح ظرفیت اشتغال کامل، تولید نکرده است. در عین حال سیاست‌های پولی و مالی انبساطی هم همیشه همراه با تورم بوده، در حالی که می‌توانست همراه با تورم نباشد. ادعای اول بر مبنای میانگین رشد اقتصادی بلندمدت است. میانگین رشد اقتصادی ۱۰ سال اخیر ۱/۵ تا ۲ درصد است. اگر میانگین بعد از انقلاب را بگیریم باز در سطح ۲/۵ درصد است، معنی آن این است که تولید ما یک سوم آن چیزی است که در یک زمان بلندمدت، می‌توانست رشد کند، رشد کرده است. در این حالت زمانی که پولی به این اقتصاد تزریق می‌شود، تبدیل به تورم خواهد شد. ممکن است این اتفاق به علت جنگ یا به خاطر تحریم و یا به خاطر سوء مدیریت در تعریف و اجرای پروژه‌های سرمایه‌گذاری باشد. این عوامل باعث می‌شود که به اندازه‌ای که پول به اقتصاد تزریق می‌شود، ظرفیت تولیدی که در آن باید به معنای کوتاه‌مدت رشد کند، رشد نمی‌کند و در نتیجه تبدیل به فشارهای تورمی می‌شود. این عضو هیئت علمی ضمن اشاره به پروژه‌های ناتمام ملی ادامه داد منحنی عرضه کل به جای اینکه بزرگ شود، حرکتش بطئی بوده ولی منحنی تقاضای کل، متناسب با تزریق پول، رشد قابل توجهی داشته است، گفت: اگر پروژه‌های ملی درست تعریف و اجرا می‌شد، به ظرفیت‌های تولیدی افزایش یافته تبدیل می‌شد و در این صورت به ازای همان پولی که به اقتصاد تزریق شده، رشد تولید ناخالص داخلی ما افزایش یافته و منحنی عرضه ما دو برابر آن چیزی بود که اکنون است و در نتیجه با همان منحنی تقاضا، سهم تورم می‌توانست خیلی کمتر شود.

دکتر ترکمانی سپس با اشاره به مباحث مربوط به ضریب فزاینده و تعریف آن، بیان کرد که خلق نقدینگی و خلق کسری بودجه در اقتصاد ما یک پدیده درون‌زاد شده است. وی در خاتمه با عنوان اینکه در تمام برنامه‌های توسعه، ترجیح‌بند این است که کسری بودجه باید کنترل شود ولی این اتفاق نمی‌افتد، توضیح داد اقتصاد ما درگیر پدیده‌ای به اسم تودرتوی نهادی شده است و یک دستگاه بزرگ شکل گرفته که کارکرد آن این است که از بودجه بخورد و کارکرد آن انباشتی و ظرفیت‌سازی برای تولید نیست. نیاز به این داریم که این سیستم درون‌زادی که شکل گرفته و موجب می‌شود که این خلق پول به این صورت شکل بگیرد متوقف شود.

تورم هیچ زمان و هیچ کجا پدیده پولی نبوده است

دکتر علی نصیری اقدم، عضو هیئت علمی دانشگاه علامه طباطبایی و عضو کمیته علمی همایش

دکتر علی نصیری اقدم، عضو هیئت علمی دانشگاه علامه طباطبایی و عضو کمیته علمی همایش، به عنوان سخنران دوم این نشست با بیان اینکه از نظر من، تورم یک پدیده توزیعی است و دارای آثار توزیعی است، ادامه داد این تعارض منافع است که باعث می شود تورم شکل بگیرد، پایدار شود و در اقتصاد، اثر بگذارد. به طور مثال سهامدار می خواهد حاشیه سودش را حداکثر کند، اما حاضر نیست برای آنکه آن توزیع سود حداکثر شود، دستمزد را افزایش دهد. انحصارگر می تواند قدرت قیمت گذاری داشته باشد و این قیمت ها می تواند بالاتر از قیمت رقابتی تا جایی که تقاضا جواب می دهد، افزایش یابد و این حاشیه های سود توان این را دارند که در کل اقتصاد تسری پیدا کنند. انواع دیگری از تعارض ها بین گروه های مزد و حقوق بگیر مطرح است. گروهی با چانه زنی، دستمزد خود را اول از همه زیاد می کند، اما نوبت به کارکنان که می رسد، می گویند این منجر به این می شود که حاشیه سود شرکت کم شود و یا در دولت می گویند که این باعث کسری بودجه می شود. اینجا این چانه زنی ها است که هرکسی به اندازه آن قدرت انحصاری که دارد، تلاش می کند قیمت خود را بالا ببرد و نتیجه اینکه اولاً تورم شروع می شود و ثانیاً آثار توزیعی بسیار زیادی در اقتصاد به جا می گذارد. دکتر نصیری اقدم بیان کرد که من جزء کسانی هستم که فکر می کنم تورم چه در کوتاه مدت و چه بلندمدت ریشه در ارز دارد. عده ای منتفع افزایش ارز هستند، چه کسانی منتفع هستند؟ کسانی که درآمدهای ارزی دارند. این ها تلاششان این است که قیمت ارز را بالا ببرند و یک عده دیگری این قدرت را ندارند که جلوی این را بگیرند و وقتی هم که دولت فشار می آورد، می گویند دولت دارد نرخ ارز را سرکوب می کند. نرخ ارز که بالا می رود بالطبع آن و بر اساس یک قانون ابتدایی که در اوایل دروس اقتصاد خوانده ایم، همه قیمت ها پشت آن ردیف می شوند. بنابراین همه قیمت ها خودشان را تعدیل می کنند. بعد آن وقت تازه نوبت به این می رسد که ما برای آن نقدینگی نداریم. آن وقت نقدینگی تازه باید خودش را با این قیمت ها، تعدیل کند. وی با اشاره به اینکه شما می بینید ما سقف نقدینگی هم گذاشتیم ولی تورم پایین نمی آید، اظهار داشت مهم ترین کاری که با محدود کردن ترازنامه ها می شود انجام داد چیست؟ این که هزینه انتقال مالی را در اقتصاد افزایش می دهیم. رکود را در اقتصاد دامن می زنیم. این کاری است که در حال انجام آن هستیم. بنابراین اینجا، مسئله این می شود که قیمت ها بنا به آن تعارض منافع ها بالا رفته است و نقدینگی، خودش را با آن تعدیل می کند. این استاد دانشگاه علامه طباطبایی با توجه به این نکته که هرچقدر پول داشته باشیم، اگر تقاضا نباشد، عرضه و چاپ پول فایده ای ندارد و این پول

باید یک خریدار و خواهانی داشته باشد، عنوان کرد که حالا آن خواهان می تواند دولت باشد، می تواند من و شما باشیم و می تواند شرکت های تولیدی باشند. اینجا دولت پول چاپ نمی کند، بگوئیم دولت، دستگاه چاپ پولش را روشن کرده، چون اینجا دولت وجود ندارد، بانک وجود دارد. بانک است که موتور خلق پول دستش است. او در واکنش به این که چقدر تقاضا هست، تصمیم می گیرد کدام تقاضاها را اجابت کند، کدام تقاضاها را اجابت نکند. بنابراین بانک به این ترتیب دو کار می تواند انجام دهد. ۱- نیاز تراکنشی، نیاز مبادلاتی افراد به نقدینگی را تأمین کند. اما ماقبل این دارد کار دیگری انجام می دهد و آن کار دیگر این است که دارد قدرت خرید جدید ایجاد می کند. هر پولی که در اقتصاد خلق می شود، ابتدا در مرحله اول، قدرت خرید است، در مرحله دوم نیازهای تراکنشی را برطرف می کند. بنابراین آنچه اهمیت دارد این است که در گام اول این پول صرف چه کاری می شود. آیا صرف این می شود که ی کسی بتواند آن را بگیرد و برود با آن خانه بخرد؟ آیا صرف این می شود که یک کسی سرمایه در گردشش را با آن تأمین کند؟ آیا صرف این می شود که پروژه های عمرانی دولت را تأمین مالی کند؟ آنچه این پول صرف آن می شود، اقتصاد ما را شکل می دهد. می خواهیم بگوئیم که اینجا اتفاقاً به تورم ربط ندارد به رشد ربط دارد. دکتر نصیری اقدام با بیان اینکه پول خنثی نیست، اظهار کرد که شومپیتر در این خصوص مفصل صحبت کرده است. در واقع ایشان یک جملاتی دارد مثلاً یکی از جملاتش این است که اصلاً ما کارآفرین غیر بدهکار نداریم. از نظریه شومپیتر آنچه در ایران ما می شناسیم، نظریه کارآفرینی او است، اما نظریه شومپیتر، همان نظریه دوقلو است. پول آن یک طرف و کارآفرین هم یک طرف دیگر است. ما چرا کارآفرین را گرفتیم، پول را رها کردیم؟ شما اگر می خواهید کارآفرین داشته باشید، باید پول را برایش اهرم کنید. وی ادامه داد: شما یک کارخانه سیمان می خواهید بزنید، امروز احداثش می کنید، کلیدش را می زنید، پنج سال دیگر به بهره برداری می رسد، و ممکن است شش سال دیگر به فروش برسد تا شما به درآمد برسید. این ۶ سال چه طور باید پر شود؟ در مفهوم ترازنامه ای هر پولی سمت چپ دارید، سمت راست یک دارایی دارد. بنابراین برای هر پولی که بعد از آن مرحله اول، خلق شد، یک دوقلویی به نام دارایی وجود دارد. وی با بیان این نکته که بنابراین پول که ایجاد شد و دارایی به آن چسبید دیگر نقدینگی نمی شود هدایت کرد ولی اعتبار را می توان هدایت کرد چون این در اختیار بانکها است و این است که ما می گوئیم بانکها، بانک مرکزی به عنوان مهم ترین سیاست، باید هدایت اعتبار داشته باشد.

دکتر نصیری اقدام با اشاره به مباحث چارلز گودهارت که سالهای سال در بانک مرکزی انگلستان کار کرده و هیئت علمی LSE (The London School of Economics and Political) بوده، گفت که وی در زمان تاجر در

انگلستان، عنوان نموده که این حرف‌های فریدمن را دور بریزید. گودهارت اخیراً و در سال ۲۰۲۳ در بانک مرکزی اروپا نیز صحبت کرده و بیان کرده که نظریه فریدمن را رها کنید. دکتر نصیری اقدام با طرح این سؤال‌ها که حساب کنیم که در آمریکا تریلیون تریلیون دلار پول خلق شده است، آثار تورمی آن کجاست؟ چرا در سایه نقدینگی زیاد در آمریکا تورم ایجاد نمی‌شود؟ آنجا سرکوب قیمت داشتند؟ دولت مداخله‌گر داشتند؟ کدام یک از این‌ها را داشتند که آنجا نقدینگی زیاد شده اما تورم ایجاد نشده؟ اظهار داشت، باید از خودمان این پرسش را داشته باشیم که شاید تورم ریشه دیگری داشته باشد و مانند من قائل باشیم که تورم هیچ زمان و هیچ کجا پدیده پولی نبوده است.

وی در این نشست و به‌عنوان نکته پایانی در موضوع بحث سرکوب دستمزدها، عنوان کرد: در فرایند چانه‌زنی همه چانه می‌زنند و قیمت‌های خود را بالا می‌برند، شرکت‌های تولیدی و هر کسی توانسته قدرت انحصاری بالاتر داشته باشد، بیشتر آن که قدرت انحصاری کمتر داشته چانه‌زنی نموده است. وی با بیان اینکه کسانی که نتوانسته در این فرایند چانه‌زنی لازم را داشته باشند، نیروی کار بوده‌اند، ادامه داد: نتیجه این شده که دانشگاه‌های شما از هیئت‌علمی خالی شده است و بعد اذعان می‌گویند جلوی کسری بودجه را بگیرید، این، ایجاد نقدینگی می‌کند و نقدینگی هم تورم ایجاد می‌کند. آقای بلانچارد یک توییتی زده است و توضیح می‌دهد که می‌خواهد کتاب اقتصاد کلان خود را بازنویسی کند، وی توضیح می‌دهد که مسئله‌ام این است که تا قبل از این من راجع به نظریه ضریب فزاینده پولی صحبت می‌کردم، راجع به بانکداری ذخیره جزئی صحبت می‌کردم، راجع به پایه پولی و اثر آن بر نقدینگی و از آن کانال بر تورم صحبت می‌کردم، درحالی‌که در حال حاضر مسئله من این است که چرا در انگلستان، ژاپن، آمریکا و اتحادیه اروپا، تریلیون دلار، تریلیون دلار، ذخایر یا همان پایه پولی زیاد شده است، یعنی نقدینگی زیاد شده اما تورم ایجاد نشده است؟ وی می‌گوید این را من چه‌طور توضیح دهم؟ در پاسخ به او پل کروگمن برنده جایزه نوبل اقتصاد، این‌طور جواب می‌دهد: توبین، ۱۹۶۲!

نشست چهارم همایش

چهارمین نشست همایش با موضوع «سیاست‌های مهار تورم» به دبیری دکتر لیلاسادات زعفرانچی و با حضور دکتر مرتضی عزتی، عضو هیئت‌علمی دانشگاه تربیت مدرس؛ دکتر محمد قاسمی ششده، عضو هیئت‌علمی دانشگاه علامه طباطبایی و رئیس مرکز پژوهش‌های اتاق بازرگانی؛ و دکتر مجید کریمی، مدیرکل دفتر مطالعات بازارهای مالی وزارت امور اقتصادی و دارایی برگزار شد. در این پنل، مقالات «ساختارشناسی تورم در اقتصاد ایران؛ درس‌هایی از واقعیات آشکارشده» توسط سرکار خانم‌ها دکتر ژاله زارعی و دکتر ایلناز ابراهیمی، اعضای هیئت‌علمی پژوهشکده پولی و بانکی؛ «بررسی رابطه تورم و رشد اقتصادی در ایران؛ رهیافت فیلتر کالمن و مفهوم روند ضمنی» توسط دکتر میثم حداد و خانم دکتر خدیجه صالحی ابر، سرپرست گروه حساب‌های فصلی دفتر حساب‌های اقتصادی مرکز آمار ایران و کارشناس مرکز آمار ایران؛ و «ارزیابی اثرات اجرای سیاست تسهیل اعتبار جهت تسویه بدهی‌های دولت بر تورم ایران» توسط دکتر محمدمهدی عسگری ده‌آبادی دکتری اقتصاد دانشگاه علامه طباطبایی و دکتر علی نصیری‌ا قدم، عضو محترم هیئت‌علمی دانشگاه علامه طباطبایی ارائه شدند.

نشست چهارم: سیاست‌های مهار تورم ساعت ۱۸:۰۰-۱۶:۳۰	
دبیر نشست: لیلاسادات زعفرانچی، عضو هیئت‌علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی	اعضای پنل: مرتضی عزتی، عضو هیئت‌علمی دانشگاه تربیت مدرس محمد قاسمی ششده، عضو هیئت‌علمی دانشگاه علامه طباطبایی و رئیس مرکز پژوهش‌های اتاق بازرگانی مجید کریمی، مدیرکل دفتر مطالعات بازارهای مالی وزارت امور اقتصادی و دارایی
۱۶:۳۰-۱۶:۴۵	ساختارشناسی تورم در اقتصاد ایران؛ درس‌هایی از واقعیات آشکارشده ژاله زارعی و ایلناز ابراهیمی
۱۶:۴۵-۱۷:۰۰	بررسی رابطه تورم و رشد اقتصادی در ایران؛ رهیافت فیلتر کالمن و مفهوم روند ضمنی میثم حداد و خدیجه صالحی ابر
۱۷:۰۰-۱۷:۱۵	ارزیابی اثرات اجرای سیاست تسهیل اعتبار جهت تسویه بدهی‌های دولت بر تورم ایران محمدمهدی عسگری ده‌آبادی و علی نصیری‌ا قدم
۱۷:۱۵-۱۸:۰۰	اعضای پنل و جمع‌بندی

در ابتدای این پنل تخصصی دکتر زعفرانچی ضمن تشکر از همراهی اساتید و حضار در این همایش، عنوان نمود که پنل نهایی شاید مهم‌ترین جمع‌بندی و نتیجه این همایش یک‌روزه را به همراه داشته باشد. وی سپس از نویسندگان مقالات منتخب پنل چهارم دعوت نمود تا مباحث خود را جهت کسب نظر اساتید حاضر در پنل ارائه کنند.

-

ساختارشناسی تورم در اقتصاد ایران؛ درس‌هایی از واقعیات آشکارشده

دکتر ژاله زارعی، عضو هیئت‌علمی پژوهشکده پولی و بانکی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران

اولین مقاله این پنل توسط دکتر ژاله زارعی، عضو هیئت‌علمی پژوهشکده پولی و بانکی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، به شرح زیر ارائه شد:

تورم از سال ۱۳۹۶ از میانگین بلندمدت خود که تقریباً ۲۰ درصد بوده، فاصله گرفته و به حول و حوش ۴۰ درصد در چند سال اخیر رسیده است. فاصله گرفتن این متغیر از میانگین بلندمدت ۲۰ درصد این متغیر، کنترل آن را به اولویت اول سیاست‌گذاری اقتصادی کشور بالأخص سیاست‌گذاری پولی تبدیل کرده است. اما، انجام هرگونه اصلاحات برای کنترل تورم و هدف‌گذاری آن علاوه بر خواست سیاست‌گذار و وجود پیش شرط‌های لازم در اقتصاد، نیازمند شناخت پویایی‌های تورم، اجزای تشکیل‌دهنده و عوامل تأثیرگذار بر نوسانات آن در طی زمان است تا بتوان نوع گام‌های اجرایی و طبقه‌بندی اولویت آن‌ها را تعیین کرد. تورم در اقتصاد ایران پدیده‌ای چندوجهی است و تحت تأثیر عوامل مختلفی از نیروهای طرف عرضه و تقاضا گرفته تا عوامل سیاسی و معضلات نهادی تعیین می‌شود. به عبارت دیگر، علاوه بر سیاست‌های بانک مرکزی و ابزارهای در دسترس آن نظیر کل‌های پولی، نرخ بهره و نظایر آن، عواملی هستند که بر نرخ تورم اثر گذاشته و از کنترل بانک مرکزی خارج هستند.

این مقاله با هدف شناخت ساختار تورم و رفتار برخی زیربخش‌های تشکیل‌دهنده شاخص قیمت مصرف‌کننده، ابزارهای تحت کنترل بانک مرکزی برای مهار تورم و نحوه برخورد تاریخی این نهاد در انجام این مهم با توسل به این ابزارها، بررسی نقش عوامل سیاسی داخلی و خارجی در نوسانات تورمی اقتصاد ایران، واقعیات نهادی دخیل در شکل‌گیری فشارهای تورمی کشور و سایر واقعیات آشکارشده مرتبط با تورم و نوسانات آن در چند دهه گذشته نوشته شده است. برای این منظور به‌طور خاص، زیربخش‌های مواد غذایی و آشامیدنی‌ها و مسکن و اجاره‌بها و اولویت آن‌ها در کنترل تورم مورد بررسی قرار گرفته است. همچنین، نحوه اثرگذاری نرخ ارز به‌عنوان لنگر کنترل تورم در اقتصاد ایران و نیز ابزار اصلی بانک مرکزی در انجام این مهم مورد واکاوی قرار گرفته و در نهایت نقش عوامل سیاسی داخلی در قالب ادوار تجاری سیاسی و عوامل سیاسی خارجی در چارچوب تحریم‌ها در نوسانات تورمی کشور تبیین شده است. واقعیات آشکارشده تورم و زیربخش‌های آن و

نیز رفتار سیاست‌گذار در طول زمان برای کنترل تورم، حاوی درس‌هایی است که در پایان مقاله با طبقه‌بندی آن‌ها، پیشنهادهایی به منظور برون‌رفت از وضعیت تورمی مزمن حاکم بر اقتصاد ایران ارائه می‌شود.

نتایج این مطالعه و بررسی واقعیات آشکارشده با ارزیابی آمار و ارقام نشان می‌دهد که تورم در اقتصاد ایران:

الف- تنها یک پدیده پولی نیست و علاوه بر عوامل طرف تقاضا، عوامل طرف عرضه نیز بر پویایی‌های آن اثر دارند.

ب- بخشی از مشکلات سمت عرضه به دلیل عوامل نهادی است و محدودیت‌های ساختاری بخش تولید و عرضه به‌مثابه عاملی برای افزایش تورم ایفای نقش می‌کنند که حل و فصل آن‌ها به‌تنهایی از سوی سیاست‌گذار پولی امکان‌پذیر نیست و نیاز به اصلاحات پایه‌ای در قالب برنامه‌های میان‌مدت و بلندمدت توسعه دارد. که از آن جمله می‌توان به موارد ذیل اشاره نمود:

۱- ایران در اقلیمی خشک تا نیمه‌خشک قرار گرفته است از این رو کشتش عرضه در بخش کشاورزی بسیار محدود بوده و ناترازی عرضه و تقاضای مواد غذایی بالطبع وابستگی به واردات برای تأمین امنیت غذایی را به امری اجتناب‌ناپذیر تبدیل کرده است. نتیجه این وابستگی را می‌توان در سرریز اثر افت درآمدهای نفتی و افزایش نرخ ارز بر قیمت مواد غذایی وارداتی و در نتیجه افزایش تورم کل مشاهده کرد.

۲- وجود درآمدهای نفتی در اقتصاد ایران باعث شده است توجه کافی به گسترش پایه‌های مالیاتی در تأمین بودجه دولت نشود و بخش اعظمی از بار مخارج دولت بر دوش درآمدهای حاصل از صادرات نفتی باشد که دو نتیجه را در پی دارد: در سال‌های وفور درآمدهای نفتی، افزایش پایه پولی از ناحیه تبدیل دلارهای نفتی و افزایش ذخایر خارجی بانک مرکزی اتفاق می‌افتد که به دنبال خود فشارهای تورمی را در پی دارد و در سال‌های افت درآمدهای نفتی به دلیل محدود بودن پایه‌های مالیاتی، چاره‌ای به‌جز توسل به منابع بانک مرکزی و افزایش پایه پولی از ناحیه افزایش بدهی دولت به بانک مرکزی نیست که به دنبال خود لاجرم افزایش تورم را در پی دارد.

۳- هرگونه شوک درآمدهای نفتی و بالطبع کسری بودجه دولت خود را در هیبت کاهش بودجه عمرانی و تملک دارایی‌های سرمایه‌ای دولت نشان داده است که نتیجه آن در گذشت سالیان، تحلیل رفتن زیرساخت‌های

کشور در بخش‌های مختلف است. ضعف این زیرساخت‌های عمومی خود باعث تحلیل رفتن زیرساخت‌ها در حوزه‌های نفت، نیرو، راه و نظایر آن مشاهده کرد.

ج- باوجود آن که در بیشتر متون اقتصادی، بر مبنای تئوری‌های رایج اقتصاد بالأخص پولیون، بر رابطه مستقیم بین رشد نقدینگی و تورم در کوتاه‌مدت و بلندمدت تأکید می‌شود ولی در اقتصاد ایران در بسیاری از دوره‌ها بالأخص سال‌های وفور درآمدهای نفتی به نظر می‌رسد این رابطه در کوتاه‌مدت دچار گسست می‌شود و در بیشتر سال‌های دهه ۱۳۸۰ و نیز سال‌های میانی دهه نود قبل از خروج ایالات متحده از توافق هسته‌ای، با وجود نرخ بالای رشد نقدینگی، تورم کل به پایین‌تر از میانگین بلندمدت خود افت کرده است که عمده دلیل آن را می‌توان افزایش درآمدهای نفتی و توسل به واردات برای کنترل تورم داخلی دانست. اما باید توجه کرد که انجام این کار، تنها اثر نقدینگی بر تورم را به تعویق می‌اندازد و سیاست‌گذار باید توجه داشته باشد که به محض کاهش واردات، نیروی نقدینگی اثر خود را بر تورم خواهد گذاشت.

د- وجود ادوار تجاری سیاسی در اقتصاد ایران باعث شده است که در سال‌های منتهی به انتخابات با توسل به ابزارهای مختلف از جمله تثبیت نرخ ارز، نرخ‌های تورم کنترل شود که همین امر احتمال افزایش تورم در سال‌های بعد از برگزاری انتخابات را، به دلایلی همچون عدم امکان تثبیت طولانی مدت نرخ ارز یا کنترل قیمت مواد غذایی در یک بازه زمانی بلندمدت و نظایر آن، تقویت می‌کند.

ه- فارغ از این که چه عاملی موجب افزایش نرخ تورم است، سیاست‌گذار پولی باید با ابزارهای سیاستی در دسترس خود قادر به کنترل آن باشد. در اقتصاد ایران نرخ بهره به عنوان متعارف‌ترین ابزار سیاست‌گذاری پولی چندان مورد استفاده نیست و به دلیل تثبیت آن در بازه‌های زمانی طولانی، از کارایی لازم برای کنترل تورم برخوردار نیست. استفاده سیاست‌گذار از ابزار نرخ ارز و کنترل آن برای کاهش تورم نیز منجر به این شده است که در وهله اول انتظارات تورمی بر اساس این ابزار شکل گرفته و لنگر شود و دوم، به دلیل این که ابزار نرخ ارز تحت تأثیر عوامل بسیاری از جمله شوک‌های روابط سیاسی و درآمدهای ارزی تغییر می‌کند، کنترل آن به صورت تمام و کمال از سوی بانک مرکزی امکان‌پذیر نبوده و در نتیجه کارایی لازم را در بلندمدت برای کاهش تورم نداشته باشد. به این ترتیب شاید بتوان گفت که هر شوک برون‌زایی در عرصه روابط بین‌المللی یا بازار نفت و عواملی از این دست، که منجر به افزایش نرخ ارز می‌شود به منزله شوکی به انتظارات تورمی عمل نموده و همزمان از قدرت ابزار مورد استفاده بانک مرکزی برای کنترل تورم می‌کاهد. نتیجه امر، آسیب‌پذیری شدید سیاست پولی

کشور در برابر شوک‌های برون‌زا است. این در حالی است که ابزار متعارفی همچون نرخ بهره کمابیش به‌طور کامل در اختیار سیاست‌گذار پولی بوده و تحت تأثیر شوک‌های برون‌زا قرار نمی‌گیرد. لذا پیشنهاد می‌شود در کنترل تورم ابزار متعارف سیاست‌گذاری پولی که نرخ بهره یا نرخ سود بانکی است به‌صورت بالفعل و در عمل، تعریف شود و از درجه اتکای سیاست‌گذار به نرخ ارز به‌عنوان ابزاری نامتعارف برای مهار تورم کاسته شود چراکه نرخ ارز به‌شدت تحت تأثیر شوک‌های برون‌زا بوده و درجه تسلط بانک مرکزی بر آن پایین بوده و متأثر از تمایلات سیاست‌گذار مالی و نیز تحولات سیاست خارجی، مسائل ژئوپلیتیک و نظایر آن است. لازم به ذکر است که در سال‌های گذشته با وجود تعریف دلان نرخ سود بانکی از سوی سیاست‌گذار به‌عنوان ابزار سیاست پولی به شکل قانونی، در عمل استفاده از آن بنا به دلایل ذکرشده در مقاله جنبه کاربردی پیدا نکرده است.

و- عوامل ایجادکننده تورم در ایران از دهه‌ای به دهه دیگر متفاوت بوده است، به‌طور خاص تورم در سال‌های انتهایی دهه ۹۰ و سال‌های ابتدایی ۱۴۰۰ اقتصاد شاهد رکود تورمی بوده است درحالی‌که در دهه‌های گذشته علیرغم وجود مشکلات سمت عرضه، این طرف تقاضای اقتصاد بود که عامل اول ایجاد و تداوم تورم تلقی می‌شد. نتیجه این‌که در شرایط فعلی توسل به سیاست‌های صرفاً انقباضی پولی می‌تواند شدت رکود را افزایش دهد و لذا برای برون‌رفت از وضعیت رکود تورمی، علاوه بر سیاست‌گذار پولی، سیاست‌گذار مالی نیز باید با اقدامات مختلف از جمله تسهیل فضای کسب‌وکار، گشایش در روابط بین‌المللی و نظایر آن به خروج از رکود و در ادامه کنترل تورم کمک کند.

ز- واقعیات آشکار شده نشان می‌دهند دو زیرگروه مواد غذایی و مسکن سهم بسیار بالایی از سبد مصرفی خانوار دارند به‌طوری‌که، در ایران حدود ۶۳ درصد از سبد مصرفی خانوار به جمع دو زیرگروه خوراکی‌ها و آشامیدنی‌ها و مسکن، آب، برق و گاز و سایر سوخت‌ها اختصاص دارد. این در حالی است که در بسیاری از کشورهای توسعه‌یافته این سهم کمتر از ۴۰ درصد است. علاوه بر این، درصد تحولات قیمتی زیربخش مواد غذایی نشان‌دهنده بالاتر بودن روند تورم این زیرگروه نسبت به تورم کل در بیشتر سال‌های چند دهه اخیر است. پس لازم است معیار تورمی که باید کنترل شود به شکل دقیق از سوی سیاست‌گذار پولی تعریف گردد چراکه با توجه به سهم بسیار بالای مواد غذایی و مسکن در سبد مصرفی خانوار، تمرکز بر کنترل تورم هسته و غفلت از سهم مواد غذایی در تورم کل، می‌تواند هر تلاشی برای کاهش آن را با شکست مواجه کند.

بررسی رابطه تورم و رشد اقتصادی در ایران؛ رهیافت فیلتر کالمن و مفهوم روند ضمنی

دکتر میثم حداد، سرپرست گروه حساب‌های فصلی دفتر حساب‌های اقتصادی مرکز آمار ایران

دومین مقالهٔ منتخب نشست چهارم همایش توسط دکتر میثم حداد، سرپرست گروه حساب‌های فصلی دفتر حساب‌های اقتصادی مرکز آمار ایران، ارائه شد. نرخ رشد واقعی اقتصادی از بارزترین شاخص‌های عملکرد بخش واقعی اقتصاد یک کشور است. همچنین متغیر تورم به‌عنوان یکی از مهم‌ترین متغیرهای کلان اقتصادی با فعالیت‌های بخش واقعی اقتصاد در تعامل است. با توجه به اینکه دستیابی به نرخ رشد اقتصادی مناسب از مهم‌ترین اهداف اقتصاد کلان است، باید قبل از اجرای هرگونه تصمیم و اتخاذ سیاست در تثبیت تورم، به تأثیر این متغیر بر رشد بخش واقعی اقتصاد هم توجه کافی کرد. با توجه به اینکه اقتصاد ایران در مقایسه با کشورهای پیشرفته در هر دو مقوله رشد و تورم با مشکلاتی روبرو است، تحلیل این بحث حائز اهمیت است.

مطالعات مختلفی در کشورها و گروه‌های کشورهای مختلف صورت گرفته است و از متغیرهای برآوردی و روش‌شناسی متفاوتی در اندازه‌گیری رابطه بین تورم و رشد اقتصادی استفاده شده است. نتایج تجربی و توصیه‌های سیاستی متفاوت و گاهی در تضاد ارائه شده است، از این‌رو مطالعات قبلی از نظر ارائه هرگونه توصیه سیاستی که بتواند به‌طور مداوم در سراسر کشورها اعمال شود، بی‌نتیجه است. به نظر می‌رسد این تفاوت‌ها نتیجه مجموعه داده‌های مختلف، ویژگی‌های خاص کشور و روش‌های مختلف به کار رفته باشد. در بسیاری از مطالعات صورت گرفته بر این موضوع تأکید می‌کنند که تورم رشد اقتصادی را به تأخیر می‌اندازد و بر رشد اقتصادی تأثیر منفی می‌گذارد، با گذشت زمان یک اجماع کلی ایجاد می‌شود که برخلاف سطح بالای قیمت‌ها که ممکن است عدم اطمینان ایجاد کند و عملکرد اقتصادی را مختل کند، تورم متوسط باعث تحریک رشد اقتصادی می‌شود. نتیجه‌گیری و جمع‌بندی در مورد چگونگی اثرگذاری تورم بر رشد اقتصادی به ماهیت و ساختار اقتصاد برمی‌گردد و می‌تواند برای کشورهای مختلف نتایج متفاوتی به همراه داشته باشد. از این‌رو، شناخت چگونگی رابطه بین تورم و رشد اقتصادی مستلزم انجام مطالعات تجربی است که کشور ایران نیز از این امر مستثنی نیست.

در کشور ایران متغیرهای رشد اقتصادی و تورم در طول زمان دستخوش تغییرات زیادی بوده است و تورم همواره یکی از متغیرهای مهم کلان اقتصادی بوده و به‌طور متوسط همیشه مقادیر بالای ۱۰ درصد را تجربه نموده است و رشد اقتصادی نیز در طول زمان همواره با نوسان زیاد همراه بوده است. مطالعات اخیر نشان داده است که کشورهای در حال توسعه به همان اندازه که در معرض احتمال بالای نرخ تورم ناپایدار هستند، در صورت عدم

توجه به موقع، ممکن است مانع رشد اقتصادی و اهداف کاهش فقر شود. بنابراین بررسی رابطه میان این متغیرها می‌تواند به سیاست‌گذاران در طراحی سیاست‌های مناسب اقتصادی یاری رساند.

از این روی در پژوهش حاضر با توجه به مدل برو (۱۹۹۵) به تحلیل رابطه بین تورم و رشد اقتصادی در ایران در قالب مدل‌های سری‌های زمانی ساختاری (STSM) و مدل خودرگرسیون با وقفه‌های گسترده (ARDL) و با در نظر گرفتن متغیرهای موجودی سرمایه، نیروی کار، متغیرهای امید به زندگی، نرخ باسواد، حاشیه نرخ ارز، نرخ تورم و تولید ناخالص داخلی به‌عنوان متغیرهای کنترلی و وضعیت به‌صورت غیرخطی پرداخته شد. در واقع به دنبال آن این سؤال تدوین شد که چه رابطه‌ای بین تورم و رشد اقتصادی وجود دارد؟ همچنین نقطه آستانه تورم با وارد کردن مجذور تورم در مدل به‌منظور اتخاذ سیاست در سطوح مختلف تورم محاسبه شد.

اقتصاد ایران در دوره موردبررسی (۱۳۵۳-۱۴۰۱)، تنها پنج سال تورم تک‌رقمی را تجربه کرده است و در ۴۴ سال تورم دورقمی داشته است. قبل از انقلاب اسلامی از سال ۱۳۵۳ تا ۱۳۵۶ تورم ایران به‌طور متوسط $16/8$ درصد بوده است. در طی سال‌های ۱۳۵۷ و ۱۳۵۸ با انقلاب اسلامی ایران و بروز شوک دوم نفتی در سال ۱۹۷۹ و همچنین کاهش میزان تولید، نرخ تورم ایران به $10/7$ درصد رسید. با شروع جنگ تحمیلی در ایران و اعمال تحریم‌های اقتصادی توسط همه کشورها، نرخ تورم در ایران افزایش یافت به‌طوری‌که در طول دوره هشت‌ساله جنگ، متوسط سالانه نرخ تورم به $19/8$ درصد رسیده است. بعد از جنگ و در پی افزایش درآمدهای نفتی و اجرای سیاست‌های تعدیل ساختاری و همچنین افزایش هزینه‌های دولت در جهت سازندگی کشور روند نرخ تورم تا سال ۱۳۷۲ با روند فزاینده روبرو شد. به‌طوری‌که متوسط سالانه نرخ تورم طی دوره ۱۳۶۸ تا ۱۳۷۲ برابر $18/9$ بوده است. در پی کاهش درآمدهای نفتی از سال ۱۳۷۲ و به همراه آن ناتوانی دولت در مهار نرخ ارز و همچنین افزایش مخارج دولت، شوک تورمی در سال ۱۳۷۴ با نرخ تورم بیش از ۴۹ درصد رخ داد که بالاترین نرخ تورم در طی دوره بررسی است. اقتصاد ایران بعدازآن با افزایش نسبی درآمدهای نفتی، اتخاذ سیاست تثبیت نرخ ارز، کنترل قیمت‌ها و تحدید واردات منجر به کاهش نرخ تورم در سال ۱۳۷۵ به رقم $23/2$ درصد شد و به‌گونه‌ای پیش رفت که در سال ۱۳۷۶ نرخ تورم به $17/3$ درصد رسید. در سال ۱۳۷۷ نرخ تورم به $18/1$ درصد افزایش یافت که از دلایل عمده آن می‌توان به افزایش نرخ نقدینگی و به همراه آن افزایش تقاضای کل و همچنین کاهش درآمد ارزی و کسری بودجه اشاره کرد. در سال ۱۳۷۸ در پی افزایش قیمت نفت سطح عمومی قیمت‌ها نسبت به سال ماقبل افزایش یافت و نرخ تورم ایران به $20/1$ درصد رسید.

در سال‌های ۱۳۷۹ و ۱۳۸۰ با تشکیل حساب ذخیره ارزی، اقتصاد ایران متوسط نرخ تورم ۱۲ درصد را تجربه کرد. در طی سال‌های ۱۳۸۱ تا ۱۳۸۳ نرخ تورم به دلیل سیاست‌های ناهماهنگ کنترل قیمت‌ها و همچنین بی‌انضباطی مالی صورت گرفته توسط بنگاه‌های بزرگ و انحصارگران به متوسط سالانه ۱۵/۶ درصد رسیده است. نرخ تورم در سال ۱۳۸۴ به دلیل افزایش واردات کالاهای مصرفی و اجرای طرح تثبیت قیمت‌ها به ۱۰/۴ درصد کاهش یافت. انتظارات تورمی و نقدینگی انباشته‌شده از سال‌های قبل باعث افزایش نرخ تورم به رقم ۱۱/۹ درصد در سال ۱۳۸۵ شد. افزایش شدید حجم نقدینگی، سیاست‌های انبساطی پولی و برداشت بی‌رویه از حساب ذخیره ارزی باعث افزایش نرخ تورم به رقم ۱۸/۴ درصد در سال ۱۳۸۶ شد. تورم بخش مسکن دلیل اصلی افزایش نرخ تورم به رقم ۲۵/۴ درصد در سال ۱۳۸۷ است. در سال ۱۳۸۸ نرخ تورم به ۱۰/۸ درصد رسید و از شایع‌ترین دلایل آن کنترل نقدینگی و سامان‌دهی بازار غیرمتمشکل است. در سال ۱۳۸۹ نیز به دلیل افزایش نرخ رشد نقدینگی، نرخ تورم ۱۲/۴ درصد شده است.

با تشدید تحریم‌های اقتصادی به دلیل عدم موافقت با برنامه هسته‌ای ایران، نرخ تورم از سال ۱۳۹۰ تا سال ۱۳۹۲ به‌طور متوسط سالانه ۲۸/۹ درصد افزایش داشت. با شروع مذاکرات هسته‌ای از سال ۱۳۹۳ و کاهش تورم انتظاری، متوسط نرخ تورم در سال‌های ۱۳۹۳ و ۱۳۹۴ به رقم ۱۳/۷ درصد کاهش یافت. با امضای برجام، موافقت آمریکا با برنامه هسته‌ای ایران و به همراه آن کاهش تحریم‌های نفتی در سال ۱۳۹۵ نرخ تورم ۹ درصد شد. در سال ۱۳۹۶ نیز این روند ادامه داشت و با ثبت نرخ تورم ۹/۶ درصد، اقتصاد ایران نرخ تورم تک‌رقمی خود را بازمی‌تجربه کرد. با خروج آمریکا از برجام در سال ۱۳۹۷ و تشدید تحریم‌های آمریکا و کشورهای اروپایی علیه ایران، نرخ تورم تا سال ۱۴۰۱ به‌صورت پایدار و مزمین افزایش یافت به‌طوری‌که متوسط سالانه طی سال‌های ۱۳۹۷ تا ۱۴۰۱ به رقم ۴۲/۵ درصد رسیده است. لازم به ذکر است تحریم‌های نفتی، بانکی و صادراتی ایران به دلیل خروج آمریکا از برجام دلیل اصلی افزایش نرخ تورم طی دوره ۱۳۹۷ تا ۱۴۰۱ است. همچنین دلایل دیگری مانند افزایش نرخ نقدینگی، کسری بودجه و افزایش نرخ ارز در این دوره (۱۳۹۷-۱۴۰۱) نیز حائز اهمیت هستند.

در مورد رشد اقتصادی ایران طی دوره مورد مطالعه (۱۳۵۳-۱۴۰۱) نیز می‌توان جمع‌بندی مشابهی ارائه کرد. روند تولید ناخالص داخلی ایران در دوره ۱۴۰۱-۱۳۵۳ فراز و نشیب‌های زیادی را تجربه کرده است. قبل از انقلاب اسلامی از سال ۱۳۵۳ تا ۱۳۵۶ نرخ رشد اقتصادی ایران به‌طور متوسط سالانه ۲/۶ درصد بوده است که ناشی از فروش نفت در این دوره است. در دوره ۱۳۵۸-۱۳۵۷ متوسط رشد بسیار پایین بوده است که بخشی از آن به دلیل وقوع انقلاب و عدم کارایی دولت در هزینه کردن درآمدهای نفتی بوده است.

در طی دوران جنگ تحمیلی (۱۳۵۹-۱۳۶۷)، تحریم‌های اقتصادی، کاهش درآمدهای نفتی و درهم ریختن ساختار تولیدی موجب نوسانات رشد اقتصادی در این دوره شد و متوسط رشد سالانه این دوره را منفی ۱/۶ درصد رساند. در طی سال‌های بعد از جنگ و در طی برنامه اول توسعه (۱۳۶۸-۱۳۷۲) میزان رشد اقتصادی به‌طور متوسط سالانه ۱۰/۳ درصد - باتوجه‌به افزایش درآمدهای نفتی - محقق شد.

در برنامه دوم توسعه (۱۳۷۴-۱۳۷۸) متوسط سالانه نرخ رشد اقتصادی به حدود ۱/۱ درصد رسید و از دلایل اصلی می‌توان به افزایش انتظارات تورمی، تداوم وضعیت نامساعد بازار نفت و ادامه رکود جهانی اشاره کرد. در برنامه سوم توسعه (۱۳۸۳-۱۳۷۹) با توجه به نوسانات نسبی قیمت نفت و تحولات سیاسی حوزه خلیج فارس، اقتصاد ایران رشد اقتصادی بالاتر از ۵ درصد را تجربه نکرد. در طی سال‌های برنامه چهارم توسعه (۱۳۸۴-۱۳۸۸) تولید ناخالص داخلی به‌طور متوسط سالانه ۴ درصد رشد داشته است.

در برنامه پنجم توسعه (۱۳۹۰-۱۳۹۴) به دلیل تحریم‌های اقتصادی در مورد برنامه هسته‌ای ایران رشد اقتصادی ایران به‌طور متوسط سالانه نزدیک به منفی یک درصد بوده است. لازم به ذکر است رشد اقتصادی سال ۱۳۹۱ نزدیک منفی ۸/۵ درصد برآورد شده است. رشد اقتصادی ایران در سال ۱۳۹۵ به بیش از ۱۴ درصد رسید. مهم‌ترین دلایل آن کاهش تحریم‌های اقتصادی، افزایش فروش نفت و افزایش تجارت خارجی است.

در برنامه ششم توسعه (۱۳۹۶-۱۴۰۰) رشد اقتصادی ایران به کمتر از یک درصد کاهش یافت. از دلایل اصلی این کاهش در رشد اقتصادی خروج آمریکا از برجام در سال ۱۳۹۷ و همچنین همه‌گیری بیماری کرونا در ماه پایانی سال ۱۳۹۸ و ادامه آن تا پایان سال ۱۴۰۰ است. رشد اقتصادی ایران در سال ۱۴۰۱ به ۴/۹ درصد رسید و به نظر می‌رسد اثرات تحریم‌های اقتصادی کم‌رنگ‌تر شده است.

در این پژوهش با استفاده از مدل سری‌های زمانی ساختاری و به‌کارگیری الگوریتم فیلتر کالمن اثر نرخ تورم و سایر متغیرهای اثرگذار بر رشد اقتصاد ایران بررسی شد. مدل سری‌های زمانی ساختاری این قابلیت را دارد که در کنار عوامل قابل مشاهده نظیر نرخ تورم، موجودی سرمایه، نیروی کار، حاشیه نرخ ارز، امید به زندگی و نرخ باسوادگی، عوامل غیرقابل مشاهده نظیر تغییرات ساختاری در اقتصاد، عوامل اجتماعی و فرهنگی را در مدل لحاظ کند. به‌عبارت‌دیگر در این مدل برخلاف سایر مدل‌های متعارف که عوامل غیرقابل مشاهده را به‌صورت ثابت و خطی در نظر می‌گیرد، آن‌ها را متغیری تصادفی در نظر می‌گیرد و برای برآورد آن از الگوریتم کالمن فیلتر استفاده می‌نماید. بر اساس نتایج مدل‌سازی به روش سری‌های زمانی ساختاری، ماهیت روند غیر هموار بوده و مدل دارای سطح و فاقد شیب است، به‌عبارت‌دیگر مدل از نوع مدل سطح نسبی است.

در سال‌های ۱۳۵۷، ۱۳۵۹ و ۱۳۶۱ شکست ساختاری در سطح متغیر رشد اقتصادی صورت گرفته است. از دلایل اصلی شکست ساختاری در این سال‌ها می‌توان به ترتیب به انقلاب اسلامی (بروز دومین شوک نفتی)، شروع جنگ تحمیلی (در پی آن تحریم‌های اقتصادی) و افزایش قیمت جهانی نفت (افزایش درآمدهای نفتی ایران) اشاره کرد. متغیرهای سرمایه و نیروی کار اثر مثبت و معنی‌داری بر رشد اقتصادی دارند به طوری که با افزایش ده درصد سرمایه و نیروی کار به ترتیب رشد اقتصادی ۲/۲ درصد و ۶/۶ درصد افزایش می‌یابد. حاشیه نرخ ارز بر رشد اقتصادی اثر منفی و معنی‌داری دارد به طوری که با افزایش ده درصد حاشیه نرخ ارز در بازار رسمی و غیررسمی، باعث کاهش ۰/۹ درصد رشد اقتصادی می‌شود. نرخ تورم اثر مثبت و معنی‌دار، درحالی که مجذور نرخ تورم اثر منفی و معنی‌دار بر رشد اقتصادی دارد. مطابق رابطه نرخ تورم آستانه که در بخش معرفی مدل به اشاره شد، نرخ آستانه تورم طی دوره مطالعه نزدیک به ۱۶/۹ درصد برآورد شد. به عبارت دیگر در اقتصاد ایران افزایش تورم تا آستانه ۱۶/۹ درصد باعث افزایش رشد اقتصادی و افزایش تورم بیش از نرخ آستانه باعث کاهش رشد اقتصادی می‌شود. متغیرهای امید به زندگی و نرخ باسوادی اثرات مثبت و معنی‌داری بر رشد اقتصادی طی دوره موردبررسی دارند به طوری که با افزایش ده درصدی امید به زندگی و نرخ باسوادی به ترتیب، رشد اقتصادی ۱/۷۵ و ۰/۱۷ درصد افزایش می‌یابد. با توجه به نتایج برآورد مدل به کمک مدل‌های سری زمانی، نرخ رشد اقتصادی در سال قبل اثر مثبت و معنی‌داری بر رشد اقتصادی دارد.

پس از برآورد مدل پویا با استفاده از مدل خودرگرسیون با وقفه‌های گسترده، رابطه بلندمدت برآورد شد. نتایج بلندمدت نشان می‌دهد آستانه تورم ۹/۴ درصد است. به عبارت دیگر با افزایش نرخ تورم تا ۹/۴ درصد باعث افزایش رشد اقتصادی بلندمدت می‌شود و افزایش بیش از این مقدار باعث کاهش رشد اقتصادی در ایران می‌شود. بر اساس یافته‌های پژوهش، از یک سو برای افزایش رشد اقتصادی در ایران سیاست‌های افزایش اشتغال، افزایش موجودی سرمایه و کاهش حاشیه نرخ ارز توصیه می‌شود. از سوی دیگر با توجه به اینکه نرخ تورم تا سطح آستانه ۱۶/۹ درصد در کوتاه‌مدت و تا سطح آستانه ۹/۴ درصد در بلندمدت موجب افزایش رشد اقتصادی می‌شود، هدف‌گذاری نرخ تورم پایین‌تر از این سطوح بایستی مورد توجه ویژه قرار گیرد.

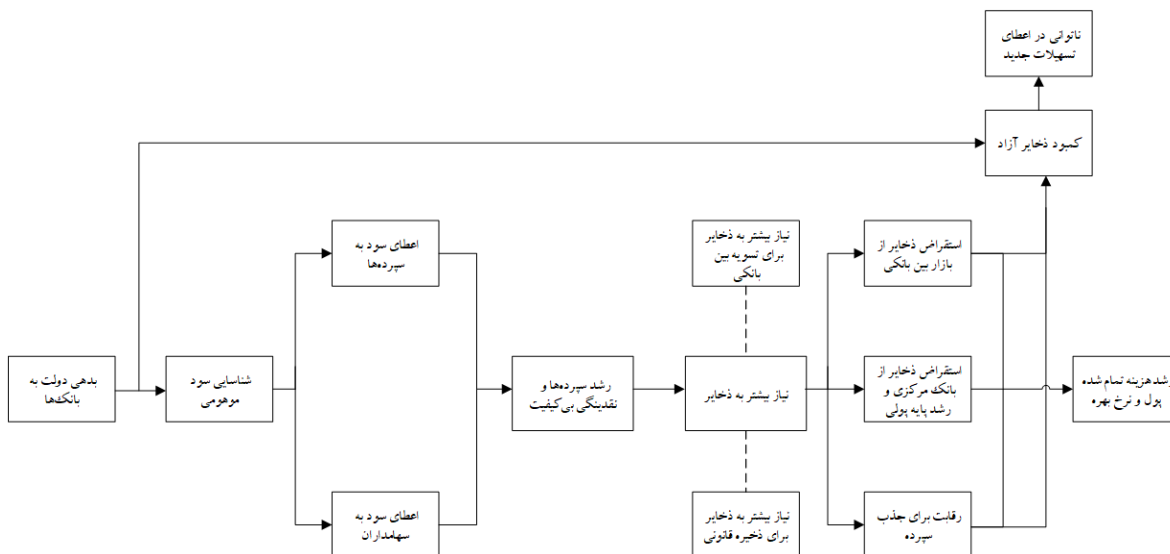
ارزیابی اثرات اجرای سیاست تسهیل اعتبار جهت تسویه بدهی‌های دولت بر تورم ایران

دکتر محمدمهدی عسگری ده‌آبادی، دکتری اقتصاد دانشگاه علامه طباطبایی

آخرین مقاله منتخب و ارائه‌شده در این بخش توسط دکتر محمدمهدی عسگری ده‌آبادی ارائه شد. مطابق دیدگاه جریان غالب علم اقتصاد، نقدینگی به‌واسطه رشد پایه پولی و از طریق سازوکار ضریب فزاینده رشد می‌کند، لذا همواره به دولت‌ها توصیه شده است از استقراض مستقیم از بانک مرکزی برای جبران کسری بودجه خودداری کنند، زیرا این کار به رشد پایه پولی، به تبع آن نقدینگی و درنهایت تورم منجر می‌شود. این توصیه به‌مرور به یکی از احکام دائمی برنامه‌های توسعه تبدیل و دولت را به لحاظ قانونی از استقراض مستقیم از بانک مرکزی منع کرده است. متأسفانه این راهکار به‌رغم تبدیل شدن به قانون، هیچ‌گاه در ایران به هدف خود که مهار نقدینگی و به تبع آن تورم بوده دست نیافته است. برخی اقتصاددانان ایرانی برای تبیین چرایی این عدم توفیق، دیدگاه جریان غالب علم اقتصاد در خصوص برون‌زا بودن پول و سازوکار ضریب فزاینده را به چالش کشیده و بیان می‌دارند که نقدینگی متغیری درون‌زا است که بر اساس تقاضای عاملان اقتصادی تعیین می‌شود و محدود کردن دسترسی دولت به منابع بانک مرکزی یا هرگونه تلاش دیگر برای کنترل نقدینگی از طریق مهار پایه پولی ناگزیر به شکست خواهد انجامید؛ بنابراین مهار نقدینگی مادامی‌که دلایل پیشران رشد آن مهار نشده است ناممکن است. در چارچوب این دیدگاه پایه پولی متغیری وابسته است که فارغ از ممنوعیت‌های وضع شده در خصوص استقراض مستقیم دولت از بانک مرکزی، منبعث از نقش‌های مختلف بانک مرکزی از جمله نقش آخرین قرض‌دهنده متناسب با نقدینگی خلق‌شده افزایش خواهد یافت.

نقدینگی در اقتصاد ایران عموماً از دو کانال و به شکل درون‌زا افزایش می‌یابد: کسری بودجه دولت و ناترازی بانک‌ها. در واقع از آنجاکه مشکل کسری بودجه و تداوم حیات بانک‌های ناتراز، جز با تزریق پول مرتفع نمی‌شود، لذا مادامی‌که این دو ریشه رشد درون‌زای نقدینگی در اقتصاد ایران خشکانده نشود، نمی‌توان به توقف رشد نقدینگی در اقتصاد امیدوار بود. یکی از دلایل ناترازی بانک‌ها، عدم تسویه بدهی دولت با بانک‌ها و پیمانکاران است. عدم تسویه بدهی دولت با بانک‌ها و پیمانکاران به‌صورت مستقیم و غیرمستقیم بر ترازنامه بانک‌ها اثر گذاشته و علاوه بر آنکه موجبات رشد نقدینگی و پایه پولی را فراهم می‌آورد به افزایش نرخ بهره و ناتوانی بانک‌ها در پرداخت تسهیلات جدید به بخش تولید به‌رغم رشد نقدینگی نیز منجر می‌شود. از آنجاکه بدهی دولت به بانک‌ها هیچ‌گاه به ردیف مطالبات مشکوک‌الوصول یا سوخت شده منتقل نمی‌شود لذا بانک‌ها نیازمند ذخیره‌گیری برای آن‌ها نیستند، اما روی این سپرده‌ها سود شناسایی کرده و بخشی از این سود موهومی را به‌عنوان

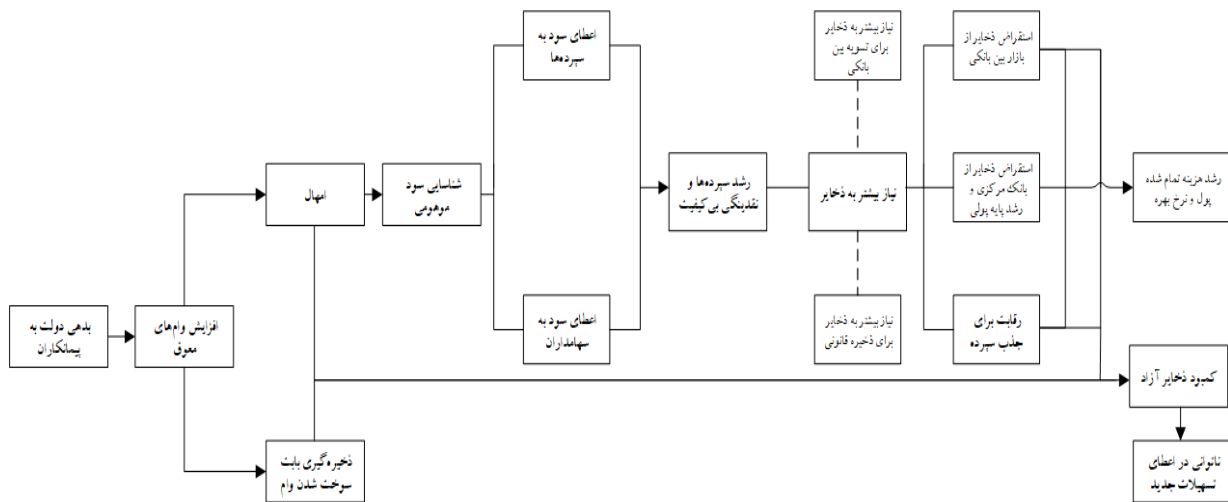
سود به سپرده‌گذاران و بخشی را به‌عنوان سود سهام به سهامداران می‌پردازند. سودهای پرداخت‌شده به سپرده‌گذاران و سهامداران از این محل منجر به افزایش سطح سپرده‌ها شده و از آنجاکه در این فرآیند پولی از سمت دولت پرداخت نشده (و به همین دلیل به آن سود موهومی گفته می‌شود)، لذا کل سود شناسایی شده از محل خلق نقدینگی جدید ایجاد می‌شود. نقدینگی جدید ایجاد شده نیازمند ذخایر بیشتر جهت سپرده قانونی و انجام عملیات تسویه بین بانکی است. این ذخایر چه از محل ذخایر فعلی بانک، چه از طریق استقراض از بازار بین بانکی و چه از طریق جذب سپرده از دیگر بانک‌ها انجام شود، بدون اثر بر حجم پایه پولی به کاهش سرجمع ذخایر آزاد شبکه بانکی منجر شده و توانایی آن‌ها برای اعطای وام به بخش خصوصی را کاهش می‌دهد. در صورتی که این منابع از طریق استقراض از بانک مرکزی تأمین شود، به رشد ذخایر و پایه پولی منجر شده اما هیچ کمکی به بانک‌ها جهت اعطای تسهیلات جدید نمی‌کند. همچنین این فرآیند به رشد هزینه تمام‌شده پول و نرخ بهره نیز منجر می‌شود. بنابراین چنان‌که در شکل ۱ مشاهده می‌شود، عدم تسویه بدهی دولت با بانک‌ها منجر به خلق نقدینگی بی‌کیفیت شده، پایه پولی را افزایش داده و نرخ بهره را تحت فشار می‌دهد و نشان می‌دهد چرا تولیدکنندگان به‌رغم افزایش نقدینگی از تنگنای اعتباری شکایت دارند.



شکل ۱. اثرات عدم تسویه بدهی دولت با بانک‌ها بر کمیت‌های پولی

عدم تسویه بدهی دولت با پیمانکاران نیز اثراتی کمابیش مشابه دارد. عدم تسویه بدهی دولت با پیمانکاران منجر به عدم بازپرداخت وام‌های دریافت شده از سوی پیمانکاران شده و بانک‌ها را دوراهی غیرجاری کردن تسهیلات و ذخیره‌گیری یا امهال قرار می‌دهد. غیرجاری کردن تسهیلات به کاهش سطح ذخایر آزاد بانک منجر شده و توانایی آن‌ها برای اعطای وام را کاهش می‌دهد. در عین حال در صورتی که بانک از سازوکار امهال استفاده

نماید، فرایندی مشابه فرایند عدم تسویه بدهی دولت با بانک‌ها به وجود خواهد آمد. بنابراین چنان‌که در شکل ۲ مشاهده می‌شود، عدم تسویه بدهی دولت با پیمانکاران نیز منجر به خلق نقدینگی بی کیفیت شده، پایه پولی را افزایش داده و نرخ بهره را تحت فشار می‌دهد و نشان می‌دهد چرا تولیدکنندگان به‌رغم افزایش نقدینگی از تنگنای اعتباری شکایت دارند.



شکل ۲. اثرات عدم تسویه بدهی دولت با پیمانکاران بر کمیت‌های پولی

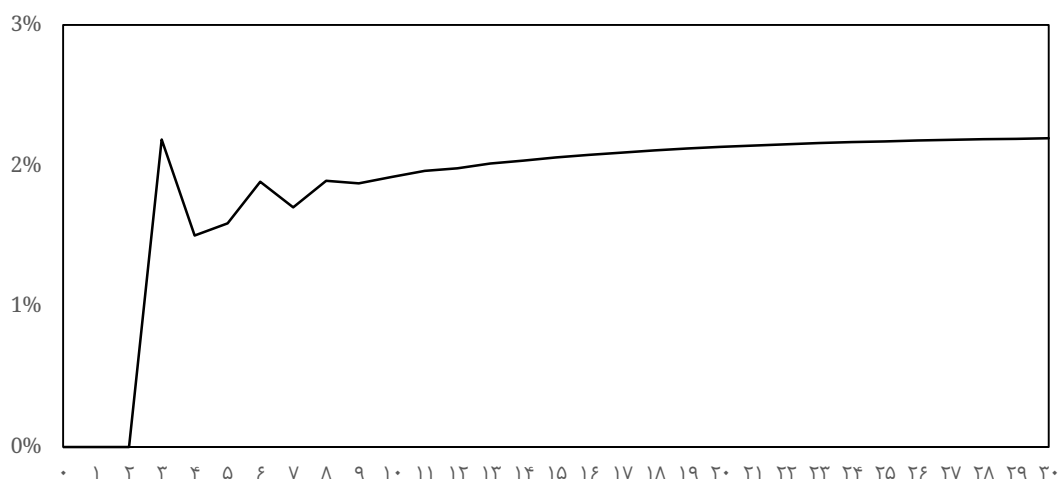
درعین حال باید توجه داشت که منابع استقراضی دولت از بانک مرکزی فاقد بهره (حتی در صورت پرداخت بهره در نهایت به‌عنوان سود در اختیار دولت قرار می‌گیرد) و منابع استقراضی دولت از بانک‌ها مشمول بهره می‌شود، لذا استقراض دولت از بانک‌ها به‌جای استقراض مستقیم از بانک مرکزی به افزایش مرکب بدهی‌های دولت در سنوات آتی منجر شده و کسری بودجه دولت را تشدید می‌نماید.

با توجه به موارد فوق این پرسش پیش می‌آید که آیا بهتر نیست که دولت بدهی‌های خود به بانک‌ها و پیمانکاران را از طریق اتکا به ترازنامه بانک مرکزی تسویه کرده و چرخه‌ای از تسویه بدهی با اثرات مثبت اقتصاد کلانی را آغاز کند. آنچه بیش از هر چیز، اجرای چنین تدابیری را به‌عنوان یک راهکار عملی جدی می‌سازد، سیاست‌های مقداری اعمال‌شده از سوی بانک‌های مرکزی کشورهای پیشرفته از جمله ژاپن یا ایالات متحده در دو دهه اخیر است که با تمرکز بر ترازنامه بانک مرکزی، به اقداماتی از این دست مبادرت کرده‌اند. طبیعتاً در چنین فضایی، تجویز نسخه‌ای مشابه برای اقتصاد ایران یک فرضیه قابل بررسی است.

در این راستا در این پژوهش سازوکار تسویه بدهی دولت با بانک‌ها و پیمانکاران از طریق بانک مرکزی به لحاظ نظری ارائه و اثرات به‌کارگیری سیاست تسهیل اعتبار در چارچوب یک مدل تطبیق روانه انباره متناسب با

اقتصاد ایران بر متغیرهای اقتصادی منتخب شامل متغیرهای پولی (نقدینگی و پایه پولی)، ترازنامه بانکها، کسری بودجه دولت و نرخ تورم موردبررسی قرار گرفته است.

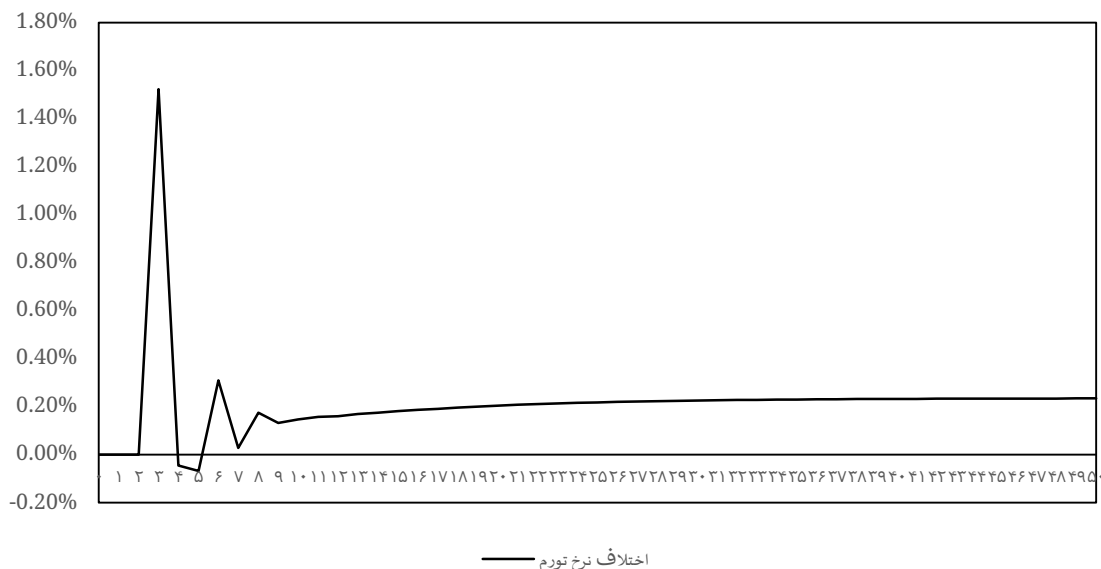
نتایج حاصل از مدل نشان می‌دهد که اجرای سیاست تسویه بدهی دولت با بانکها با استفاده از منابع بانک مرکزی، به بهبود کسری بودجه دولت و کاهش تورم منجر می‌شود. اجرای سیاست اول کاهش تورم را نسبت به سناریوی پایه در پی خواهد داشت؛ درواقع بر اساس نتایج مستخرج از مدل اجرای این سیاست منجر به کاهش ۲,۱۹ درصدی تورم در بلندمدت می‌شود.



— اختلاف نرخ تورم

نمودار ۱. اختلاف تورم بین سناریوی تسویه بدهی دولت با بانکها و سناریوی پایه

اجرای سیاست دوم نیز کاهش تورم نسبت به سناریوی پایه را در پی خواهد داشت؛ درواقع بر اساس نتایج مستخرج از مدل، اجرای این سیاست منجر به کاهش ۰,۲۳ درصدی تورم در بلندمدت می‌شود. نمودار بعد اختلاف تورم بین دو سناریو را به تصویر می‌کشد.



نمودار ۲. اختلاف تورم بین سناریوی تسویه بدهی دولت با پیمانکاران و سناریوی پایه

همچنین باید توجه داشت درحالی که اجرای این سیاست به افزایش پایه پولی منجر می‌شود، کاهش نقدینگی را به دنبال دارد؛ این در حالی است که هراس از افزایش نقدینگی یکی از اصلی‌ترین دلایل اجتناب سیاست‌گذاران از منابع بانک مرکزی است. همچنین اجرای سیاست تسویه بدهی دولت با پیمانکاران با استفاده از منابع بانک مرکزی منجر به افزایش پایه پولی، نقدینگی و کسری بودجه حقیقی دولت می‌شود اما کاهش اندک تورم را به دنبال دارد. درعین حال باید توجه داشت که این توصیه‌ها صرفاً برای برون‌رفت از بحران فعلی تجویز شده‌اند. در واقع نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که استفاده از سیاست‌های پیشنهادی، اقتصاد را در مسیری بهتر از مسیر فعلی آن قرار می‌دهد؛ اما به هیچ‌عنوان تجویزی برای استفاده بی‌رویه دولت از منابع بانک مرکزی در همه امور نیست. بدیهی است دولت برای بهبود شرایط خود در بلندمدت نیازمند برنامه‌ای برای بودجه‌ریزی بهتر و ایفای تعهدات مالی به پیمانکاران است؛ اما بر اساس نتایج پژوهش استفاده از روش مورد اشاره در این پژوهش برای تسویه بدهی با پیمانکاران بر تداوم رویه فعلی ارجحیت دارد.

سیاست‌های ارزی باید با توجه به اثر بر بخش حقیقی اقتصاد، با هدف بهبود وضع تولید و رشد اقتصادی

وضع شوند

دکتر محمد قاسمی ششده، عضو هیئت علمی دانشگاه علامه طباطبایی و رئیس مرکز پژوهش‌های اتاق بازرگانی

سخنران ابتدایی این پنل پس از ارائه مقالات منتخب، آقای دکتر محمد قاسمی ششده، عضو هیئت علمی دانشگاه علامه طباطبایی و رئیس مرکز پژوهش‌های اتاق بازرگانی بود. وی با اشاره به مقالات ارائه شده بیان کرد که گاهی اوقات فکر می‌کنیم که مهار تورم فقط وظیفه بانک مرکزی و احیاناً سازمان برنامه و بودجه است. زمانی که ما راجع به اقتصاد ایران صحبت می‌کنیم، ممکن است نه نظریه‌های اقتصادی کشورهای غیرنفتی چندان به تحلیل این پدیده کمک کند و نه نظریات مربوط به کشورهای صرفاً نفتی خیلی کاربرد داشته باشد. وی با اشاره به اینکه عملاً در مجموعه کشورهای که ما به آن‌ها کشورهای نفتی می‌گوییم، تنها سه کشور متفاوت ایران، نیجریه و تا حدودی ونزوئلا وجود دارند، بیان کرد که حتی زمانی که می‌خواهیم راجع به تئوری‌ها صحبت کنیم نیز باید به این تفاوت‌های ساختاری توجه داشته باشیم. مقاله مربوط به بخش مواد غذایی مقاله خوبی بود که ارائه شد. در این مقاله جدول داده - ستانده ایران در جدول داده - ستانده جهانی ادغام و مقایسه شده است و نتایج نشان داده که وابستگی صنعت غذا در ایران به واردات، از میانگین جهانی بیشتر است. نتیجه این اتفاق چیست؟ این روند نشان می‌دهد که در صنعت غذا ساختار تولیدی، زنجیره‌های ارزش داخلی اش کامل نیست و همه به اصطلاح سطرهایی که تولید را نشان می‌دهد، ستون وارداتشان در جدول داده - ستانده مثبت است. یعنی با یک یا دو حلقه، سرنوشت تولید ما به قیمت ارز وصل می‌شود. سبد غذایی مردم مستقیم به ارز وابسته شده است. ارزی که تقریباً همه معتقدند که در نرخ تورم، لیدر شده است. در این اتفاق رسالت چه نهادی است که اوضاع را مدیریت و مشکل را حل نماید؟ این وظیفه بانک مرکزی نیست، بلکه وظیفه وزیر صمت و وزیر جهاد کشاورزی است. مطالعاتی که در جهاد کشاورزی وجود دارد می‌گوید بدون فشار بر منابع آبی کشور، امکان تهیه غذای دام و طیور در کشور وجود دارد. به این جمله با دقت توجه کنید. این مطالعاتی است که در خود وزارت جهاد انجام شده است. دکتر قاسمی با اشاره به این نکته که متأسفانه در کشور واردات شیرین تر از تولید است، ادامه داد همیشه در ایران واردکنندگان برنده تر از صادرکنندگان بودند حتی در دوران بی‌پولی نیز واردات شیرین است. طبیعی است که اگر دولت بخواهد به این سمت نرود، مجبور است که یک سیاست ارزی درستی وضع نماید. این عضو هیئت علمی علامه بیان داشت که صرفاً نباید بر سر متغیرهای پولی چانه بزنیم و به بخش حقیقی اقتصاد بی‌توجه باشیم. سیاست ارزی این کشور ۵۰ سال است که دارد مسیر اشتباه می‌رود. مسیر

اشتباهش چیست؟ نرخ ارز را هدف گرفته نه اثر نرخ ارز، نه اثر سیاست ارزی بر بخش حقیقی اقتصاد را. در حالی که هرگاه رئیس بانک مرکزی، رئیس سازمان برنامه و بودجه، وزیر اقتصاد به دنبال سیاست ارزی لازم جهت تقویت تولید رقابت‌پذیر ملی بودند، زمانی است که مسیر در حال بهبود و اصلاح است. دکتر قاسمی در بخش دوم سخنان خود اشاره نمود که در زمان تورم، قواعد مالیاتی زمان تورم نیاز است که خیلی از این موارد در قوانین نوشته شده ولی اجرا نمی‌شود. نتیجه این روند این بوده که باعث شده تورم، بخش حقیقی اقتصاد را به شدت تضعیف کند. وی با اشاره به اینکه تجربه فقط همین ۳، ۴ سال اخیر کشورهای اروپایی را مورد توجه قرار دهید عنوان نمود که در دوران اخیر مقالات متعددی برای حفظ رفاه خانوار در دوران تورم با اصلاح قواعد مالیاتی نگاشته شده است. چراکه اگر در دوران تورم بخواهیم قدرت تولید بنگاه را حفظ کنیم، باید قواعد مالیاتی خاص به کار ببریم. در فقدان این رویکرد در شرایط تورمی، مدام خانوار و بنگاه اقتصادی به شدت تضعیف می‌شود و این امر حتماً در دوره‌های بعد ما را با محدودیت عرضه مواجه خواهد کرد. رئیس مرکز پژوهش‌های اتاق بازرگانی در پایان جهت اتخاذ سیاست‌های مناسب مواجهه با پدیده تورم در کشور، به اهمیت پرداختن به شرایط رکود تورمی در همایش‌های علمی بعدی تأکید نمود.

سیاست کنترل نقدینگی نباید تولید را بخشکاند

دکتر مجید کریمی، مدیرکل دفتر مطالعات بازارهای مالی وزارت امور اقتصادی و دارایی

دکتر مجید کریمی، مدیرکل دفتر مطالعات بازارهای مالی وزارت امور اقتصادی و دارایی سخنران دوم این پنل بود. وی ضمن تشکر از برگزاری همایش و برگزاری پیش نشست‌های این رویداد، عنوان نمود که نکات بسیار خوبی در این چند ماه گفته شده است. وی با اشاره به غنای علمی مقالات ارائه شده به خصوص مقاله خانم دکتر زارعی و دکتر ابراهیمی، بیان کرد که باید وقت ویژه‌ای برای یافته‌های این مقالات که کاملاً با وضع فعلی اقتصاد ما هم جور در می‌آید، گذاشته شود و به گوش همگان برسد. چون نکات مقالات هم از لحاظ پوشش و هم عمق واقعاً کامل بود. در ادامه سخنان دکتر قاسمی، دکتر کریمی ضمن اشاره به بحث سیاست‌های ترانزنامه و بحث ارز مباحث خود را دنبال کرد. وی اشاره نمود اینکه ما می‌گوییم که چرا واردات کالاهای اساسی داریم باید به این سؤال پاسخ داد که چرا واردات کالاهای اساسی جزء تفکیک‌ناپذیر در اقتصاد ایران شده است؟ آیا به لحاظ جغرافیایی واقعاً ما نمی‌توانیم این‌ها را تأمین کنیم؟ و اگر تأمین می‌کنیم روش تأمین ما به چه شکل است؟ به‌طور مثال عرض می‌کنم ما بر اساس قانونی که شورای تعیین قیمت‌های خرید تضمینی است، می‌گوییم قیمت خرید تضمینی گندم به دلیل حمایت از گندم‌کاران، فلان عدد است. در آن قانون آمده است که ۴ محور در تعیین این نرخ مؤثر است، از جمله داشتن بالاترین سطح استاندارد که معمولاً در مورد مواد غذایی به درستی سخت‌گیرانه است، بهای تمام شده کشور در تولید گندم و نرخ تمام شده واردات جهانی آن چون در برخی کالاها ما هم تولیدکننده و هم واردکننده هستیم. بنابراین اگر قیمت‌های نسبی به هم بخورد و قیمت را درست تعیین نکنیم در خصوص کالاهای اساسی مسائل مختلفی به‌طور درهم‌تنیده باید دیده شود. نکته بعدی این است که به فرض ما نمی‌توانیم ذرت را خودمان تولید کنیم، و عمده‌اش مثلاً ۸۰، ۹۰ درصد آن باید در واردات تأمین شود. سؤالاتی که مطرح می‌شود این است که نوع واردات چگونه است؟ چه زمانی خریداری می‌کنم؟ چه زمانی به آن تخصیص ارز می‌دهم؟ البته ما در مورد یک محصولی صحبت می‌کنیم که فصل داشت آن معلوم و فصل برداشت آن مشخص است. یعنی معلوم است که چه زمانی قیمت آن در دنیا بالا است و چه زمانی قیمت آن پایین است. در این صورت جهت عملکرد عاقلانه باید در فصل برداشت خریداری نمود. یعنی همه عوامل دست در دست هم بدهند، ارز من، کشتی من، لجستیک من، بندرهایم، همه آماده باشند که بتوانم در آن لحظه با قیمت پایین، خریدم را انجام دهم. ولی در واقع متأسفانه این اتفاق این‌گونه نمی‌افتد.

دکتر کریمی بحث خود را در خصوص سیاست‌های تنظیم بازار این‌گونه ادامه داد که تمامی مشکلات باعث شده که ما صورت مسئله را پاک کرده و به جهت شکل‌گیری فسادهایی که بوده و ارزی که برای واردات تخصیص پیدا کرده به واردات منجر نشده است، الآن مایلیم که بعد واردات ارز را تحویل بدهیم. این به معنای چیست؟ یعنی واردکننده به قیمت گران‌تری خریداری می‌کند چون اگر در واقع پیش خرید می‌کرد، قرارداد محکمی هم می‌بست که در واقع منجر به این نشود که قیمت برای دولت افزایش پیدا کند، می‌توانست بهای واردات را کاهش پیدا دهد. وی ادامه داد که این موارد از جمله نکاتی است که این دولت واقعاً ورود کرده و سعی بر آن دارد که بتواند این موارد را کاهش دهد، کنترل کند یا مثلاً قرارداد ترم ببندد. یا اینکه مثلاً انحصار را از این بازار بردارد.

مدیرکل دفتر مطالعات بازارهای مالی وزارت امور اقتصادی عنوان نمود که به‌طور مثال روسیه در نزدیکی ما تأمین‌کننده خیلی از غلات در دنیا است، و اگر بدانند که شما به صورت پایدار از این کشور خرید خواهید کرد، می‌تواند دریای خزر را فعال کند. کشتی‌های خود را منتقل کند و به‌طور خلاصه منجر به انعقاد قرارداد ترم شود و بهای تمام شده ایران نیز کاهش یابد. وی با اشاره به این نکته که این را مفروض قرار ندهید که مواد غذایی ما در واقع به دلیل مسائل جغرافیایی، به دلیل تحریم لاجرم باید بالا برود، عنوان نمود که اگر به‌موقع بتوان این ارز را تخصیص داد، ممکن است به‌جای ۱۵ میلیارد دلار با ۱۰ میلیارد دلار بتوان یک نیاز سالانه را رفع کرد. دکتر کریمی با اشاره به مقاله ارائه شده دکتر عسگری، بیان کرد که اصولاً ظاهراً دولت خو گرفته که بدهی خلق نموده و آن را نپردازد. برای اصلاح آن باید چه کرد؟ مسئله این است که بدهی باید زمان‌دار باشد و آن زمانی است که تبدیل به اوراق شود، وقتی که بازار پیدا کند، وقتی که بتوان در واقع بدهی را به دیگری منتقل کرد. آن وقت یعنی سررسید دارد و قابل مبادله می‌شود. وی در ادامه با اشاره به اینکه کنترل ترازنامه کار درستی است، بیان داشت که باید پل‌های پولی را کنترل کرد، منتهی اینکه آیا این سیاست با توجه به وضعیت اقتصادی ما کافی است یا خیر، گفت: در اقتصادی که ناترازی در آن وجود نداشته باشد و همه چیز شفاف باشد، کسری بودجه نداشته باشد یا کسری بودجه‌اش تنظیم شده باشد، عامل اصلی که می‌تواند همه این‌ها را کنترل کند و به‌عنوان یک متغیر اثرگذار و عملاً در واقع یک لنگر عمل نماید، نرخ بهره است. اما به این دلیل که همه این مواردی که عرض کردم در اقتصاد ما وجود ندارد، لاجرم دولت باید برود به سمت کنترل پل‌های پولی، اما این به‌تنهایی کافی نیست. دکتر کریمی در پایان با بیان اینکه دولت فعلی با کنترل پل‌های پولی و به‌عنوان یک دستاورد، تورم نقطه‌به‌نقطه ۴۲/۸ درصد، مهر ۱۴۰۰ را به ۲۷ درصد، در آذرماه ۱۴۰۲ رسانده، عنوان کرد که دولت نقدینگی را کنترل کرده،

اما این نقدینگی چه جنسی دارد؟ دولت باید در کنار این کنترل نقدینگی به بخش‌های مولد اجازه دهد که رشد داشته باشند تا بشود یک نقدینگی مؤثر بر سمت عرضه اقتصاد داشته باشیم.

سیاست‌گذار نباید منافع بلندمدت عمومی اقتصاد را فدای منافع کوتاه‌مدت سیاسی خود نماید

دکتر مرتضی عزتی، عضو هیئت‌علمی دانشگاه تربیت مدرس

دکتر مرتضی عزتی، عضو هیئت‌علمی دانشگاه تربیت مدرس به‌عنوان سخنران پایانی این پنل، ضمن تشکر از پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی و دست‌اندرکاران همایش، بیان کرد که ما با سیاست‌گذار همیشه مخالفت می‌کنیم و مدام به او می‌گوییم اشتباه می‌کند. به بحث‌های امروز توجه کنید. برخی معتقدند نرخ بهره بالا رود، هیچ تغییری در وضعیت تسهیلات و سپرده‌های بانک‌ها رخ نمی‌دهد. برخی دیگر معتقدند نقدینگی عامل اصلی است. اقتصاددانان ما وقتی می‌خواهند نظر بدهند، عمدتاً فکر می‌کنند اظهارنظر درباره وضعیت اجتماع و سیاست‌گذاری مثل مقاله‌نوشتن یا مثل خطابه است و نکته دوم اینکه فکر می‌کنیم سیاست‌گذاری مثل مقاله‌نوشتن است. وقتی می‌خواهید مقاله بنویسید باید حرف نو و جدید بزنید. حرف‌های نو که در حد مقاله است برای توسعه علم استفاده می‌شود، نه برای سیاست‌گذاری. ما اقتصاددانان برخی مواقع در جو غالب گم می‌شویم. جو غالب حدوداً از دهه ۱۹۸۰، در کتاب‌ها و مقاله‌ها و غیره جو پولی است و اقتصاددانان در این جو گم شده‌اند. این در حالی است که بنیان‌های استوارتر علم در دهه‌های قبل‌تر شکل گرفته است. آن‌هایی که امتحان‌شان را پس داده‌اند به درد سیاست‌گذاری می‌خورند نه آن‌هایی که تازه دارند مقاله می‌شوند و قرار است آزمون شوند، تست شوند و ده‌ها سال دیگر شاید ردّ و یا قبول شوند. ما اقتصاددانان برخی مواقع دنبال این جو غالب هستیم و فکر می‌کنیم این جو غالب را بیاوریم به خورد سیاست‌گذار بدهیم. آقای دکتر قاسمی به یک سری نکات اشاره کردند. واقعیتی که در جامعه دارد رخ می‌دهد چیست؟ خوب دقیقاً شما تصور کنید ما بیایم علم اقتصاد را از اول مرور کنیم. علم اقتصاد علم چیست؟ تخصیص بهینه منابع. اول ببینیم ما در تحلیل‌هایمان دنبال تخصیص بهینه منابع هستیم برای سیاست‌گذاری یا خیر. دوم اینکه هدف یک کارگزار اقتصادی یا یک عامل اقتصادی چیست؟ هدفش چیست؟ حداکثر کردن مطلوبیت. این عامل اقتصادی رهبر شود، رئیس‌جمهور شود، وزیر شود، نماینده مجلس شود، بنگاه‌دار باشد، مصرف‌کننده باشد. قطعاً این هدف یک‌چیز است. این جور نیست که توجیه بکنیم سیاست‌گذار قطعاً دنبال منافع عمومی است. چرا سیاست‌گذار دنبال یک سیاست خاصی است؟ چون کوتاه‌مدت منافع شخصی او ایجاب می‌کند که بگویند این دولت خوب کار کرد. دکتر عزتی با اشاره به اینکه عموم مردم، تورم را حس می‌کنند، اما کمتر از تولید مطلع‌اند، بیان کرد: فقط تولیدکننده است که می‌فهمد در چه وضعیتی در حال تولید به‌سختی است. تولیدکننده‌ها چند درصد مردم هستند؟ بسیار ناچیزند. عموم مردم مصرف‌کننده هستند. تفاوت تولیدکننده با مصرف‌کننده در این است.

مصرف‌کننده فردا رأی می‌دهد چون اکثریت جامعه است. سیاست‌گذار چون دنبال منافع خود است و منافع کوتاه‌مدت هم برای همه انسان‌ها بر منافع بلندمدت اولویت دارد، سیاست‌گذار دنبال منافع شخصی خود است بعد حالا احتمالاً بر اساس نظرات شخصی، منافع جمعی اهمیت دارد. ما فریاد می‌زنیم که تولید در حال از بین رفتن است. به‌طور مثال فرض کنید در بحث کاهش نقدینگی، سهم بخش خصوصی از نقدینگی، به‌شدت کاهش پیدا کرده، درحالی‌که سهم دولت افزایش یافته است.

عضو هیئت‌علمی دانشگاه تربیت مدرس اشاره نمود که پایه اصلی تئوری‌های اقتصاد عرضه و تقاضا است. تمامی این تحلیل‌ها اگر بر اساس عرضه و تقاضا تحلیل شود، بسیار مطمئن‌تر از این خواهد بود که بیایم حرف‌های عجیب و غریب بزنیم. همان کتاب اقتصاد خرد یک و اقتصاد کلان یک، نود درصد تحلیل‌های موردنیاز اقتصاد امروز ما را جواب می‌دهد، اقتصاد امروز ما بسیار اقتصاد اولیه است. اقتصاد امروز ما یک اقتصاد پیشرفته نیست که عوامل بسیار گسترده‌ای در آن دخالت کرده باشند. ما هنوز گیر عرضه و تقاضا هستیم. وقتی می‌آییم در بازار، قیمت تعیین می‌کنیم، جلوی منابع را گرفتیم، که منابع نیاید که عرضه را کامل کند. به‌طور مثال مشکل تولید ما چیست؟ مشکل فقدان سرمایه‌گذاری است. در این حالت چطور می‌شود انتظار رشد اقتصادی داشت؟ رشد اقتصادی بدون منابع امکان وقوع ندارد. دکتر عزتی در پایان عنوان کرد که ما باید همه جوانب واقعی اقتصاد را در بحث‌هایمان وارد کنیم. برخی سیاست‌گذاران متوجه هستند که سیاست انقباضی موجود در بحث پولی، به تولید ضربه می‌زند. سیاست‌گذار نباید جهت حفظ موقعیت سیاسی و حزبی خود منافع بلندمدت عمومی اقتصاد را فدای منافع کوتاه‌مدت سیاسی خود نماید.

در خاتمه این همایش ملی یک روزه، با قرائت بیانیه همایش توسط جناب آقای دکتر جلال منتظری شورکچالی خاتمه یافت.